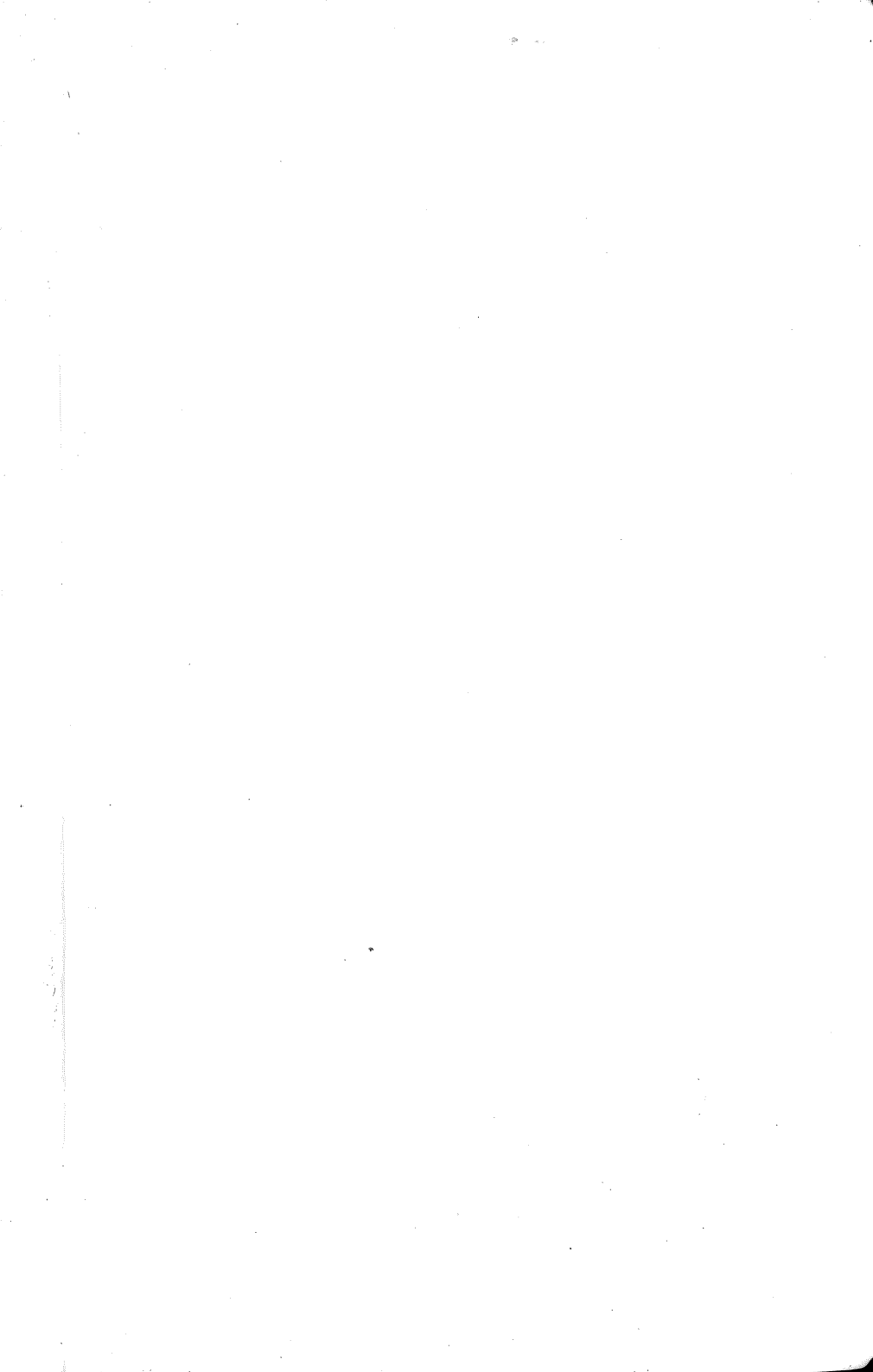


قدرت

زین دعا گو

نویسنده: استورمی امارشن

مترجم: آ. شاه نظریان



فهرست مطالب

10/09/2019

سید باقر علی خاکی

قدرت

زین دعا گو

نویسنده: استورمی امارشن

مترجم: آ. شاه نظریان

این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب

**THE POWER OF A PRAYING WIFE
BY: STORMIE OMARTIAN**

که با اجازه رسمی ناشر متن انگلیسی منتشر می‌گردد

برای کسب اطلاع و دریافت کتاب به نشانی زیر مراجعه فرمایید:

**Faith and Hope Library and Publishing
P.O. Box 14111, Tulsa, OK 74159, USA**

www.farsinet.com/faith_hope/

THE POWER OF A PRAYING® WIFE
Copyright © 1997 by HARVEST HOUSE PUBLISHERS
EUGENE, OREGON 97402

All Right Reserved

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

پیش گفتار

سخن مؤلف

سخن مترجم

قدرت	۱۳
۱. همسر او	۲۷
۲. کار او	۵۵
۳. اموال او	۶۳
۴. مسائل جنسی او	۶۹
۵. عاطفه او	۷۷
۶. وسوسه‌های او	۸۳
۷. ذهن او	۹۱
۸. ترسهای او	۹۹
۹. هدف او	۱۰۵
۱۰. انتخابهای او	۱۱۱
۱۱. سلامتی او	۱۱۷
۱۲. حفاظت او	۱۲۳
۱۳. آزمایشات او	۱۲۷

۱۴.	صداقت او.....	۱۳۵
۱۵.	شهرت او.....	۱۳۹
۱۶.	الویتهای او.....	۱۴۵
۱۷.	روابط او.....	۱۵۱
۱۸.	پدر بودن او.....	۱۵۹
۱۹.	گذشته او.....	۱۶۷
۲۰.	نگرش او.....	۱۷۳
۲۱.	ازدواج او.....	۱۷۹
۲۲.	احساسات او.....	۱۸۵
۲۳.	قدمهای او.....	۱۹۱
۲۴.	کلام او.....	۱۹۷
۲۵.	توبه او.....	۲۰۳
۲۶.	رستگاری او.....	۲۰۹
۲۷.	اطاعت او.....	۲۱۵
۲۸.	خویشتن شناسی او.....	۲۲۱
۲۹.	ایمان او.....	۲۲۷
۳۰.	آینده او.....	۲۳۳



پیش گفتار

در خانه این دیگر باب مزاح و شوخی شده وقتی از تعداد سالهائی که من و استور می ازدواج کرده ایم، حرفی می شود. من همیشه می گویم: "این بیست و پنج سال برای من حیرت انگیز و فوق العاده و برای استور می مشقت بار و رنج آور بوده است." بعد از این همه سال، هیچ جنبه از شخصیت پیچیده من برای او پنهان نمانده است و وی همه را کشف کرده است. او مرا پیروز، شکست خورده، در حال چالش و مبارزه، هراسناک و مردد و افسرده دیده است و به توانائی من بعنوان شوهر، پدر، و موسیقی دان شک کرده است. خشم و عصبانیت مرا آنگاه که از خدا چیزی می خواستم و او فوراً جواب نمی داد، تجربه کرده است. او شاهد معجزات شگفت انگیزی بوده است که چطور خداوند خاکستر را به طلا بدل کرده است. هر قدمی در این راه با دعاهاى او همراه بوده است. و این کتاب حاصل سالها تجربیات اوست. نمی توانم تصور کنم زندگی ام بدون دعاهاى او چگونه بود. دعاهاى او به من آرامش و امنیت می دهد و رسالت خداوند را که همانا دعا برای یکدیگر است محقق می سازد. فکر نمی کنم هیچ راه بهتری غیر از دعا تا این حد بتواند عشق راستین یک زن را به شوهرش نشان دهد. دعای زن برای همسرش هدیه بسیار ارزشمندی است که بواسطه آن مرد برکت، جلال و شکوه خداوند را تجربه می کند.

استور می، دوستت دارم.

کسیکه همواره برایش دعا کردی،
مایکل



سخن مؤلف

تشکر صمیمانه خود را نثار همه همسران دعاگو در سراسر جهان می‌کنم که چاپ اول این کتاب را خوانده و آن را بخشی از زندگی خویش نموده‌اند. به شما عزیزان احترام می‌گذارم بخاطر انگیزه، تحمل، فروتنی و ایمانی که به خرج دادید تا سختی فصل اول کتاب را پشت سر بگذارید. اما نه تنها این کار را کردید، بلکه تا آخر راه رفتید. نامه‌های بیشمار شما حکایت از اجابت حیرت آور دعاهایتان می‌کند. اینکه چطور خداوند بطور اعجاب آمیزی از دواهایتان را نجات بخشیده و جان دوباره در آن دمیده و زندگی تان را متحول نموده است. من می‌دانستم این اصول برای من سودمند و مؤثر بودند، اما عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفتم و قتیکه فهمیدم برای شما نیز اعجاز آفریده است. تأثیری که این کتاب بر زندگی شما دارد هرگز مرا از حیرت و شگفتی باز نمی‌دارد.

شما نه تنها این کتاب را جهت مطالعه خود درخواست نمودید بلکه با اشتیاق آن را در اختیار سایرین قرار دادید. خواه این کتاب را خود خریده باشید یا آن را بعنوان هدیه دریافت کرده باشید، دعا می‌کنم که این کتاب درهای رحمت و بزرکت را به روی شما بگشاید و شاهد اجابت بیشتر دعاهایتان بیش از آنچه تصور می‌کنید، باشید.

پیشنهاد می‌کنم نسخه ای از این کتاب را برای همیشه محفوظ نگه دارید، چون همان طور که خود نیز می‌دانید کار زن دعاگو هرگز پایانی ندارد.

استور می‌آمارش



سخن مترجم

بدون شک هر یک از ما شاهد ازدواج‌هایی بوده است که دستخوش مشکلاتی می‌باشند. هدف از ترجمه این کتاب دعوت به اِتکاء به قدرت خداوند برای تحول خود، همسر و ازدواجتان می‌باشد زیرا که قدرت عظیم خداوند قادر است کارهایی بسیار فراتر از خواست، امید و فکر ما انجام دهد.

در این کتاب یاد می‌گیریم که خداوند مشتاق اجابت دعا‌های ماست و این ما هستیم که قادر به دریافت آنها نیستیم. با خود می‌گوئیم من اینهمه دعا کردم خدا جواب دعا‌های مرا نداد. ولی باید از خود سؤال کنیم آیا ما درست دعا کرده‌ایم؟ درست دعا کردن یعنی با ایمان دعا کردن؛ یعنی خود را در حال ستاندن آنچه می‌طلبیم دیدن؛ یعنی از سر راه خدا کنار رفتن و همه چیز را به دست او سپردن.

ازدواج خود را به دست خدا بسپارید تا آن را برایتان متحول کند.

باشد که این کتاب باعث نجات ازدواج‌های بسیاری گردد.
آمین.

آ. شاه نظریان



یک زن فوب را چه کسی می‌تواند پیدا کند؟

ارزش او از جواهرات هم بیشتر است!

او مورد اعتماد شوهرش می‌باشد

و نمی‌گذارد او به چیزی محتاج شود.

در تمام روزهای زندگی،

به شوهرش فوبی فواید کرد، نه بدی.

امثال ۳۱: ۱۰ - ۱۲





قدرت

قبل از هر چیز اجازه بدهید کاملاً روشن کنم که قدرت زن دعاگو نمی‌تواند ابزاری جهت کنترل شوهر باشد، پس دلتان را به این خوش نکنید. در حقیقت موضوع کاملاً برعکس می‌باشد: از اتکاء به قدرت خودتان دست کشیده و به قدرت خداوند برای تحول خود، همسر و ازدواجتان توسل می‌جوئید. این قدرت همچون سلاحی جهت سرکوب حیوان سرکش به شما اعطا نشده است، بلکه ابزار مناسبی برای تجدید ازدواجتان از طریق دعا‌های زنی است که بیش از آنکه طالب حقش باشد با صبر و طمأنینه در صدد انجام کار درست می‌باشد؛ زنی که بیش از آنکه بستاند، مشتاق بخشیدن است. روشی است که توسط آن قدرت خدا را به زندگی شوهر خود فرا می‌خوانید تا بزرگترین رحمت و لطف خود را شامل حال او کند که عاقبت نصیب شما نیز خواهد شد.

در اوائل ازدواج من و شوهرم «هایکل»، وقتی اختلافاتی بین ما پیش می‌آمد، دعا قطعاً اولین فکری نبود که به ذهن من خطور می‌کرد بلکه آخرین دستاویز بود. نخست، روشهای دیگر همچون بحث، تمنا و خواهش، انکار، اجتناب، رویارویی، منازعه، و اغلب شایعترین رفتار یعنی سکوت را اختیار کردم که هیچیک نیز نتایج رضایت بخشی در پی نداشت. مدتی طول کشید تا بفهمم از طریق دعا می‌توان از این روشهای ناخوشایند اجتناب کرد.

اکنون که این کتاب را می‌خوانید بیش از بیست و پنج سال است که از ازدواج من و مایکل می‌گذرد. و این یک معجزه است. که البته دلیلی بر بزرگی ما نیست بلکه وفاداری خداوند در اجابت دعاها را به اثبات می‌رساند.

اعتراف می‌کنم که حتی بعد از این همه سال هنوز هم در حال یادگیری هستم و به این آسانی نیست. با اینکه هنوز در دعا کردن صحیح به آگاهی بیشتری نیاز دارم، ولی هر چه که هست قطعاً موثر است.

زمانی دعا کردن حقیقی را برای همسرم آموختم که دعا کردن برای فرزندانم را آغاز کردم. وقتی شاهد اجابت دعاهایم برای آنها بودم تصمیم گرفتم همان قدر با اشتیاق و تفصیل برای شوهرم دعا کنم. فهمیدم که دعا برای بچه‌ها بسیار آسانتر است. ما از بدو تولد فرزندانمان به آنها چشم می‌دوزیم و بهترین‌ها را بدون هیچ قید و شرط، با تمام وجود برای آنها آرزو می‌کنیم. اما در مورد شوهر اغلب به این سادگی نیست، بویژه برای کسی که برای مدت مدیدی ازدواج کرده باشد. شوهر می‌تواند احساسات شما را جریحه دار کند، بی‌ملاحظه و بی‌توجه باشد، از شما سوء استفاده کند یا موجبات رنجش و آزار شما را فراهم نماید یا در تأمین نیازها و خواسته‌های شما سهل‌انگار باشد. کلام یا رفتار او می‌تواند همچون خنجر تا اعماق وجود شما رخنه کند و زخمی بر جای گذارد که هر بار که تصمیم به دعا می‌گیرید هیچ تمایلی به این کار نداشته باشید. بدیهی است تا وقتی که از این زخمها خلاصی نیابیم نمی‌توانیم آنگونه که خدا از ما انتظار دارد خود را به دعا بسپاریم.

دعا برای شوهر به سادگی دعا برای فرزند نیست چرا که شما مادر همسر خود نیستید. خداوند اختیار فرزندانمان را به دست ما سپرده است اما نسبت به همسرانمان هیچ اختیار و تسلطی نداریم. با این حال خداوند "قدرت غلبه بر شیطان را به ما اعطا کرده

است" (لوقا ۱۰: ۱۹). با دعا می توان نقشه های شیطان را از بین برد. مشکلات بسیاری که در روابط زناشویی وجود دارد در حقیقت بخشی از نقشه شیطان برای نابودی ازدواج است.

اما می توانیم بگوئیم:

" اجازه نمی دهم هیچ چیزی ازدواج مرا از هم بپاشد."

" در گوشه ای نمی ایستم تا شوهرم را تماشا کنم که خسته و

بی رمق، نابود می شود."

" دست روی دست نمی گذارم تا دیوار نامرئی بلندی بین ما

کشیده شود."

" اجازه نمی دهم ابهام، ارتباط نادرست، نگرش اشتباه و

انتخاب بد آنچه را که سعی در درست کردنش دارم، از بین

ببرد."

" اجازه نمی دهم رنجش و عدم بخشش به طلاق بیانجامد."

می توانیم در برابر آنچه که تأثیرات بد در رابطه زناشویی گذاشته مقاومت کنیم و در باطن خود آگاه باشیم که خداوند قدرت و توانائی به نام خویش به ما عنایت فرموده تا ازدواجمان را حفظ کنیم.

شما ابزار حفاظت از ازدواجتان را در اختیار دارید زیرا که مسیح گفت: " هر چه در زمین ببندید، در آسمان بسته می شود و هر چه در زمین باز کنید، در آسمان هم باز میشود" (متی ۱۸: ۱۸). بنام مسیح این قدرت به شما داده شده تا فتنه های شیطان را نابود و نیکوئی را / احیاء نمائید. در دعا هر آنچه که شوهرتان را کنترل می کند مثل اعتیاد به الکل یا کار، تنبلی، افسردگی، بیماری، تضییع حق، اضطراب، ترس یا شکست همه را به خدا سپرده و برای نجات و رهایی او دعا کنید.

صبر کنید! قبل از تصمیم به خاتمه ازدواج.....

باعث خجالت من است که اعتراف کنم اوقاتی بود که به جدائی یا طلاق می اندیشیدم چون معتقدم هیچیک از این دو انتخاب، راهگشای ازدواجی که با مشکل روبروست نمی باشد. نظر خدا در مورد طلاق را می دانم. خداوند می فرماید طلاق کار درستی نیست و او را ناراحت می کند. من هیچ وقت نمی خواهم خدا را ناراحت کنم. اما می دانم که چطور احساس ناامیدی مانع از اتخاذ تصمیم خوب می شود. ناامیدی به حدی می رسد که فرد از تلاش برای آنچه که درست است، دست می کشد. تنهائی شکنجه آور شما را درک می کنم که به انتظار می نشینید تا کسی روح شما را لمس کند و خود واقعی شما را ببیند. دردی را متحمل شدم که ترس مردن از آن مرا واداشت تا به تنها راه نجات سریع یعنی فرار از منبع درد و رنج پناه ببرم. می دانم چه احساسی دارید وقتی بدون تصویری از آینده در یأس و ناامیدی خود فرو می روید. این را هم تجربه کرده ام که چطور احساسات و عواطف منفی روزها یکی پس از دیگری بر قلب شما سنگینی می کند و جدائی و طلاق همچون ارمغان راحتی و آسایش خوشایند می نماید.

بزرگترین مشکلی که من در ازدواجم با آن روبرو بوده ام، اخلاق شوهرم بود. من و بچه ها تنها کسانی بودیم که هدف عصبانیت او قرار می گرفتیم. حرفهائی که او می زد مرا درمانده و عاجز کرده بود. نمی خواهم بگویم که من بدون عیب و ایراد بودم بلکه بر عکس مطمئن بودم که من هم به اندازه او مقصرم اما نمی دانستم چه باید بکنم. مرتب از خدا می خواستم که شوهرم را حساس تر، نرمخوتر، دوست داشتنی تر و آرامتر کند. اما هیچ اتفاقی نمی افتاد. آیا خدا به دعاهاى من گوش نمی داد یا نکند که خدا جانبداری مردها را می کرد؟

پس از چندین سال بدون کوچکترین تغییری، یک روز در اوج یأس و ناامیدی به درگاه خدا فریاد برآوردم: "خدایا دیگر نمی‌توانم به این وضعیت ادامه دهم. می‌دانم در مورد طلاق چه فکر می‌کنی اما من دیگر نمی‌توانم زیر یک سقف با او زندگی کنم. کمک کن خدایا! ساعتها روی تخت با کتاب مقدس در دستم می‌نشستم. در حالیکه درونم پر از غوغا و آشوب بود که بچه‌ها را بردارم و بروم. یقین دارم چون با صداقت کامل احساساتم را با خدا در میان گذاشتم او این امکان را به من داد تا زندگی بعد از طلاق را ببینم: کجا زندگی می‌کردم، چطور از خود و بچه‌ها مراقبت می‌کردم، آیا دوستانم بعد از این جریان به من وفادار می‌ماندند و بدتر از همه اینها، عاقبت فرزندانم چه می‌شد و طلاق چه اثری روی آنها می‌گذاشت؟ این تصاویر، وحشتناک و تلخ بودند. شاید اگر خانه و زندگی‌ام را ترک می‌کردم کمی راحت می‌شدم اما به قیمت از دست دادن تمام چیزهایی می‌شد که برایم بسیار عزیز بود. می‌دانستم خدا چنین نقشه‌ای برای من نداشت.

همانطور که نشسته بودم خدا در قلبم گذاشت که اگر زندگی‌ام را در اختیار او بگذارم و دیگر به ترک همسرم نیندیشم و احتیاجاتم را با او در میان بگذارم، به من خواهد آموخت چگونه خود را وقف دعا برای همسرم کنم و چگونه برای همسرم به عنوان فرزند خدا از طریق دعا شفاعت نمایم و بدینوسیله او ازدواجم را احیاء نموده و فیض و رحمت خود را شامل حال هر دوی ما خواهد نمود و بطور قطع پس از سپری شدن این دوران سخت، با هم بودن ما حتی بهتر از جدائی و تنهائی مان خواهد بود. خداوند به من نشان داد که اسارت و گرفتاری مایکل در گذشته باعث شده که او نتواند شخصیت گذشته خود را عوض کند. در صورت رضایت من، خداوند از من بعنوان وسیله‌ای برای رهائی و رستگاری او استفاده خواهد کرد. هیچ تمایل قلبی به این کار

نداشتم و اشک زیادی ریختم. اما وقتی قلبم راضی شد، احساس امیدواری تا اعماق وجودم نفوذ کرد.

هر روز طوری برای مایکل دعا می کردم که قبلاً هرگز آنطور دعا نکرده بودم. گرچه هر بار مجبور بودم به سنگدلی خودم هم اعتراف کنم چراکه عمیقاً رنج دیده بودم و نمی توانستم او را ببخشم. با خود می گفتم: اصلاً نمی خواهم دعا کنم، نمی خواهم از خدا برای او طلب رحمت و برکت نمایم. فقط از خدا می خواستم او را منقلب کرده و به خاطر بیرحمی اش محکوم کند. مجبور بودم بارها و بارها توبه کنم و از خدا بخواهم مرا از این که نمی توانم شوهرم را ببخشم نجات دهد.

کم کم متوجه شدم تغییری در هر دوی ما در حال روی دادن است. وقتی مایکل عصبانی می شد، من به جای عصبانی شدن دعا می کردم. از خدا خواستم به من حکمتی عنایت کند تا علت خشم و غضب شوهرم را دریابم و او خواسته مرا محقق نمود. از او خواستم مرا در بهتر شدن اوضاع راهنمایی کند و او راه را به من نشان داد. عصبانیت شوهرم کمتر شده و زود فرو می نشست. هر روز دعا گشایش جدیدی را برایمان به ارمغان می آورد. ما هنوز هم کامل نشدیم اما راه درازی را سپری کردیم. راه خدا راه آسانی نبود ولی با تمام زحمات ارزش پیمودنش را داشت. دعا تنها راه نجات ازدواج می باشد.

دعاهای زن برای شوهرش بیشتر از هر کس دیگری حتی مادر شوهر (ببخشید مادر) برآورده می شود. دعاهای مادر برای فرزندش قطعاً با شور و شغف همراه است. اما وقتی مرد ازدواج می کند مادر و پدرش را ترک کرده و به همسرش می پیوندد (متی ۱۹: ۵). آنها یک تیم، یک واحد و یک روح می شوند. در نظر خدا، قدرت زن و مردی که با یکدیگر پیوند زناشویی بسته اند بسیار بالاتر از تمامی قوای هر یک از این دو تن می باشد، زیرا

روح القدس ایشان را بهم پیوند داده و قدرت افزوده‌ای به دعا‌هایشان عطا می‌کند.

و بهمین دلیل است که با دعا نکردن خود را در معرض خطر بزرگی قرار می‌دهیم. می‌توانید مجسم کنید که برای سمت راست بدنتان دعا کنید و نه برای چپ؟ چنانچه از سمت راست بدنتان محافظت نشود فرو پاشیده و سمت چپ را نیز با خود نابود خواهد کرد. همین امر در مورد شما و شوهرتان نیز صادق است. اگر تنها برای خود دعا نمائید نه برای ایشان، هرگز به برکات و تحقق آرزوهایتان دست نخواهید یافت. هر اتفاقی که برای او می‌افتد در حقیقت متوجه شماست و راه‌گریزی از آن نیست.

این وحدت و یگانگی قدرتی به ما می‌دهد که شیطان از آن اکراه دارد و بهمین دلیل است که به حیل‌های مختلف دست می‌زند تا رابطه را تضعیف کند. شیطان اعتماد به نفس ما را می‌گیرد، باعث غرور، ارتباط نادرست و تسلیم هوای نفس می‌شود. شیطان دروغ‌های زیادی را به ما خواهد گفت مثل "هیچ چیز عوض نخواهد شد"، "شکست‌های شما قابل جبران نیست"، "امیدی به مصالحه نیست"، "با کس دیگر خوشبخت‌تر خواهی بود". او بخوبی می‌داند اگر شما به این دروغ‌ها یقین پیدا کنید و باور کنید که آینده‌ای برای ازدواجتان وجود ندارد، قلب شما دیگر حقیقت خدا را درک نخواهد کرد.

در هر ازدواج ناسالم و دشوار حداقل یکی از طرفین دلشان نسبت به خدا سقی و سخت شده و با چنین دلی نمی‌توان نگرش خدا را نسبت به ازدواج دید. وقتی در ازدواج احساس بدبختی می‌کنیم، فکر می‌کنیم هر چیزی می‌تواند بهتر از آنچه ما هم اکنون تجربه می‌کنیم باشد، پس سعی می‌کنیم به هر ترتیبی که شده خود را از آن وضعیت خارج سازیم. ما تصویر کلی را نمی‌بینیم تنها آنچه پیش روست، می‌بینیم. ما از نگاه خود به مسائل می‌نگریم نه از دید خدا. اما وقتی دعا می‌کنیم قلبمان نسبت به خدا نرم شده و

بصیرت و فهم دریافت کرده و نگاه امیدوارانه‌ای به مسائل پیدا می‌کنیم. ایمان داریم که خداوند همه آنچه را در ازدواج از میان رفته اعاده می‌کند. خداوند می‌گوید: "تمام محصولی را که سالهای قبل از دست داده‌اید، به شما پس خواهیم داد" (یوئیل ۲: ۲۵). می‌توانیم اعتماد داشته باشیم که خدا ما را از درد، ناامیدی و دل‌سنجی در امان نگاه خواهد داشت. خداوند قادر است از مرگبارترین مکان‌ها عشق و حیات احیاء نماید.

شادی مریم مجدلیه را تصور کنید وقتی سه روز بعد از مصلوب شدن عیسی مسیح به سر قبر می‌رود و متوجه می‌شود که او نمرده بلکه به قدرت خدا برانگیخته شده و زنده است. این بزرگترین شادی است که می‌توان سراغ داشت: آنچه که ناامیدانه در کام مرگ فرو رفته بود از بستر مرگ برخاسته و جان و حیات دوباره یافته است. همان قدرتی که مسیح را برانگیخت، ازدواج مرده و خاموش ما را زنده می‌نماید و حیات و هستی به آن می‌بخشد. "خدا با همان قدرتی که مسیح را پس از مرگ زنده کرد، بدنهای ما را نیز بعد از مرگ دوباره زنده خواهد کرد" (اول قرننتیان ۶: ۱۴). فقط قدرت خداست که قادر به انجام چنین کاری است. بدون داشتن قلبی برای خدا که حاضر باشد خود را با اشتیاق به دعا سپرده و با صبر و تحمل شاهد به بار نشستن عشق و زنده شدن آن باشد، این امر محال است. لازم است برای دستیابی به خوشی و خرمی، متحمل رنج و درد شوید.

بایستی تصمیم بگیرید که آیا می‌خواهید ازدواجتان استوار و پابرجا بماند. چنانچه واقعاً خواستار آنید تا برای بقای ازدواجتان هر کاری بکنید، بایستی یقین داشته باشید که رابطه از دست رفته بسبب درد، بی‌تفاوتی، و خودخواهی قابل احیاست. بایستی اعتماد داشته باشید که می‌توانید از چنگال مرگ آور بدرفتاری، مرگ فرزند، خیانت، فقر، بیماری، بلا، یا حوادث خلاصی یابید. بایستی اطمینان داشته باشید هر چیزی مثل اعتیاد به کار، الکل، مواد

مخدر، یا افسردگی که وجود شما یا همسران را مثل خوره می‌خورد، از میان رفته و نابود خواهد شد. لازم است بدانید بت ساختن از کار، رؤیا، بچه، تمایلات خودخواهانه که آهسته و پنهانی بدون آنکه حتی متوجه شوید ممکن است تهدیدی برای خانواده باشد بیرحمانه از کمینگاه خود بیرون آمده و زندگی شما را تار و مار کرده اند می‌توانند از بین روند. بایستی به خداوند توکل کنید و بدانید قدرت و عظمت او چنان است که قادر به انجام همه اینها و حتی بیش از این می‌باشد.

اگر یک روز بیدار شوید و شوهرتان را که در کنار شما خوابیده غریبه احساس کنید، اگر به آهستگی از زندگی‌های یکدیگر فاصله بگیرید و باعث شوید کل رابطه عاطفی‌تان وخیم تر شود، اگر بیرحمانه از عشق و امید تهی شوید، اگر رابطه‌تان در مرداب رنجش و عصبانیت بی‌انتهایی غوطه‌ور است و هر روز بیشتر و بیشتر به کام ناامیدی و یأس فرو می‌روید، اگر هر کلامی که بر زبان می‌آورید موجب جدائی بیشتر شما می‌گردد و شما را فرسنگها از هم دور می‌کند، مطمئن باشید که هیچیک از اینها خواسته خداوند برای ازدواج شما نیست. خواسته خداوند بر این تعلق دارد که همه حصارها را بشکند و شما را از هلاکت بیرون کشد. او می‌تواند مرهم زخمهای شما باشد و دل شما را لبریز از محبت کند. هیچ چیز یا هیچ کس دیگری نمی‌تواند چنین شگفتی بیافریند.

اما لازم است ایمان داشته باشید و بگوئید "خدایا، برای خاتمه این تضاد و درگیری به یاری‌ام بشتاب و مشاجره و نزاع زندگی‌ام را در هم شکن." زرهی را که برای حفظ جانمان از صدمه و زیان یکدیگر بر تن کرده ایم پاره کن. ما را از سقوط در دوزخ عدم گذشت نجات بده. باشد که سخنان تو بر زبان ما جاری شود تا در سایه نیکویی این سخنان عشق، آرامش و صلح همه جا را فرا گیرد. دیوار بین ما را فرو بریز و به ما بیاموز چگونه از آن رد

شویم. امکان برخاستن از درماندگی، عجز، و ناتوانی و گام برداشتن به سوی شفا و کمالی را که تو در ذخائر الهیات برای ما داری فراهم نما".

خط بطلان بر صفحه ازدواجتان نکشید و آن را تمام شده تلقی نکنید. بلکه از خدا بخواهید تا به شما همسری نو عطا فرماید. او قادر است شوهر کنونی تان را از شما گرفته و او را به انسانی جدید بدل کند. چنین مقدر نشده که شوهران با همسرانشان بستیزند، ارتباط عاطفی خود را از دست دهند، در مردگی و فنا زیسته، احساس بدبختی و ناکامی نمایند یا طلاق بگیرند. قدرت خدا همراه و یاور ماست. ما نبایستی سرنوشت ازدواجمان را به دست شانس بسپاریم. بلکه با سلاح دعا برای این ازدواجها مجهز می شویم و آن را زمین نمی گذاریم زیرا تا وقتی که جسورانه دعا کنیم، امید پیروزی است. خدا به موقعیت ها و حتی احساسات خودتان که به ظاهر مرده هستند، جان تازه می هد.

پس من چی؟ من هم نیاز دارم کسی برای من دعا کند!

از آنجائیکه شما خود را برای همسران به مخاطره افکنده و برای او دعا می کنید، طبیعی است برایتان جای سؤال باشد آیا همسران نیز برای شما آنگونه که شما برای او دعا می کنید، دعا خواهد کرد. گرچه یقیناً این امر فوق العاده است اما روی آن حساب نکنید. دعا برای شوهرتان عملی عاری از خودخواهی، با عشقی نامشروط و فداکاری است که از سوی شما صورت می گیرد. شما بایستی راضی و خشنود باشید و تعهد نمائید و بدانید این امکان وجود دارد که شوهرتان هرگز آنگونه که شما خود را در دعا برای او سپردید، برای شما دعا نکند. در بعضی موارد، ممکن است اصلاً برای شما دعا نکند. شما می توانید از او خواهش کنید تا برای شما دعا کند و دعا کنید که شوهرتان برای شما دعا کند اما

نمی‌توانید از او به زور بخواهید. خواه او دعا کند یا نکند این مشکل شما نیست بلکه به خدا مربوط می‌شود پس او را از این تعهد رها کنید. اگر او برای شما دعا نمی‌کند، بیشتر از آنکه شما چیزی را از دست بدهید، او از دست می‌دهد. سعادت و تحقق آمالهایتان به دعای او بستگی نداشته، بلکه به رابطه خودتان با خدا بستگی دارد. بله، زنان نیز به دعا احتیاج دارند. اما من به این باور رسیدم که ما نبایستی به شوهرانمان بعنوان تنها فراهم کننده نیازمان وابسته باشیم. در حقیقت، چشم امید داشتن به شوهرتان بعنوان شریکی که خود را وقف دعا برای شما نماید می‌تواند عاملی برای شکست و ناامیدی هر دوی شما باشد.

بر این باورم که دعای گروهی امری حیاتی در ازدواج می‌باشد. اگر دو یا چند زن مؤمن بیابید که از نظر روحانی قوی بوده و به آنها کاملاً اعتماد داشته باشید می‌توانید زمانی را هفتگی برای دعا اختصاص دهید. این جلسات دعا زندگی‌تان را عوض خواهد کرد. این بدین معنی نیست که هر چیزی را در مورد شوهرتان با شرکای دعاگویتان مطرح کنید یا جزئیات زندگی‌تان را افشاء کنید. هدف این است که از خداوند کمک بطلبید تا قلبتان را پاک و بی‌آلایش نموده و به شما نشان دهد که چگونه همسری خوب و شایسته باشید و بار روحی‌تان را سبکتر نموده، فیض و رحمت او را برای شوهرتان بطلبید.

البته چنانچه با مسئله‌ای با عواقب جدی روبرو هستید و به دوستان دعاگوی خود اعتماد دارید، موضوع را کاملاً با ایشان در میان بگذارید و از آنها بخواهید محرم اسرار شما باشند. بسیاری از ازدواجها را دیده‌ام که به طلاق یا جدائی انجامیده‌اند زیرا زن و شوهر بسیار مغرور یا ترسو بودند که مسائل خود را با افرادی که می‌توانستند برای ایشان دعا کنند، مطرح نمایند. اطمینان حاصل کنید که مسائلی که با دوستان دعاگوی خود در میان می‌گذارید به جایی درز نخواهد یافت، اما ازدواجتان را خاتمه ندهید تنها به این

دلیل که اکراه دارید در مورد آن با سایرین دعا کنید و چنانچه شریک دعاگوئی دارید که نمی تواند محرم اسرار شما باشد، شخص دیگری را که از حکمت، حساسیت و بلوغ معنوی بیشتری برخوردار است انتخاب کنید.

حتی بدون شرکای دعاگو یا شوهر دعاگو، اگر با حرارت و اشتیاق دعا کنید شاهد وقوع تغییراتی خواهید بود. قبل از اجابت دعاهایتان، خداوند شما را صرفاً به این دلیل که به دعا تمسک جسته‌اید مورد لطف و رحمت خود قرار خواهد داد و این از آن جهت است که قبل از آنکه خداوند تحول اساسی و پایداری را آغاز نماید اوقاتی را با او سپری خواهید نمود.

هر بار یک دعا

خود را با روشهای متعددی که در دعا برای شوهرتان وجود دارد خسته نکنید. لازم نیست همه را در یک روز، یک هفته یا حتی یک ماه انجام دهید. اجازه دهید پیشنهادات این کتاب راهنمای شما باشد و سپس مطابق هدایت و الهامات روح القدس دعا کنید. هنگامی که در مورد مسائل مهم دعا می کنید و نیازمند گشایشی سریع می باشید، روزه امکان اجابت دعاهای شما را بیشتر خواهد نمود. همچنین دعا برای شوهرتان بر اساس کتاب مقدس بسیار قدرتمند و مؤثر است و این کاری است که من در بخش پایانی هر فصل با ارجاع به آیات کتاب مقدس انجام داده‌ام.

مهمتر از همه، صبر داشته باشید. برای اینکه شاهد اجابت دعاهایتان باشید لازم است صبوری پیشه نمایید. چنانچه ازدواجتان عمیقاً صدمه دیده است، مدتی طول می کشد تا نتیجه دعاهایتان را ببینید. پایداری نمایید و منتظر بمانید تا خداوند شما را به سلامت به منزلگاه آرامش و راحتی درآورد. بخاطر داشته باشید که هر دوی شما ناکامل هستید و تنها خداست که کامل و بی عیب است. تنها

معجزه گر و قادر متعال در ازدواج شما خداوند است و نگران نباشید که او چگونه این کار را می کند. شما فقط دعا کنید. خدا پاسخ خواهد داد. همه چیز را به دستان پرتوان او بسپارید.







فصل اول

همسر او

قسمت مشکل کار برای یک زن دعاگو غیر از مایه گذاشتن از وقتش، حفظ قلبی خالص است. برای اینکه بتوانید نتایج خوب دعا را ببینید، لازم است با قلبی پاک به نزد خدا بروید. بهمین دلیل است که دعا برای شوهر با دعا برای خود زن آغاز می‌شود. چنانچه در دلتان تنفر، عصبانیت، عدم بخشش یا نگرشی غیر الهی وجود داشته باشد، حتی اگر دلیل مناسبی هم برای آن دارید، زمان دشواری سپری خواهید کرد تا عملاً شاهد اجابت دعاهایتان باشید. چنانچه آن احساسات را با صداقت کامل نزد خدا برید و دعا کنید، شاهد تغییرات اساسی در وضعیت ازدواجتان خواهید بود. گاهی زنان به خاطر نداشتن نیت پاک، اجابتی در دعاهای خود نمی‌بینند. مدتی طول کشید تا من متوجه این موضوع شدم.

دعای سه کلمه‌ای مورد علاقه من

آرزو می‌کنم که می‌توانستم بطور منظم از ابتدای ازدواجمان تاکنون برای همسرم دعا می‌کردم، اما اینطور نبوده است. حداقل نه مثل آنچه در این کتاب پیشنهاد می‌کنم. در حقیقت دعا می‌کردم اما کوتاه و ساده: "خدایا از او محافظت

کن"، "از دواچمان را حفظ کن". شایعترین دعای سه کلمه‌ای مورد علاقه من این بود: "خدایا، تغییرش ده".

زمانی که من و شوهرم مایکل ازدواج کردیم، من تازه ایمان آورده و از زندگی پر از اسارت و اشتباه نجات یافته بودم و لازم بود چیزهای زیادی در مورد قدرت نجات بخش خداوند یاد می‌گرفتم. فکر می‌کردم با مردی ازدواج کردم که تقریباً از هر نظر کامل بود و آنچه که به نظر کامل نمی‌آمد، جالب و دوست داشتی بود. با گذشت زمان چیزهایی که جالب و کامل بنظر می‌رسید آزردهنده شد. تصمیم گرفتم هر طور شده آنچه را که بیشتر از همه مرا آزار می‌داد عوض کنم و فکر می‌کردم تنها در این صورت است که همه چیز عالی خواهد شد.

سالها طول کشید تا بفهمم او آنکسی نیست که تصورش را می‌کردم و چندین سال دیگر نیز طول کشید شد تا بفهمم به هیچ طریقی نمی‌توانم او را وادار به تغییر کنم. تا زمانی که از این رنجها به خدا پناه نبرده بودم کوچکترین تفاوتی در او مشاهده نکردم. بعد تصور کردم که خدا می‌خواهد روی او کار کند. اما در حقیقت این من بودم که خدا می‌خواست اول در موردش کار بکند و این من بودم که اول شروع به عوض شدن کردم. قلبم به بازسازی و قالب‌گیری لازم داشت تا نرم و متواضع شود. لازم بود قبل از اینکه خدا روی قلب شوهرم شروع به کار کند، چیزها را از نگاه او می‌دیدم نه آنطور که من تصور می‌کردم باید باشند.

برای اینکه حقیقتاً خود را به دعا برای شوهرتان بسپارید بایستی اول به قلب خود نگاه کنید. چنانچه با قلبی بدون بخشش و منتفر به نزد خدا می‌روم، نمی‌توانستم انتظار اجابت دعاها را داشته باشم. نمی‌توانستم با دعای سه کلمه‌ای مورد علاقه‌ام به نزد خدا روم چون در اعماق وجودم می‌دانستم که اول لازم است دعای سه کلمه‌ای مورد علاقه خدا را به زبان بیاورم: "خدایا، مرا عوض کن".

تغییر! چرا من؟!

بهتر است همین اول هشدارى به شما دهم. وقتى براى شوهرتان دعا مى‌کنید، بویژه باامید عوض شدن او، قطعاً مى‌توان انتظار تغییراتى را داشت اما اولین تغییرات در شما و نه در او روى خواهد داد. مى‌دانم که این قضیه شما را به اندازه من عصبانى مى‌کند و مى‌گوئید "صبر کنید راجب چه حرف مى‌زنید؟ آن کسى که قرار بود عوض شود که من نیستم". اما خدا چیزهائى را مى‌بیند که ما نمى‌بینیم. او مى‌داند چه چیزهائى را تغییر دهد، بدون اینکه مدتها جستجو کند تا نگرشها و عادات ما را که مطابق خواسته او نیستند، بیابد. او مى‌خواهد که گناه نکنیم، چون گناه ما را از او دور مى‌سازد و باعث مى‌شود دعاهاى ما بى پاسخ بماند. "اگر گناه را در دل خود نگاه مى‌داشتیم، خداوند دعايم را نمى‌شنید" (مزامیر ۶۸: ۱۸). خداوند مى‌خواهد که قلب ما از هر ناآلودگى خالص گردد تا جواب دعاهايمان بصورت مسالمت آمیز درنیايد.

این الزام کلی بویژه وقتى مشکل مى‌شود که احساس کنید شوهرتان با رفتارهاى همچون نامهربانى، بى احترامى، بى تفاوتى، بى مسئولیتى، بى وفائى، بیرحمى و سوء استفاده مرتکب گناه شده است. اما در نزد خدا گناهانى مثل عدم بخشش، عصبانیت، تنفر، دلسوزى نسبت به خود، بى علاقه‌گى، بى مهرى و انتقام درست مثل سایر گناهان ناپسندند. به این گناهان اعتراف کنید و از خدا بخواهید شما را از آنچه از آن او نیست، رها سازد. یکى از بزرگترین هدایائى که مى‌توانید به همسران تقدیم کنید وجود کامل خود مى‌باشد. مؤثرترین ابزار در تغییر کامل شوهرتان با دگرگونى درونى خود شما آغاز مى‌گردد.

نگران نباشید، من نیز با تمامی اینها در تقلا بودم. در حقیقت هر دفعه که من و شوهرم به بن بست می‌رسیدیم، من و خدا گفتگوئی با یکدیگر داشتیم که اینگونه بود:

"دیدی چطوری رفتار کرد؟"

"می‌بینی خودت چگونه هستی؟"

"خدایا می‌خواهی بگوئی که چیزهائی هست که تو می‌خواهی

در من عوض کنی؟"

"خیلی چیزها، آیا حاضری به آنها گوش دهی؟"

"خوب، فکر می‌کنم حاضرم."

"به من بگو واقعاً چه موقع حاضری؟"

"چرا من؟ خدایا! شوهرم کسی است که لازم است عوض شود"

"نکته اینجا نیست که چه کسی نیاز به" تغییر" دارد: نکته

اینجاست که چه کسی "مایل" است عوض شود."

"اما خدایا این از انصاف به دور است!"

"من هرگز نگفتم زندگی با عدل و انصاف است، من گفتم من

عادل و منصف هستم."

"اما من.....،"

"لازم است یکی تمایل به شروع داشته باشد."

"اما..."

"چقدر حفظ ازواجت برایت مهم است؟"

"خیلی مهم، حاضر نیستم به هیچ قیمتی آنرا از دست دهم!"

"من اول روی تو کار می‌کنم بعداً سر وقت شوهرت خواهم

رفت."

"خدایا کمک کن دیدگاه خوبی نسبت به این موضوع داشته

باشم."

"این به خود تو بستگی دارد."

"آیا مجبورم برای شوهرم دعا کنم حتی وقتی او برای من دعا نمی‌کند؟"

"دقیقاً همین‌طور است."

"اما این کهبله بله یادم آمد زندگی منصف نیست، تو عادل و منصف هستی."

(خدا دیگر خاموش شده بود و حرفی نمی‌زد).

"من تسلیم تو هستم خدایا، شروع کن. اما این باید خیلی سخت و دردناک باشد!"

عوض.....عوضم کن.....باورم نمی‌شه که این کلمات از زبان من خارج می‌شوند."

(تنفس عمیق) "خدایا، مرا عوض کن."

دردناک؟ بله! در خود مردن همیشه دردناک است. خصوصاً وقتی یقین داشته باشید که شخص دیگری نیازمند تغییر بیشتری نسبت به شما است. اما این نوع درد و رنج به حیات می‌انجامد. راه حل دیگر به همین اندازه دردناک و نتیجه نهائی آن نیز نابودی آرزو، رابطه، ازدواج و خانواده می‌باشد.

خداوند قادر است به بی‌جانتترین ازدواجها، زندگی بخشد. اما باید در مقابل خداوند فروتنی پیشه کنیم و تمایل داشته باشیم مطابق روش او با گذشت، مهربانی و عشق زندگی کنیم. بدین معنا که گذشته و تمامی صدمات و رنجهای مربوط به آن را رها کنیم و حاضر باشیم برای پیروزی در این نبرد، در بحث و مشاجره کوتاه بیاییم و به جای اصرار در حرف خود به ندای خدا گوش فرا دهیم. البته منظورم این نیست که به افرادی عاری از هویت، احساسات یا اندیشه‌های شخصی تبدیل شوید و خود را در معرض تازیانه و تاخت و تاز خواسته‌ها و هوسهای ناگهانی شوهرتان قرار دهید. خدا چنین چیزی را از شما نمی‌خواهد. در حقیقت چنانچه در معرض خطر جسمانی یا عاطفی هستید خود را به جای امنی رسانید و کمک بطلبید. همچنانکه شوهرتان مشاوره‌ای را که لازم

دارد دریافت می کند شما می توانید به دعای خود ادامه دهید. تسلیم با میل و اراده قلبی انجام می گیرد و کسی شما را مجبور به این کار نمی کند. مسیح فرمود: "اگر جانتان را بخاطر من از دست بدهید آن را دوباره بدست خواهید آورد" (متی ۱۰:۳۹). زندگی خود را به دست خدا سپردن بایستی با کمال رضایت انجام گیرد و به زور از شما خواسته نمی شود. منظورم این است که دیدگاهتان اینگونه باشد: "خدایا، هر چه تو می خواهی به من نشان بده، من حاضر به انجام آن هستم." یعنی کمال رضایت و تمایل را داشته باشید تا از خواسته های خود چشم پوشیده و در خود بمیرید و به خدا بگوئید "مرا آنطور که می خواهی عوض کن."

عالی ترین، اساسی ترین و نهائی ترین زبان عشق

وقتی برای شخص دیگری دعا می کنیم واقعه شگفت انگیزی در درون ما رخ می دهد؛ قساوت قلبی ما نرم شده و قادر می شویم پا از رنجهای و محنت های فراتر گذاشته و ببخشیم و حتی بجائی برسیم که علاقه شدید قلبی نسبت به فردی که برایش دعا می کنیم پیدا کنیم. این یک معجزه است. با دعا به حضور خداوند وارد می شویم و او هستی ما را با روح عشق و محبت خودش پر می کند. وقتی برای شوهرتان دعا می کنید نه تنها عشق خدا در قلبتان برای او زیاد می شود بلکه عشق او نیز به شما رشد می کند و این در حالی است که همسران از دعاهاى شما هیچ اطلاعى ندارد و علتش این است که دعا عالی ترین، اساسی ترین و نهائی ترین زبان عشق است. دعا به شیوه های ارتباط برقرار می کند که ما قادر به انجام آن نیستیم. زنانی را دیده ام که هیچ علاقه ای به شوهر خود احساس نمی کردند، اما وقتی که دعا کردند، با گذشت

من حتی او را دوست ندارم، چطور می‌توانم برای او دعا کنم؟

آیا تاکنون چنان از دست شوهرتان عصبانی شده‌اید که دعا آخرین چیزی بوده که می‌خواستید برای او انجام دهید. من این تجربه را داشته‌ام. دعا کردن برای کسی که به شما صدمه روحی رسانده و یا از او عصبانی هستید دشوار است. اما این درست چیزی است که خدا می‌خواهد ما انجام دهیم. خدا می‌خواهد که ما حتی برای دشمنانمان دعا کنیم، ببینید چقدر بیشتر بایستی برای فردی که با او یکی شده‌ایم، دعا کنیم اما چطور می‌توان بر روحیه عدم بخشش و انتقاد فائق آمد؟

اولین کاری که باید بکنید این است که کاملاً با خدا صادق باشید. برای اینکه دیوارهایی که اطراف قلبمان را احاطه کرده اند فرو ریزند و حصارهایی که مانع از برقراری ارتباط می‌شوند درهم شکنند، لازم است با صداقت کامل احساساتمان را با خدا در میان بگذاریم. مجبور نیستیم آنها را در نظر خدا "خوشایند و جالب" نماییم. او حقیقت را می‌داند. او تنها می‌خواهد ببیند که آیا ما حاضریم گناه نافرمانی خود را پذیرفته و به آن اعتراف کنیم و مایل باشیم مطابق اراده او زندگی کنیم. اگر مایل به اعتراف باشیم آنگاه او قلب ما را در اختیار گرفته و آن را دگرگون می‌سازد.

اگر از شوهرتان عصبانی هستید آن را با خدا در میان بگذارید، اجازه ندهید مثل سرطان رشد کند. نگوئید "من زندگی خودم را می‌کنم، او هم زندگی خودش را بکند". وقتی کاملاً مستقل از یکدیگر عمل می‌کنید، انتظار عواقب آن را نیز داشته باشید. "در طرح الهی، نه مرد از زن جدا و نه زن از مرد جداست" (اول قرنیتان ۱۱:۱۱).

بلکه بگوئید: "خدایا، هیچ چیز در درون من مشتاق دعا برای این مرد نیست. به عصبانیت، رنجش، عدم بخشش، ناامیدی، تنفر و قساوت قلبی ام نسبت به شوهرم اعتراف می کنم. مرا بیمارز و به من قلبی زلال و روحی نیک عنایت فرما. به من نگرشی نو، مثبت، نشاط آور، با محبت و با گذشت نسبت به شوهرم ارزانی فرما. هنگامیکه مرتکب خطائی می شود گناهش را به او نشان بده و قلبش رامحکوم کن. او را به راههای توبه و نجات هدایت کن. یاری ام کن که قلب بدون گذشت من باعث نشود که خود را از لحاظ عاطفی، جسمی و روحی از او دور نگه دارم و آنگاه که هر یک از ما نیازمند طلب بخشش از دیگری است، انجام آن را برایمان آسان کن. به من چشم بصیرت عنایت فرما تا آنچه را که موجب افزونی مشکل می شود ببینم و فهمی به من عطا فرما تا قادر به درک آن باشم. ابهامی را که باعث سوء تفاهم و ارتباط نادرست شده است از میان بردار. دعا می کنم هر رفتاری که لازم است در هر یک از ما تغییر کند، محقق بخشی. همانقدر که احساس می کنم حق دارم از دست شوهرم عصبانی باشم، همانقدر هم می خواهم خواسته تو را به انجام برسانم. خدایا همه این احساسات را به نزد تو می آورم، مرا از آنها رها کن. عشق مرا به شوهرم تازه کن، زبانم را حفظ کن تا هنگامی که لب به سخن می گشایم بهبودی و التیام پیرامون ما را احاطه کند.

اگر احساس می کنید قدرت انجام کاری را دارید، این تجربه کوچک را امتحان کنید و ببینید چه اتفاقی می افتد. بمدت یک ماه هر روز با بکارگیری هر یک از این سی موضوع کتاب دعا کنید. از خدا برای همسران برکت و رحمت بطلبید و از او بخواهید وجود هر دوی شما را از عشق خود سرشار سازد. آنگاه خواهید دید که قساوت و سختی دل شما نسبت به شوهرتان ناپدید شده و نرمی و لطافت جایگزین آن می گردد. همچنین دیدگاه شوهرتان نسبت به شما عوض شده و رابطه تان به گرمی می گراید. نظر

کردن به شوهرتان از نگاه خدا - نه فقط به عنوان شوهر بلکه به عنوان فرزند خدا، پسری که خداوند دوستش دارد - چشم بصیرت شما را گشوده و شما را به حقایق بیشتری می‌رساند. اگر کسی از شما خواهش کند برای پسرش دعا کنید شما این کار را می‌کنید، نمی‌کنید؟ خوب خداوند هم از شما چنین درخواستی دارد.

"لب از سخن فرو بسته و دعا کنید"

در کتاب مقدس آمده که برای هر چیز زمانی هست. و این امر بیشتر در ازدواج بویژه در مورد کلامی که بر زبان می‌آوریم مصداق دارد. زمانی برای صحبت و زمانی برای سکوت است و خوشبخت کسی است که همسرش قوه تشخیص این دو را داشته باشد. هر کسی که برای مدتی ازدواج کرده است می‌داند چیزهایی وجود دارند که بهتر است هرگز گفته نشوند. زن می‌تواند بیش از هر کس دیگری عمیقاً به شوهرش صدمه بزند، و این امر در مورد شوهر هم صادق است. عذرخواهی نمی‌تواند سخنانی که اعماق وجود طرفین را زخمی کرده است، مرحم باشد. با بخشش می‌توان آن سخنان را به دست فراموشی سپرد اما معمولاً گذشت کاری ساده نیست. گاهی اوقات کلامی که از زبان ما خارج می‌شود مانع از انجام خواسته خداوند می‌گردد. پس بهتر است که لب از سخن فرو بسته و دعا کنیم.

اوائل ازدواج من و مایکل وقتی احساس می‌کردم مشکلی وجود داشت، حرف نمی‌زدم و همه را توی دلم می‌ریختم. بعد از تولد اولین بچه مان، غرغر و سر و صدایم بلند شد. هر چه بیشتر اعتراض کرده و حرف خود را می‌زدم، با واکنش و بحث بیشتر او روبرو می‌شدم. هر چه بیشتر سعی می‌کردم حرفم پیش رود، اثر معکوس می‌گذاشت و خواسته من انجام نمی‌شد. چندین سال طول کشید تا چیزی را که میلیونها زن طی قرن‌ها آموخته بودند،

فراگیرم: نق زدن کاری را از پیش نمی برد، انتقاد کردن مشکلی را حل نمی کند. گاهی اوقات حتی صحبت کردن معمولی هم اثری ندارد. دعا تنها راه کار عملی است. دعا سپر محافظ شماست از آنجائیکه برای انجام دعا بایستی به نزد خدا روید و درسایه او در امان خواهید ماند. یعنی در دعا امکان گریز از نگرش منفی، طرز فکر اشتباه و انگیزه های نادرست وجود ندارد. هنگامی که دعا می کنید خداوند به شما حکمت عنایت می فرماید تا آنچه در شخصیت شما مغایر با حکم و فرمان اوست با چشم بصیرت ببینید. شوهرم اگر مایل به انجام کاری نباشد، آن را انجام نمی دهد و اگر نهایتاً مجبور به انجام آن گردد اعضای خانواده بهای آن را می پردازند. یاد گرفته ام اگر چیزی هست که من واقعاً دلم می خواهد شوهرم آن را انجام دهد، قبل از خواهرش از او، اول دعا کنم و با آرامش قلبی که از دعا دریافت می کنم، سر صحبت را با شوهرم باز کنم. گاهی اوقات خدا خواسته قلبی مرا در مورد آن چیز عوض می کند یا راه دیگری پیش پایم می گذارد و دیگر مجبور نیستم چیزی بگویم. و اگر لازم است چیزی را بگویم شتابزده عمل نمی کنم بلکه ابتدا برای هدایت خدا دعا می کنم. مدتی طول کشید تا متوجه این موضوع شوم و آن وقتی بود که به این مثل برخورددم " سکونت در بیابان بی آب و علف بهتر است از زندگی کردن با زن ستیزه جو " (امثال ۲۱: ۱۹). بدلالی این مثل مرا به خود آورد.

من سؤال کردم "اما خدایا در مورد اینکه «سرزنش آشکار از محبت پنهان بهتر است»، [امثال ۵: ۲۷] چه می گوئی؟ نبایستی ما زنان اشتباه شوهرمان را به آنها گوشزد کنیم؟".

در جواب فرمود: " برای هر چیزی ... در زیر این آسمان زمان معینی وجود دارد؛ زمانی برای سکوت، زمانی برای گفتن " (جامعه ۷، ۳: ۱). "مشکل اینجاست که شما نمی دانید چه وقت

خاموش مانده و چه وقت سخن بگوئید و نمی دانید چگونه سخنان خود را با عشق بیان کنید."

من گفتم: "بسیار خوب خدایا، به من نشان بده چه موقع سخن گفته و چه موقع سکوت اختیار کرده و دعا کنم."

اولین فرصت بلافاصله پیش آمد. من گروهی را درست کرده بودم که بطور هفتگی گرد هم آمده دعا می کردیم و این جلسه دعا بطور قابل ملاحظه ای زندگی ما را دگرگون کرد طوریکه به شوهرم پیشنهاد کردم او نیز گروه مشابهی برای مردان تشکیل دهد اما او به پیشنهاد من اهمیتی نداد. با این جواب که "من برای این کارها وقت ندارم" نشان داد که از عقیده من چندان خوشش نیامده است.

هر چه بیشتر در این خصوص صحبت می کردم مایکل رنجیده تر و حساس تر می شد. پس از دریافت دستور "خاموش باش و دعا کن" از خدا، تصمیم گرفتم این روش را امتحان کنم. من دیگر حرفی در این باره نزد و شروع به دعا نمودم. همچنین از گروه دعا خواش کردم در دعا باشند. بیش از دو سال از وقتی که من موضوع گروه دعای مردان را مطرح کرده بودم می گذشت. یک روز به طور خیلی ناگهانی مایکل گفت که درحال ترتیب دادن جلسه دعای هفتگی برای مردان است و از آن وقت تاکنون این برنامه هفتگی ادامه داشته و او هنوز هم نمی داند در تمامی این مدت من برای او دعا می کردم. گرچه خیلی بعد از زمانی که من دوست داشتم، اتفاق افتاد ولی بالاخره انجام شد و در این انتظار آرامشی وجود داشت که اگر من سکوت اختیار نکرده بودم، از آن بی بهره می ماندم.

ملکه استر در کتاب مقدس دعا نمود و روزه گرفت و قبل از اینکه خواش خود را به پادشاه، شوهرش، در مورد مسئله ای بسیار مهم عرض کند منتظر شد تا زمان معین خداوند فرا برسد. او می دانست فاجعه بزرگی در شرف وقوع است اما بدون تفکر،

شتابان بر سر پادشاه فریاد بر نیاورد که "دوستان شرور تو قصد جان ما را کرده اند" بلکه دعا کرد و از در محبت و دوستی با پادشاه درآمد. در حالیکه خداوند نیز قلب پادشاه را آماده می کرد. خداوند همیشه کلمات درست را بر قلب ما خواهد گذاشت و چنانچه از او بخواهیم به ما نشان خواهد چه موقع از آنها استفاده کنیم. انجام کار بر حسب زمان بسیار سرنوشت ساز است.

بسیاری را می شناسم که به بهانه "رو راست بودن" با سخنانشان احساسات مردم را جریحه دار کرده اند. کتاب مقدس می گوید: "آدم نادان همه احساسات خود را بروز می دهد، اما شخص دانا جلوی دهان خود را می گیرد" (امثال ۲۹: ۱۱). به عبارت دیگر، بروز دادن هر احساس و فکری، جهالت است؛ صداقت داشتن به این معنی نیست که آشکارا در هر زمینه ای سخن بگوئید. این امر مردم را متأثر و به احساسات ایشان صدمه می زند. گرچه صداقت و راستی لازمه یک ازدواج موفق است، اما به رخ کشیدن اخلاق و رفتار اشتباه شوهر نه تنها توصیه نمی شود بلکه مانع از آشکار شدن کامل حقیقت می گردد. دیدگاه ما از حقیقت کل متفاوت از دیدگاه خداوند است و بی شک او همان مشکلاتی را که ما با بعضی از اخلاق و خصوصیات شوهرمان داریم، ندارد. نباید هدف ما این باشد که شوهرمان را مجبور به انجام کاری که مورد دلخواه ماست بکنیم، بلکه آنها را به خدا بسپارید تا مطابق خواسته خود هدایت کند.

با دقت به آنچه حقیقتاً درست و غلط است بیندیشید و اگر عقاید شما به روشنی در هر یک از دو مقوله درست و غلط نمی گنجد، آن عقاید شخصی را برای خود محفوظ نگاه دارید یا برای آنها دعا کنید و سپس در حالیکه خداوند قلب شما را هدایت و مهیا می سازد، برای بحثی آرام و بدون مشاجره، عقایدتان را مطرح کنید. انجیل می گوید "برای حرف زدن عجله نکن و سخنان نسنجیده در حضور خداوند بر زبان نیاور، زیرا او در آسمان است و تو بر

زمین، پس سخنان کم و سنجیده باشند" (جامعه ۵: ۲). اوقاتی است که بایستی از نصیحت کردن بپرهیزیم و گوش شنوا داشته باشیم و زمانی است که بایستی حمایت نمائیم و دست از انتقاد بکشیم.

حتی برای یک لحظه پیشنهاد نمی‌کنم که آدمی شویم بسیار ترسو که جرأت رویارو کردن شوهرش با حقیقت را ندارد، بویژه وقتی به نفع اوست. بایستی به روشنی اندیشه‌ها و احساسات خود را ابراز کنید، اما همینکه شوهرتان به آنها گوش کرد دیگر روی آنها اصرار نورزید که منجر به بحث و دعوا گردد.

اگر مجبورید حرفهائی را به شوهرتان بزنید که گوش دادن به آنها برای او سخت است از خدا بخواهید تا زمانی مناسب را به شما نشان دهد. دعا کنید خداوند کلمات درست را بر زبان شما جاری نماید و قلب شوهرتان را کاملاً برای پذیرش آنها مهیا سازد. می‌دانم انجام این کار چقدر مشکل است درحالیکه تنها با چند کلمه است که می‌توانید با تمام وجود آنچه در دلتان است بر زبان آورید. گرچه بنظر ممکن است سخت بیاید، بهتر است اول با خدا درد و دل کنید. روح خداوند این جملات را ملایم و دلپذیر برای شنیدن خواهد کرد بویژه وقتی با یکدیگر حرف نمی‌زنید و هر کلمه‌ای که بر زبان می‌آورید جز درد و رنج حاصل دیگری ندارد. ای کاش زودتر از اینها فهمیده بودم که قبل از اینکه دهانم را برای حرف زدن باز کنم، دعا می‌کردم. حرفهای من اغلب واکنش دفاعی همسرم را برمی‌انگیخت و باعث می‌شد حرفهای تندى بین ما رد و بدل شود که هر دو از آن متأسف می‌شدیم. با اینکه قلباً طالب منافع شوهرم بودم اما او فشار زیادی را متحمل می‌شد تا خواسته‌های مرا عملی کند یا به آدمی تبدیل شود که من می‌خواهم. لازم بود او هدایت درونی را از خدا دریافت کند.

وقتی با قدرت خدا و اعتماد به او و نه با تکیه بر خود زندگی می‌کنیم مجبور نیستیم برای بهبود شرایط با سخن گفتن جانفرسا خود را خسته کنیم. "چون قدرت خداست که اوضاع را متحول

می‌سازد نه سخنان ما" (اول قرنیتان ۲۰:۴). وقتی کسی ادعا می‌کند که خدا در قلب او سلطنت می‌کند باید با اعمال و نه فقط با سخنان خود آن را نشان دهد. این سخنان ما نیستند که دگرگونی بوجود می‌آورند بلکه قدرت خداوند است که سخنان ما را متبرک نموده و شگفتی می‌آفریند. قبل از اینکه سخنی به زبان آورید نزد خدا دعا کنید، آنگاه با حیرت متوجه خواهید شد که قدرتی از جانب خدا در سخنان شما شگفتی و تحول می‌آفریند. در صورتیکه سکوت اختیار کرده و اجازه دهید خداوند در زندگی‌تان کار کند، شاهد تغییرات باور نکردنی خواهید بود.

ایماندار یا بی ایمان

چنانچه شوهرتان بی ایمان است و گفتگوی شما با او درباره خدا تاکنون مؤثر نیفتاده است بهتر است دوباره با او به صحبت بنشینید. مسئله این نیست که شما اصلاً حق ندارید در مورد خدا با شوهرتان گفتگو کنید اما اگر این امر بی تفاوتی یا رنجش او را به همراه دارد، گام بعدی این است که سکوت اختیار کرده و فقط دعا کنید. انجیل می‌گوید: همسر می‌تواند بدون سخنی، دل شوهرش را بدست آورد زیرا رفتار خوب و توأم با احترام یک زن بهتر از سخنان او بر دل شوهر اثر می‌گذارد. "ایشان بدون کلامی، با روحیه ملایم و رفتار خوب مطیع شوهرانشان هستند و بر دل شوهرانشان اثر می‌گذارند" (اول پطرس ۳: ۱، ۲).

خداوند می‌فرماید: وقتی فرمان به نبود چیزی می‌دهد، آن چیز نیست می‌شود گویی از ابتدا هرگز وجود نداشته است. شما هم می‌توانید چنین کنید. می‌توانید بگوئید: "من وانمود نمی‌کنم که چیزی بین من و شوهرم نیست، بلکه از نفوذ کلام استفاده می‌نمایم و آنچه در زندگی همسرم وجود ندارد به سوی او فرا می‌خوانم

گونی که از ابتدا وجود داشته است. اگرچه او به خدا ایمان ندارد طوری برای او دعا می‌کنم که انگار او ایماندار است". البته شما نمی‌توانید او را وادار به انجام کاری کنید که مایل به انجام آن نیست. اما می‌توانید به قدرت خداوند اعتماد نمائید و یقین داشته باشید که صدای او تا اعماق وجود شوهرتان نفوذ خواهد کرد. مهم نیست برای چه مدت برای شوهرتان دعا کنید، حتی اگر یک عمر هم طول بکشد وقتی از شما تلف نشده است. حتی اگر شوهرتان ایماندار نمی‌باشد می‌توانید از تمام دعا‌های این کتاب استفاده کنید و انتظار اجابت معجزه آسای دعا‌هایتان را داشته باشید.

ایجاد خانه

مهم نیست که چقدر از نظر شخصیتی و اجتماعی آزاد هستید، وقتی ازدواج می‌کنید خانه و بچه‌ها جزء مسئولیت شما به شمار می‌آیند. اگر شما تنها کسی هستید که در خانواده کار می‌کند و شوهرتان در خانه می‌ماند تا از بچه‌ها نگهداری کند، با اینهمه هنوز از شما انتظار می‌رود تا اطمینان حاصل کنید کانون خانواده گرم و در آرامش است و رضایت، پذیرش، طراوت، جوانی، تغذیه، استراحت و محبت در آن تأمین می‌شود و حتی از شما انتظار می‌رود که جذبه جنسی داشته باشید، آشپز خوب و مادری عالی باشید و از لحاظ عاطفی، جسمانی و روحی در وضعیت مناسبی باشید. بنظر می‌رسد برای اکثر زنان انجام تمامی این مسئولیت‌ها مافوق توان آنهاست، اما خبر خوش این است که به تنهایی مجبور به انجام آن نیستید و می‌توانید از خدا کمک بطلبید. از خدا بخواهید به شما نشان دهد چگونه خانه‌تان را جای امنی نمائید که در آن خلایق، ارتباط سالم و امنیت رشد نماید و به تکامل برسد. از خداوند کمک بطلبید تا خانه را پاکیزه و تمیز

نگه داشته، یخچال را از مواد غذایی سالم پر کنید؛ لباسها را بشوئید، اتو کشی نمائید و آشپزخانه‌ای مرتب و تمیز داشته باشید. اینها چیزهایی هستند که مرد ممکن است هر روز بخاطر آنها از زنش تشکر نکند، اما اگر یکی از آنها انجام نشود او متوجه می شود. مایکل ممکن است ماهها سر وقت قفسه لامپ و باتری نرود اما وقتی به آنها احتیاج پیدا می کند دوست دارد آنجا باشند. یا دوست ندارد وقتی دیر از سرکار به خانه می آید متوجه شود که هیچ نانی برای ساندویچ در خانه نیست. سعی‌ام را می کنم تا مطمئن شوم همه چیز سر جای خودش است. از خدا می خواهم خانه‌ای خلق کنم که شوهرم از آمدن به آن احساس خشنودی نماید و از آوردن دوستانش به خانه ترسی نداشته باشد. لازم نیست برای داشتن خانه‌ای شیک و عالی، اثاثیه یا دکور گرانبه داشته باشید؛ اولین خانه من کوچک بود و اثاثیه دست دوم آن را از حراجی خریده بودم. خانه را به کمک دوستم رنگ کردیم و خیلی قشنگ شد. فقط کمی فکر و اندکی توجه لازم است تا خانه ای پر از صلح و صفا داشته باشید.

قسمتی از مسئولیت های خانهداری این است که به همسران اجازه دهید تا در سر خانواده باشد، بدین ترتیب شما می توانید در قلب خانواده به ایفای نقش بپردازید. پذیرش هر دو نقش، مسئولیت سنگینی بر دوش شما می گذارد. خواسته خداوند بر این تعلق گرفت تا مرد در سر خانواده قرار داشته باشد، خواه شایسته آن باشد یا نباشد و خواه مایل به پذیرش چنین مسئولیتی باشد یا نباشد و این بدین معنی نیست که یک سمت از دیگری مهم تر است بلکه هر دو با یکدیگر عمل می کنند. حتی اگر مسئولیت مالی خانواده بر دوش شماست بایستی مطابق خواسته خدا این امکان را به شوهرتان بدهید تا اداره و هدایت خانواده را بر عهده بگیرد و شما در کانون خانواده به وظائف خود بپردازید. چنانچه خلاف خواسته خدا عمل کنید، با کشمکش مداوم روبرو خواهید بود.

این بدین معنی نیست که زن نمی تواند کار کند یا شوهر نباید در کارهای داخلی خانه و مراقبت از بچه ها شرکت کند. برخورداری از هر دو دیدگاه، قلب و سر، در تحول خانواده تأثیر دارند. در طول نگارش هر کتابی که تألیف نموده ام، هفته ها می شد که شوهرم از بچه ها مراقبت می کرد، بدین ترتیب من می توانستم در مهلت مقرر کتابها را تمام کنم و این امر هرگز باعث نشد سمت وی در خانواده نادیده انگاشته شده یا باعث شود که من جای سمت او را بگیرم. او از روی لطف خود این کار را برای من انجام می داد و در عوض اوقاتی هم بود که لازم بود من کار کنم و او استراحت کند. برای بیشتر مردم این توازن حساس و دقیق می باشد. پس بهتر است دعا کنیم موجودیت سر و قلب حفظ شود.

حفظ نظم و ترتیب در خانه لزوماً نبایستی بطور احسن انجام شود اما نباید از کنترل هم خارج گردد. چنانچه هر دو به سختی کار می کنید تا حاصل زحمات خود را به خانه بیاورید، بایستی در مسئولیت ها نیز سهیم شوید. چنانچه شوهرتان تمایلی به انجام کارهای خانه ندارد، صرف مبلغی برای کسی که چند ساعت در هفته کمک تان کند بسیار ارزانتر از طلاق، روانپزشک، دکتر یا تشییع جنازه تمام میشود. از خداوند بخواهید تا آن را برای شما روشن کند.

هر آنچه در مورد خانه شرح دادم در مورد جسم، روح و ذهن شما هم صادق است. شما بایستی به خودتان هم توجه کنید. یکبار در برنامه رادیویی شنیدم که زنی از شوهرش گله داشت که به او گفته بود او دیگر جذابیت ندارد. میزبان برنامه گفت: "چه کارهایی برای جذاب نمودن خودتان می کنید؟" زن جوابی نداشت که بدهد. حتی زیباترین زنان دنیا به خودشان می رسند تا جذابیت خود را حفظ کنند. ملکه استر یکی از زیباترین زنان کشورش بود با اینحال قبل از ملاقات با پادشاه یکسال وقت صرف کرد تا خود را جذاب تر نماید.

ما بایستی این سؤال را از خودمان ببرسیم که "من برای جذاب کردن خودم در نزد شوهرم چه می‌کنم؟" آیا خودم را پاکیزه و معطر نگاه می‌دارم؟ آیا قدرت بدنی و سرزندگی و سرحالی خودم را با رژیم غذایی سالم حفظ می‌کنم؟ و مهم‌تر از همه اینها آیا هر روز تنها با خدا خلوت می‌کنم؟ من تضمین می‌کنم هر چه بیشتر با خدا وقت صرف کنید، از شور و درخشش بیشتری برخوردار خواهید بود. "زیبائی فریبنده و ناپایدار است، اما زنی که خداترس باشد قابل ستایش است" (امثال ۳۱:۳۰).

شایسته است به خودتان، سلامتی‌تان و آینده‌تان توجه کنید. انجام این کار خودخواهی نیست، بلکه انجام ندادن آن خودخواهی است. از خداوند بخواهید تا قدمهائی را که لازم است در این راستا بردارید، به شما نشان دهد و قدرت انجام آن را به شما ارزانی دارد. از روح القدس دعوت نمائید تا در وجود شما و خانواده‌تان سکنی گزیند.

انتظارات را رها کنید

مدت زمانی زیادی از ازدواجمان نگذشته بود که شوهرم از سر کار زنگ زد و خواهش کرد که من خوراک جوجه مورد علاقه‌اش را برایش تهیه کنم. مواد لازم را خریداری و غذا را تهیه کردم. وقتی شوهرم به خانه آمد خیلی راحت گفت که میلی به جوجه ندارد و چطور است خوراک بره داشته باشیم. لازم نیست چیزهائی را که در ذهنم گذشت با شما درمیان بگذارم، حتماً می‌دانید در مورد چه حرف می‌زنم. و این قضیه اولین باری نبود که اتفاق می‌افتاد. موارد مشابهی غالباً پیش می‌آمد، مایکل قول می‌داد برای شام خانه باشد و ده دقیقه بعد از اینکه غذا آماده بود زنگ می‌زد که تا دیر وقت کار می‌کند و با همکارانش بیرون غذا می‌خورد. بالاخره فهمیدم نه تنها با عصبانیت، رنجش یا تفرص مسئله حل نمی‌شود، بلکه بدتر هم می‌شود. در این مواقع شوهرم موضع

دفاعی به خود می گرفت چون فکر می کرد من شرایط او را درک نمی کنم. متوجه شدم برای هر دوی ما بهتر و سالم تر است اگر انتظاراتم را بر حسب شرایط وفق دهم. از آن پس وقتی غذا تهیه می کردم وانمود می کردم که فقط من و بچه ها قرار است آنرا بخوریم، اگر مایکل می توانست به ما ملحق شود همه هیجانزده می شدند و اگر نمی توانست با آن شرایط کنار می آمدیم.

همچنین یاد گرفتم که هرگاه چیزهای ناامید کننده پیش می آیند، خصوصیات خوب شوهرم را بخاطر آورم. مثلاً گاهی شوهرم مرا در کارهای تکراری خانه داری و آشپزی کمک می کند، وفادار است و کاری نمی کند که به او شک کنم، خداشناس است و به کلیسا می رود، کتاب مقدس را مطالعه و دعا می کند، و معیارهای اخلاقی بالائی دارد، عاشق من و بچه هاست و از استعدادها و موهبت های الهی اش برای تکریم و تمجید خدا استفاده می کند، بخشنده و دست و دل باز است. شرایط می توانست بسیار بدتر باشد. بنابراین در مورد عدم حضور او سر میز شام گله نمی کنم.

اگر بخواهم به زنی که تازه ازدواج کرده کمکی کنم به او توصیه نمی کنم با فهرست طولانی از توقعات وارد ازدواج شود و بعد به این دلیل که شوهرش نمی تواند آنها را تأمین کند افسرده و دلتنگ شود. البته مسائل اساسی وجود دارند که بایستی قبل از ازدواج در مورد آنها به توافق رسید: وفاداری، حمایت مالی، راستی، مهربانی، آراستگی، معیارهای اخلاقی بالا، عشق جسمانی و عاطفی. در صورتیکه این چیزها را دریافت نمی کنید آنها را از شوهرتان بطلبید و اگر هنوز هم طبق توافقی که شده رفتار نمی کند، نزد خدا دعا کنید. اما وقتی به موارد خاص می رسد، نمی توان از یک شخص انتظار داشت تا همه احتیاجات شما را برآورده کند. انجام کار خاصی که انتظار انجامش را از او دارید، همزمان با تأمین رؤیاهای شما بیش از حد توان مرد می باشد. احتیاجات

خود را با دعا نزد خدا برید و جواب آنها را از او بخواهید. چنانچه سعی کنیم با لیست طویلی از انتظارات، شوهرمان را تحت کنترل درآوریم و از اینکه قادر به انجام آنها نیستند عصبانی و ناامید شویم، در حقیقت این ما هستیم که مرتکب اشتباه شده‌ایم. بزرگترین مشکل ازدواج من وقتی پیش آمد که انتظاراتم از شخصیت یا رفتار مایکل با شخصیت حقیقی او منطبق نبود.

تا آنجا که می‌توانید انتظارات خود را کنار بگذارید. تغییراتی که شما سعی دارید در شوهرتان بوجود آورید، یا اینکه شوهرتان سعی دارد برای جلب رضایت شما انجام دهد، به شکست می‌انجامد و مایه دلسردی و ناامیدی هر دوی شما خواهد شد. بلکه از خداوند بخواهید تغییرات لازم را بوجود آورد. او تحولی مافوق تصور ما انجام خواهد داد زیرا هر آنچه خدا انجام می‌دهد، پایدار و ابدی خواهد بود "نمی‌توان چیزی بر آن افزود یا از آن کاست" (جامعه ۳: ۱۴). همسران را همانطور که هست بپذیرید و از خدا بخواهید تا همسران رشد کرده و به فردی کاملتر تبدیل شود زیرا وقتی خداوند تحول درونی را در فرد بوجود می‌آورد، پایدار و عوض نشدنی است. "ای جان من، تنها نزد خدا آرام یاب، زیرا امید من به اوست" (مزمور ۵: ۶۲). بزرگترین امید و آرزویان را در خداوند و نه در شوهرتان جستجو کنید.

احترام

بسیار جالب است که خداوند می‌خواهد مرد همسرش را دوست داشته باشد حال آنکه زن به شوهرش احترام گذارد. "شوهر باید همسر خود را مانند وجود خود دوست بدارد و زن نیز باید با اطاعت از شوهر، او را احترام نماید" (افسیان ۵: ۳۳). تصور نمی‌کنم هیچ زنی با مردی که به او علاقه ندارد ازدواج کند اما

بیشتر اوقات پس از مدتی زن احترام خود را نسبت به شوهرش از دست می دهد. فقدان احترام بر بی مهری پیشی می جوید و بیشتر از آنچه فکرش را بکنیم موجب صدمه به شوهر می گردد.

بی احترامی به شوهر عواقب بسیار بدی را به همراه دارد. وقتی صندوق عهد وارد شهر شد میکال، همسر پادشاه داود، شوهرش را دید که بدون لباسهای فاخر سلطنتی در مقابل مردم در حضور خداوند پایکوبی می کند. میکال نه تنها با پادشاه به شادمانی نپرداخت بلکه او را مورد سرزنش و تحقیر خود قرار داد (دوم سموئیل ۱۶:۶). او بجای اینکه از دید خداوند موقعیت را درک کند از شرایط انتقاد کرده و آن را کوچک شمرد و قیمت گزافی به سبب بی احترامی و حقیر شمردن شوهرش پرداخت. عدالت خداوند باعث شد که تا آخر عمر بی فرزند بماند. بر این باورم که بی احترامی به شوهر نه تنها مایه سرافکندگی شوهر و شکست ازدواج می گردد بلکه روح حیات را نیز از ما می رباید.

در مثالی دیگر، ملکه وشتی از فرمان پادشاه که برای دوستانش جشنی ترتیب داده بود سرپیچی کرد و از آمدن نزد او سرباز زد. پادشاه که از میهمانی به وجد آمده بود خواست که زیبایی همسرش را به مهمانان نشان دهد. تنها چیزی که پادشاه از ملکه می خواست این بود که لباسهای سلطنتی اش را بر تن کند و با تاج ملوکانه به حضور پادشاه و مقامات و مهمانان برود. او با اینکه می دانست این موضوع برای پادشاه بسیار گران تمام شده و مورد اهانت و حقارت اطرافیان واقع می شود، دعوت را نپذیرفت. "وقتی فرمان پادشاه را به ملکه وشتی رساندند، او از آمدن سر باز زد و این موضوع خشم و غضب پادشاه را برانگیخت" (استر ۱:۱۲). نتیجه این شد که وشتی مقام خود را به عنوان ملکه از دست داد. او نه تنها در مورد پادشاه بلکه در مورد مردم هم خطا کرد و رفتار مناسبی نداشت. چنانچه زن نمی خواهد مقام و منزلتش را به عنوان ملکه قلب شوهرش از دست دهد و به خانواده

و دوستانش صدمه زند، بایستی از تحقیر و اهانت شوهر اجتناب نماید هر چند حق با اوست، وگرنه بهای گزاف آنرا خواهد پرداخت.

اگر به شوهرتان بی احترامی نموده‌اید هم اکنون توبه کنید و بگوئید "خدایا، اعتراف می‌کنم مطابق کلام تو به شوهرم احترام نگذاشته‌ام. می‌دانم دیوار بلندی در قلب من قد علم کرده که محافظ من در برابر صدمات روحی می‌باشد. آماده‌ام که این دیوار فرو ریخته و قلب من شفا یابد. به اوقاتی که به شوهرم بی احترامی نموده و با نگرش نادرست و سخنان اهانت آمیز مرتکب گناه شده‌ام، اعتراف می‌کنم، توبه ام را بپذیر. راه را به من بنما تا آنچه را که مانع داشتن عشق بی قید و شرط مطابق خواسته تو نسبت به شوهرم می‌باشد، از سر راه بردارم. قساوت دلم را که همچون دیواری مرا احاطه کرده، در هم شکن و به من نشان بده چگونه به همسرم احترام گذارم. خداوندا، از تو کمک می‌طلبم که شور و عشق درونی‌ام نسبت به همسرم از عشق تو برای او نشأت گیرد و یاری‌ام کن آنطور که تو او را می‌بینی، ببینم".

دعا کردن بدین شیوه به شما کمک می‌کند با همه ضعف شوهرتان، قابلیت رشد و تکامل را در او ببینید و شما را توانمند می‌سازد با سخنان مثبتی که بر زبان می‌آورید به ازدواج گرمی، بهبودی و جان بخشید. اندیشیدن مداوم به چیزهای منفی از عشق می‌کاهد. تمرکز بر چیزهای مثبت بر عشق می‌افزاید. وقتی عشق خدا را در قلبتان نسبت به شوهرتان دارید، قادر خواهید بود از نگاهی نو به اطراف بنگرید. بدون درخواست قدرت تشخیص از خدا، بسیار دشوار است تا از احساسات شوهرمان سر در آوریم و بفهمیم چه گذشته‌ای داشته است و چرا بعضی کارها از او سر می‌زند.

وقتی برای خودتان دعا می‌کنید الگویی از یک همسر خوب و شایسته را که در انجیل بدان اشاره شده، بخاطر آورید. کتاب

بیشتر اوقات پس از مدتی زن احترام خود را نسبت به شوهرش از دست می دهد. فقدان احترام بر بی مهری پیشی می جوید و بیشتر از آنچه فکرش را بکنیم موجب صدمه به شوهر می گردد.

بی احترامی به شوهر عواقب بسیار بدی را به همراه دارد. وقتی صندوق عهد وارد شهر شد میکال، همسر پادشاه داود، شوهرش را دید که بدون لباسهای فاخر سلطنتی در مقابل مردم در حضور خداوند پایکوبی می کند. میکال نه تنها با پادشاه به شادمانی نپرداخت بلکه او را مورد سرزنش و تحقیر خود قرار داد (دوم سموئیل ۱۶:۶). او بجای اینکه از دید خداوند موقعیت را درک کند از شرایط انتقاد کرده و آن را کوچک شمرد و قیمت گزافی به سبب بی احترامی و حقیر شمردن شوهرش پرداخت. عدالت خداوند باعث شد که تا آخر عمر بی فرزند بماند. بر این باورم که بی احترامی به شوهر نه تنها مایه سرافکندگی شوهر و شکست ازدواج می گردد بلکه روح حیات را نیز از ما می رباید.

در مثالی دیگر، ملکه وشتی از فرمان پادشاه که برای دوستانش جشنی ترتیب داده بود سرپیچی کرد و از آمدن نزد او سرباز زد. پادشاه که از میهمانی به وجد آمده بود خواست که زیبایی همسرش را به مهمانان نشان دهد. تنها چیزی که پادشاه از ملکه می خواست این بود که لباسهای سلطنتی اش را بر تن کند و با تاج ملوکانه به حضور پادشاه و مقامات و مهمانان برود. او با اینکه می دانست این موضوع برای پادشاه بسیار گران تمام شده و مورد اهانت و حقارت اطرافیان واقع می شود، دعوت را نپذیرفت. "وقتی فرمان پادشاه را به ملکه وشتی رساندند، او از آمدن سر باز زد و این موضوع خشم و غضب پادشاه را برانگیخت" (استر ۱:۱۲). نتیجه این شد که وشتی مقام خود را به عنوان ملکه از دست داد. او نه تنها در مورد پادشاه بلکه در مورد مردم هم خطا کرد و رفتار مناسبی نداشت. چنانچه زن نمی خواهد مقام و منزلتش را به عنوان ملکه قلب شوهرش از دست دهد و به خانواده

و دوستانش صدمه زند، بایستی از تحقیر و اهانت شوهر اجتناب نماید هر چند حق با اوست، وگرنه بهای گزاف آنرا خواهد پرداخت.

اگر به شوهرتان بی احترامی نموده‌اید هم اکنون توبه کنید و بگوئید "خدایا، اعتراف می‌کنم مطابق کلام تو به شوهرم احترام نگذاشته‌ام. می‌دانم دیوار بلندی در قلب من قد علم کرده که محافظ من در برابر صدمات روحی می‌باشد. آماده‌ام که این دیوار فرو ریخته و قلب من شفا یابد. به اوقاتی که به شوهرم بی احترامی نموده و با نگرش نادرست و سخنان اهانت آمیز مرتکب گناه شده‌ام، اعتراف می‌کنم، توبه‌ام را بپذیر. راه را به من بنما تا آنچه را که مانع داشتن عشق بی‌قید و شرط مطابق خواسته تو نسبت به شوهرم می‌باشد، از سر راه بردارم. قساوت دلم را که همچون دیواری مرا احاطه کرده، در هم شکن و به من نشان بده چگونه به همسرم احترام گذارم. خداوندا، از تو کمک می‌طلبم که شور و عشق درونی‌ام نسبت به همسرم از عشق تو برای او نشأت گیرد و یاری‌ام کن آنطور که تو او را می‌بینی، ببینم".

دعا کردن بدین شیوه به شما کمک می‌کند با همه ضعف شوهرتان، قابلیت رشد و تکامل را در او ببینید و شما را توانمند می‌سازد با سخنان مثبتی که بر زبان می‌آورید به ازدواج گرمی، بهبودی و جان بخشید. اندیشیدن مداوم به چیزهای منفی از عشق می‌کاهد. تمرکز بر چیزهای مثبت بر عشق می‌افزاید. وقتی عشق خدا را در قلبتان نسبت به شوهرتان دارید، قادر خواهید بود از نگاهی نو به اطراف بنگرید. بدون درخواست قدرت تشخیص از خدا، بسیار دشوار است تا از احساسات شوهرمان سر در آوریم و بفهمیم چه گذشته‌ای داشته است و چرا بعضی کارها از او سر می‌زند.

وقتی برای خودتان دعا می‌کنید الگویی از یک همسر خوب و شایسته را که در انجیل بدان اشاره شده، بخاطر آورید. کتاب

مقدس می گوید : او از خانه و خانواده مراقبت می کند و بخوبی از عهده آن برمی آید. او می داند چگونه خرید و فروش کرده و سرمایه گذاری های عاقلانه کند. او خود را سالم و قوی نگاه می دارد و لباسهای زیبا و جذاب بر تن کرده و مهارتهایش سود سرشاری عاید خانواده می کند، او مایه احترام و بزرگی شوهرش می باشد، زنی است قوی و با وقار و از آینده نمی هراسد، او تنبلی نمی کند، بلکه به احتیاجات خانواده اش رسیدگی می کند. فرزندانش او را می ستایند و شوهرش او را تمجید می نماید. او به زیبایی و جذابیت اعتماد نمی کند، چون فریبنده و ناپایدار است بلکه خداترسی او قابل ستایش است. او حامی شوهرش بوده و زندگی پربرکتش قابل تحسین است (امثال ۳۱).

تنها هنگامی می توانیم خصوصیات چنین زن حیرت انگیزی را داشته باشیم که از خداوند کمک بطلبیم و خود را به او بسپاریم تا مطابق خواسته اش ما را تغییر دهد. سخن آخر اینکه او زنی است که همسرش به او اعتماد می کند زیرا " در تمام زندگی به شوهرش نیکوئی می کند و از شر و پلیدی دوری می جوید." معتقدم دعا " شایسته ترین کاری است که یک زن می تواند در حق شوهرش انجام دهد. آیا شما دعا می کنید؟

دعا

پروردگارا، کمک کن که همسر شایسته ای باشم. کاملاً درک می کنم بدون کمک تو آنچه را که لازمه یک همسر خوب است، دارا نمی باشم. خودخواهی، بی تابی، و زود رنجی را از من بگیر و آنها را به مهربانی و بردباری تغییر بده. تاب تحمل سختی ها را عنایت فرما. تمام ویژگیهای رفتاری گذشته ام همچون عادات احساسی، طرز تفکرهای تغییر ناپذیر، عکس العملهای غیر ارادی، پنداشت های گستاخانه، و موضع دفاعی مرا عوض کن و مرا

صبور، نیکوکار، مهربان، وفادار، فروتن و خویشتندار نما. قساوت قلبی ام را نرم و لطیف کن و به من نیروی بصیرت عطا کن و حقیقت را بر من آشکار فرما. قلب نوئی به من بده و با عشق و آرامش و شادیات جان و دل مرا حیاتی تازه بخش (غلاطیان ۲۲:۵، ۲۳). من قادر نیستم غیر از آنچه هستم شوم اما تنها تو می‌توانی مرا زیرورو و متحول سازی.

گناه قلبی مرا بویژه در مورد شوهرم آشکار فرما. اعتراف می‌کنم گاهی نسبت به شوهرم بی‌مهر و محبت، انتقادی، عصبانی، متنفّر، بدون احترام یا گذشت بوده‌ام. کمکم کن هر گونه رنجش، عصبانیت یا دلسردی و ناامیدی را کنار گذاشته و او را تمام و کمال بدون نگاه به گذشته ببخشم. مرا وسیله صلح، آشتی، آرامش و بهبودی در ازدواج قرار بده. به ما توانائی ببخش تا رابطه خوبی با یکدیگر برقرار کرده و یکدیگر را درک کنیم و ما را از آستانه جدائی، جانیکه و واقعیت‌های طلاق محقق می‌شود، نجات بخش.

مرا مددکار، رفیق، و حامی شوهرم قرار بده، کمکم کن تا خانه‌ای صلح‌آمیز، آرام، و امن برای شوهرم فراهم کنم تا اشتیاقش در آمدن به خانه زیاد باشد. به من بیاموز چگونه از خودم مراقبت نموده و جذاب و زیبا باشم. از من زنی خلاق و با درایت بساز که دارای روحی سرشار از الوهیت باشد. از من زنی بساز که مایه فخر و مباهات شوهرم باشد که مرا همسر خود لقب کند.

همه انتظاراتم را پای صلیب می‌گذارم و شوهرم را از سنگینی بار تأمین آمال و آرزوهایم رها می‌کنم. کمکم کن او را همانطور که هست بپذیرم و سعی در عوض کردن او نکنم. می‌فهم که ممکن است کاملاً عوض نشود اما در عین حال او را به تو می‌سپارم تا در حوزه‌هایی که من فکر نمی‌کردم عوض شود، او را متحول نمائی. هر تغییری که لازم است انجام شود به دستان تو می‌سپارم و کاملاً می‌پذیرم که هیچ یک از ما کامل نبوده و نخواهیم

بود، فقط تو ای خدا کامل هستی و چشم امیدم به توست تا ما را کامل نمایی.

به من بیاموز چگونه برای شوهرم دعا کنم و دعاهایم را پربارتر ساز طوریکه دعاهایم زبان واقعی عشق باشد. آنگاه که عشق ما به سردی می گراید عشق تازه‌ای بین ما برقرار ساز. به من بینشی عطا کن تا مفهوم واقعی عشق بدون قید و شرط را درک کنم. کمکم کن تا شوهرم تجلی این عشق را در پندار، کردار و گفتار من بوضوح ببیند. روح وحدت و یگانگی را بین ما زنده کن تا در هر زمینه ای در توافق و هماهنگی با یکدیگر باشیم (عاموس ۳:۳). باشد تا خدائی که عطا کننده صبر و دلگرمی است به ما کمک کند تا با هم در صلح و صفای کامل زندگی کنیم و نسبت به یکدیگر همان طرز تفکری را داشته باشیم که مسیح نسبت به انسانها داشت (رومیان ۵:۱۵). خداوندا، از ما تیمی واحد بساز تا زندگی‌های مستقل، رقابتی و جداگانه ای را تعقیب نکنیم و بخاطر ازدواج از تقصیرات و ضعف های یکدیگر چشم‌پوشیم. کمکمان کن تا دست به انجام اموری بزنیم که صلح و صفا و آرامش را به ارمغان آورد و موجب تقویت و رشد معنوی یکدیگر باشیم (رومیان ۱۴:۱۹). باشد که "هم رأی و همفکر باشیم" (اول قرنثیان ۱:۱۰).

دعا می‌کنم که هر روز تعهدمان به تو و یکدیگر قوی‌تر و با شورتر گردد. به همسرم قدرتی عنایت فرما تا مطابق طرح آفرینش در ازدواج در رأس خانواده باشد و همانطور که او سمت خود را به عنوان سکandar خانواده بر عهده می‌گیرد به من نشان بده چگونه از او حمایت کنم و به او احترام گذارم. کمکم کن آمال و آرزوهای او را درک نمایم و مطابق آنها گام بردارم و از زاویه دید او چیزها را ببینم. خواسته‌ها و احتیاجات او را بر من عیان فرما و قبل از بروز هر مشکل، آن را به من نشان بده. با روح هستی بخش خود، جانی دوباره به این ازدواج ببخش.

خدایا از من آدم جدیدی بساز، به من چشم انداز تازه‌ای عطا
فرما و رابطه تجدید شده‌ای با مردی که به من ارزانی داشتی،
برقرار نما. کمکم کن به او با نگاهی نو، فهمی نو، مهربانی نو،
عشقی نو، پذیرشی نو بنگرم. به شوهرم همسری عطا کن و بگذار
آن زن من باشم.



ابزار قدرت

اگر ایمان داشته باشید،
هر چه در دعا بخواهید خدا به شما خواهد داد.
وقتی دعا می‌کنید اگر نسبت به کسی کینه دارید، او را ببخشید،
تا پدر آسمانی شما نیز از سر تقصیرات شما بگذرد و شما را
ببخشد.

مرقس ۱۱: ۲۴، ۲۵

نسبت به هم مهربان و دلسوز باشید و یکدیگر را ببخشید،
همانطور که خدا نیز شما را بخاطر مسیح بخشیده است.

افسیسیان ۴: ۳۲

بخواهید تا به شما داده شود. بجوئید تا بیابید.
در بزنیید تا به روی شما باز شود.
زیرا هر که چیزی بخواهد، بدست خواهد آورد
و هر که بجوید، خواهد یافت.
کافی است در بزنیید و در برویتان باز می‌شود.

متی ۷: ۷، ۸

خانه با حکمت بنا می شود و با فهم استوار می گردد،
اتاقهایش با دانائی از اسباب نفیس و گرانقیمت پر می شود.
امثال ۲۴: ۳، ۴

از انجام کار نیک خسته نشوید؛
زیرا بزودی پاداش خود را درو خواهید کرد،
بشرطی که دست از کار نکشید.
غلاطیان ۶: ۹



فصل دوم

کار او

«بیل» بندرت کار می‌کند و دوست دارد همسرش «کیم» خانواده را تأمین کند تا او بتواند آرزوهای خود را دنبال نماید. او هفده سال است که به دنبال آمال و آرزوهای خود است بدون اینکه حاصلی داشته باشد کیم از این ناراحت است که نمی‌داند تا چه مدت نامعلومی مجبور است تمام مسئولیت مالی خانواده را به دوش بکشد. ترس بیل مانع از این شده که وی دست به کاری سازنده بزند. ترس او از این است که اگر به شغلی که آرزویش را دارد نرسد، از کاری سر در آورد که متفر است و مجبور شود تا آخر عمر با آن سر کند.

«استیون» تا حد مرگ کار می‌کند. هیچوقت استراحت نمی‌کند و لذتی از موفقیت و حاصل زحماتش نمی‌برد. بندرت با خانواده‌اش وقت صرف می‌کند و بچه‌هایش به سرعت دوران نوجوانی را پشت سر گذاشته و به دنیای بزرگسالان وارد می‌شوند. سخت‌کوشی او از سر اجبار نیست، بلکه ترس اوست که باعث شده تمامی این سالها به شدت کار کند. او از این می‌ترسد که اگر دست از کار بکشد دیگران و حتی خودش به دیده حقارت به او بنگرند و هیچ ارزشی برای او قائل نشوند.

رفتارهای افراطی مرد را می توان در رابطه‌ای که وی با کارش برقرار می‌کند، یافت. از یک سو، تنبلی است که می تواند با اجتناب از کار بسبب خودخواهی، هراس، عدم اعتماد به نفس، افسردگی یا ترس از آینده رخ دهد. خداوند در مورد آدم تنبل می‌فرماید: "او مانند دری که بر پاشنه‌اش می‌چرخد، در رختخوابش می‌غلند و از آن جدا نمی‌شود" (امثال ۲۶: ۱۴). "کسانی که کارشان فقط خوردن و خوابیدن است، فقیر و محتاج خواهند شد." (امثال ۲۳: ۲۱). "راه آدم تنبل با خارها پوشیده شده است" (امثال ۱۵: ۱۹). "داشتن اشتیاق و آرزو برای شخص تنبل کشنده است، زیرا برای رسیدن به آن تن به کار نمی‌دهد" (امثال ۲۱: ۲۵). به عبارت دیگر، آدم تنبل هرگز به جایی نمی‌رسد. او هرگز چیزی از خود نخواهد داشت. جاده سخت و ناهمواری پیش روی او خواهد بود که سرانجام او را هلاک خواهد نمود.

نمونه افراطی مخالف تنبلی، اعتیاد به کار است که به قیمت از دست دادن همه چیز و زندگی فرد منتهی می شود. خداوند در مورد افرادی که بیش از حد کار می کنند می فرماید: "سرنوشت کسانی که در پی سود نامشروع هستند و حرص ثروت را می‌خورند و مدام در پی مال اندوزی هستند، جز نابودی خودشان چیزی نیست" (امثال ۱: ۱۹). "وقتی به همه کارهایی که کرده بودم و چیزهایی که برای آنها زحمت کشیده بودم نگاه کردم دیدم همه آنها مانند دویدن بدنبال باد بیهوده است و هیچ چیز در زیر آسمان ارزش ندارد" (جامعه ۲: ۱۱) به عبارت دیگر، آنان که به کار اعتیاد دارند خود را از پای درآورده و هیچ هدفی را در زندگی دنبال نمی کنند.

هیچیک از این دو رفتار افراطی یعنی تنبلی و کار بیش از حد خوشبختی، کامیابی و تکامل فرد را به ارمغان نمی آورد بلکه تعادل کامل میان این دو با عنایت خداوند به زندگی کیفیت، معنی و هدف می بخشد.

ترس عاملی است که موجب می شود مرد به هر یک از این دو رفتار افراطی روی آورد و علت آن این ست که اغلب هویت مرد بسته به کاری که انجام می دهد، شناخته می شود. مرد نیازمند این است که مورد تمجید و تحسین قرار گیرد و می خواهد که از هر کاری سرافراز بیرون آید و کار این امکان را برای او فراهم می سازد تا به نیازش عینیت بخشد. ناکامی در تجربه هریک از این دو نیاز، مرد را به وحشت می اندازد. اگر کاری را که انجام می دهد از نظر خودش پست و حقیر باشد، احساس می کند که از ارزش شخصی او کاسته می شود و اگر موفقیت چندانی در کار عایدش نشود فکر می کند که یک بازنده است.

از نظر خداوند کار برای مرد موجب رشد و تکامل معنوی او و محقق شدن آمال و آرزوهایش می شود و وسیله ای است که نیاز درونی او را تأمین می کند. خداوند می فرماید: "برای مرد چیزی بهتر از لذت بردن از دسترنج خویش نمی باشد و این عطیه خداوندی است" (جامعه ۱۳: ۳). این حقیقت که بسیاری از مردان احساس رضایت و خشنودی از کارشان نداشته و خواسته درونی شان برآورده نمی شود، به نوع کارشان ارتباط چندانی نداشته، بلکه به هدفی که دنبال می کنند بستگی دارد. مرد بی انگیزه و بدون هدف سرانجام به جایی می رسد که با همه کوششهای طاقت فرسا و طولانی پاداش اندکی نصیبش شده و هیچ امیدی به آینده ندارد؛ حداقل چیزی که مایه دلخوشی او بوده و ارزش زیستن داشته باشد در زندگی او بچشم نمی خورد. همچنین ترس از پیر شدن هم او را آزار می دهد. کلماتی مدام در ذهن او وجود دارند که می گویند "شما برای هیچکس ارزش ندارید". "قابل جایگزینی هستید". "دیگر قادر به انجام آنچه در گذشته می کردید نمی باشید". "امکان یادگیری چیزهای تازه برای شما که سنتان بالا رفته وجود ندارد". "شما آنچه که لازم است داشته باشید، ندارید". "هیچ هدفی

ندارید". چنین طرز تفکری برای یک مرد بسیار خطرناک و رعب‌آور است.

«گری»، پدر و پدر بزرگش همگی برای تأمین معاش با مشکلاتی روبرو بوده‌اند. در حقیقت هر یک از ایشان خیلی دیر متوجه شدند که بایستی به چه کاری در زندگی‌شان مشغول می‌شدند. شغل خود را مدام عوض می‌کردند بدون آنکه به روشنی دلیل آن را بدانند. از آنجائیکه ایشان از موهبت دعای والدین محروم بودند، از لحاظ مالی مدام در حال کشمکش و درگیری بسر می‌بردند؛ استعدادها و موهبت هایشان متجلی نشد و از هدایت الهی در زندگی فردی‌شان غافل شدند و دری به روی ایشان گشوده نشد و به برنامه‌ای که خداوند برای ایشان داشت نرسیدند. اگر دست خداوند در کار نباشد، تاریخ دوباره تکرار شده و هیچ چیز عوض نخواهد شد.

من شاهد زندگی افرادی بوده‌ام که بسبب داشتن موهبت دعای مؤثر والدین خیلی زود در مسیر درست زندگی قرار گرفتند. ممکن است به موفقیت آنی در کارشان دست نیابند، اما هدفدار بودن زندگی‌شان، آنها را در مسیر درست هدایت می‌کند. این افراد مثل سایر مردم، زندگی را بدون هدف، ناامیدانه و با احساس پوچی سپری نمی‌کنند. با اینکه بسیاری از پدر و مادران برنامه‌ای برای بچه‌هایشان دارند اما تنها تعداد اندکی، برنامه و نقشه خدا را در زندگی فرزندان‌شان دنبال می‌کنند. بنا نهادن زندگی فرزندان بر پایه شانس به سرگردانی و آشفتگی می‌انجامد. درحالی‌که شوهرتان سعی دارد با سخت کوشی به موفقیت چشمگیر و عامه‌پسندی دست یابد، مجبور نیست با سرگردانی، ناامیدی، شک و یأس دست و پنجه نرم کند. چنانچه شوهرتان با چنین چالشی کار خود را شروع کرده است، دعا‌های شما می‌تواند زندگی او را متحول سازد.

اگر همسرتان از موهبت دعای والدین محروم بوده است، شما می‌توانید این شکاف زندگی او را پر کنید. دعا کنید که خدا به او

چشم بصیرت عنایت فرماید تا آنچه را او طالب انجام آن است ببیند و هدایت و الهامات او را دریافت کند. دعای شما باعث می شود شوهرتان احساس کند از ارزش، منزلت و احترام نزد شما برخوردار است و مایه دلگرمی و امیدواری اوست که بداند ارزش و احترام او به حرفه اش بستگی ندارد و به او اطمینان می بخشد که خداوند در وجود او توانائی و استعداد ویژه‌ای به ودیعه نهاده و آینده روشن و نیکویی در انتظار اوست. پس از خدا بخواهید آن را بر او نمایان سازد و درهای امکان را به روی او بگشاید که هیچ کس قادر به بستن آن نباشد. دعای شما راه را برای شوهرتان هموار می سازد.

حتی اگر همسران هم اکنون حرفه موفقی دارد، با این حال شایسته است که دعا کنید او همان جایی باشد که خواسته خداوند است و هر چیزی آهسته و پیوسته به روند خود ادامه دهد. شوهرم که سراینده سرود و مدیر ضبط و تولید می باشد، می گفت که دعاهاى من مانع از آن شده که وی با مشتریان نامناسب وارد کار شود. او هرگز با افراد مشکل آفرین، عجیب، پست، و نامناسب رابطه کارى پیدا نکرد و این چیزى کمتر از یک معجزه در حرفه او نیست. او می دانست که من همیشه دعا کردم خداوند افراد درست را سر راه او گذارد و آنانی را که مایه دردسر و رنج و محنت او می‌شوند از سر راه بردارد. گرچه با دعا نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که آینده شوهرمان عاری از هرگونه خطر و مشکل خواهد بود ولی مسلماً مشکلات بسیاری ناپتید و محو خواهند شد.

اگر شوهرتان آدم سخت کوشی است یقین حاصل کنید که اوقاتی را به استراحت، لذت و خوشی خود اختصاص دهد و به تفریح و سرگرمی بپردازد؛ بدین ترتیب فرصتی به او دست می دهد تا به امور دیگر پرداخته و کمی از بار حمایت مادام العمر خانواده آسوده شود. گاهی لازم است مردان نیرو و قوت تازه‌ای

گرفته و نشاط و طراوت تازه‌ای به جان خود بخشند. مغتنم نشمردن این فرصت، ایشان را خسته و فرسوده کرده و در معرض همه جور وسوسه قرار می‌گیرند. دعا به همسران کمک می‌کند که بفهمد معنی و هدف واقعی زندگی در کار نیست بلکه تبعیت از خدا به زندگی معنی و مفهوم می‌بخشد. پس بیایید برای شوهرانمان دعا کنیم تا این تعادل کامل را در زندگی بیابند.

دعا

پروردگارا، دعا می‌کنم که به کار شوهرم برکت دهی. باشد که دسترنج او نه تنها لطف و نیکی، موفقیت، رونق، و کامیابی به بار آورد بلکه آرزوها و احتیاجات او را نیز محقق سازد. اگر آنچه که انجام می‌دهد در راستای مشیت کامل تو برای زندگی او نیست، آن را بر او نمایان ساز. آنچه را که باید انجام دهد به او نشان بده و او را به راه راست هدایت کن. به او قدرت، ایمان، و تصویری از آینده بده که رغبتی به تنبلی نداشته باشد. باشد که بخاطر ترس، خودخواهی، یا اجتناب از قبول مسئولیت از کار نگریزد. به او خرد عطا کن تا بخاطر تأیید دیگران یا حرص جمع‌آوری ثروت بیش از آنچه تو می‌خواهی در حد مرگ از خود کار نکشد. به او توانائی عطا کن تا از دسترنج خویش لذت برده و برای جمع‌آوری ثروت بیشتر طمع نورزد. به او کمک کن تا در کارش موفق شده و رونق گیرد و او را از سختی و فشار کار رها کن.

دعا می‌کنم که تو ناظر بر کار او باشی. باشد که در هر زمینه‌ای از تو راهنمایی و هدایت بطلبد. به او قدرت ببخش تا به موهبت‌هایی که در وجود او نهاده‌ای، ایمان داشته و از آنها به بهترین نحو استفاده کند. درهای گشایش را به سوی او باز کن طوریکه هیچ انسانی قادر به بستن آنها نباشد. مهارتهای او را

افزایش بده طوری که هر سال به آن ارج بیشتری نهند. راه را به من نمایان ساز تا امید و آرزو را در او زنده کنم.

دعا می‌کنم کاری برقرار، ایمن، موفق، رضایت بخش و با دستمزد عالی به او بدهی. باشد که در خدمت به تو "تنبلی و سستی به خود راه نداده، بلکه با شور و شغف روحانی تو را خدمت نماید" (رومیان ۱۲: ۱۱). او را همچون درختی که در کنار نهر آب کاشته شده بارور ساز و به ثمر برسان. باشد که در زیر بار فشار و مسئولیت، خسته و بی رمق نشده بلکه قوت گرفته و برکت و توانگری از هر سو به طرف او جاری شود (مزمور ۱: ۳).



ابزار قدرت

اگر کسی در کار خود ماهر باشد،
بدان که جزء افراد گمنام نخواهد بود،
بلکه به دربار پادشاهان راه خواهد یافت.

امثال ۲۲: ۲۹

عاقل باش و برای به چنگ آوردن ثروت،
خودت را خسته نکن، حریص مباش،
زیرا ثروت ناپایدار است و مانند عقاب می‌پرد و ناپتید می‌شود.

امثال ۲۳: ۴، ۵

برای شما چه فایده ای دارد اگر تمام دنیا را داشته باشید،
ولی زندگی جاوید را از دست بدهید؟
آیا چیزی پیدا می شود
که قدر و قیمتش از زندگی جاوید بیشتر باشد.
متی ۲۶:۱۶

در اثر تنبلی سقف خانه چکه کرده و فرو خواهد ریخت.
جامعه ۱۸:۱۰

خداوندا، ما را مورد لطف خود قرار بده
و در تمام کارهایمان ما را برکت فرما،
بلی، در تمام کارهایمان ما را برکت فرما!
مزمور ۱۷:۹۰



فصل سوم

اموال او

شخصیت و هویت واقعی شوهرتان و تجارب شخصی او از زندگی در ارتباط نزدیک با مسایل مالی وی می باشد. آیا دست و دل باز یا خسیس است؟ آیا برای آنچه خداوند به او عطا کرده شکرگزار است یا به دارائی مردم رشک می برد؟ آیا پول، درهای خیر و برکت و خوشی را به روی او می گشاید یا بداقبالی و شر را؟ آیا با درایت و هوشیاری پول خرج می کند یا بی باکانه، جسورانه و بی پروا؟ آیا با شما در خرج پول هم رأی است یا ازدواجتان عرصه کشمکش مالی است؟ هیچ چیزی مثل بی مسئولیتی مالی، بی پولی، و بدهی هنگام ازدواج را در معرض خطر و فشار قرار نمی دهد. تنها وقتی به این حقیقت برسیم که همه چیز به خداوند تعلق دارد و رزق و روزی ما بدست اوست و بر او توکل کنیم، می توانیم از مشکلات تنگدستی یا توانگری جان سالم به در ببریم.

گرچه شوهرم همیشه از عهده مخارج زندگی به خوبی برمی آید، ولی ماهیت حرفه اش به گونه ای است که بسته به زمان و مقدار پولی که عایدش می شود، گاهی شرایط "تنگ و دشوار" و گاهی "وفور و برکت" را تجربه می کنیم. یکسال در حرفه موسیقی رکود و کسادی بود و همه متوجه آن شده بودند. حتی شرکت هایی که

به ما پول بدهکار بودند به خاطر نداشتن پول، پرداخت بدهی را بتأخیر انداختند. بسیار شرایط وحشتناکی بود. اگر به خدای روزی رسان توکل نمی کردیم و برای گشایش روزی از او کمک نمی طلبیدیم می توانست از این هم بدتر باشد. چون می دانستیم از فرمان خدا سرپیچی نکرده و یک دهم درآمد خود را به خداوند تقدیم نمودیم، نگران چیزی نبودیم و در امنیت و آرامش بسر می بردیم. "ده یک دارائی خود را بطور کامل به خانه من بیاورید" و ببینید "چگونه روزه های آسمان را گشوده و شما را از برکات خود لبریز خواهم ساخت" (ملاکی ۱۰:۳). همچنین طبق فرمان خدا از فقرا و نیازمندان دستگیری کرده و کمک خود را از ایشان دریغ نکرده بودیم. "خوشا به حال کسانی که به فکر فقیران و درماندگان هستند، زیرا هنگامی که به زحمت بیفتند خداوند به یاری آنها شتافته، ایشان را حفظ می نماید. ایشان در دنیا سعادتمند خواهند بود و خدا نخواهد گذاشت که خوار و ذلیل شوند (مزمور ۴۱: ۱، ۲). همچنین می دانستیم که کتاب مقدس وعده می دهد که " طالبان خداوند از هیچ نعمتی بی بهره نخواهند بود" (مزامیر ۱۰:۳۴). ما طالب و مشتاق خداوند بودیم. معتقد بودیم که توکل به خدا و اطاعت از فرامین او باعث نعمت خواهد شد. خدا وفادار بود و روزی ما را رساند.

مسائل مالی بسیاری با اعتماد به خدا و سپردن همه اموال به او و اطاعت از او حل خواهد شد. یعنی طبق فرمان او از مال خود به درماندگان ببخشیم. پس در سایه اطاعت از فرمان او و در پرتو وعده اش، نجات، حمایت، برکت، شفا، و حیاتی نو در زندگی ما متجلی می شود. چنانچه از کمک و دستگیری فقرا امتناع ورزید، به همان مشقت و تنگدستی گرفتار خواهید شد. "آنکه فریاد فقیران را نشنیده می گیرد، در روز تنگدستی، خود نیز فریاد رسی نخواهد داشت" (امثال ۲۱:۱۳). چنانچه بخشی از دارائی خود را با فقرا و

مستمندان قسمت نکنید، از آن لذت نخواهید برد و همین ثروت به پای شما پیچیده و راحتی تان را از شما خواهد گرفت.

جهت اطمینان خاطر، به زندگی افراد متمولی بنگرید که بخشنده نمی‌باشند و ملاحظه کنید چطور از خیر و برکت و موهبت‌های پروردگار بی‌نصیب مانده‌اند. ایشان به موهبت‌هایی همچون کمال، حمایت، عشق، صلح و آرامش، سلامتی، شفا و تحقق آمال نائل نشده‌اند و علت آن را هم نمی‌دانند. ایشان در نعمت و ثروت غرق‌اند اما توانایی لذت بردن از آن را ندارند زیرا نمی‌دانند که کلید هستی، معرفت خدا و زندگی مطابق خواسته اوست. زندگی طبق هدایت الهی مستلزم صرف وقت و انرژی، نثار عشق و استعداد، و استمداد به دیگران می‌باشد.

دعا کنید که همسران این اصل کلیدی حیات را در زندگی رعایت نماید تا قادر به تشخیص اراده الهی در امور مالی‌اش باشد. دعا کنید که فرد بخشنده‌ای باشد که به درآمد و عایدی خود بسنده نموده و برای کسب مال بیشتر طمع نورزد. منظورم این نیست که او هرگز به بهبود وضعیت مالی خود نیندیشد بلکه برعکس، مرد شایستگی دریافت مزد بیشتر بسته به ارزش کاری‌اش را دارا می‌باشد و زن باید برای شوهرش دعا کند که برحسب ارزش و اهمیت کارش، مزد بیشتری دریافت کند. کار کمرشکن باعث بیهودگی، انزجار، تلخی، اضطراب، بیماری و حسادت می‌شود. چنین شیوه‌ای را نبایستی به عنوان روش زندگی برگزید. با تمام وجود دعا کنید تا گنجینه نعمت و نزولات الهی شامل حال همسران گردد و زندگی او از بازوان روزی رسان و قدرتمند خداوند قوت گیرد. "برکت خداوند انسان را ثروتمند می‌سازد بدون اینکه آسایش را از او سلب کند" (امثال ۱۰: ۲۲).

ممکن است دعا در هر مشکل مالی مؤثر واقع نیفتد و این برای خیر و صلاح ماست که از موقعیت درس گرفته و رو به سوی پروردگار کنیم. اما دعاهای شما قطعاً شوهرتان را از هر

تلاش و زیان غیر ضروری مصون خواهد داشت. خداوند به کسانی که او را گنجینه حقیقی خود پنداشته و مطیع و سپاسگزار و بخشنده می باشند، اشتیاق و رغبت داشته و آنها را مورد لطف و برکت خود قرار می دهد. "اگر ثروت شما در آسمان باشد، فکر و دلتان نیز در آنجا خواهد بود" (متی ۶: ۲۱). مشیت الهی برای شوهرتان این است که پروردگار طلا و نقره و گنج او باشد تا آرام جان گیرد چرا که اموال و دارائی او مایه آرامش او نخواهند بود.

دعا

پروردگارا، مسئولیت دارائی و اموال خود را به تو می سپارم، برای مقاصد الهی آنها را بکارگیر. باشد که ما خدمتگزاران نیکوئی بر آنچه که ما را بدان مأمور کرده ای باشیم و در توافق کامل با تو در مصرف دارائی مان گام برداریم. به یاریمان بیا و به ما بیاموز تا چگونه زندگی بدون بدهی را در پیش بگیریم. جائیکه را که با درایت و حکمت عمل نکرده ایم، احیاء نما و ما را راهنما باش. به من بیاموز که چطور بر دارائی مان بیافزایم و بی باکانه و سفیهانه آنرا خرج نکنم. به ما کمک کن تا همیشه بیاد داشته باشیم هر آنچه داریم به تو تعلق دارد و برای آن شکرگزار باشیم.

دعا می کنم که (اسم شوهر) مطابق کلامت بدون تکلف، از دارائی اش به تو و سایرین بخشد. به او چشم بصیرت عطا کن تا از روی خرد و فرزاندگی از دارائی اش استفاده کرده و بدون فکر عمل نکند. کمک کن در استفاده ناب از دارائی اش به تصمیمات خوبی دست بزند. به او آینده نگری بیاموز تا پولش را بی هدف خرج نکند. دعا می کنم که تعادل کامل بین ولخرجی و کم خرجی برقرار کند. باشد که برای کاری که انجام می دهد، دستمزد منصفانه و خوبی دریافت کند. باشد که پولش مورد سرقت قرار نگیرد و

ضایع، گم، و تلف نشود. پولش را برکت بده تا بمدت طولانی از آن استفاده کند. دعا می کنم که غصه پول را نخورد و نگران آن نباشد، بلکه ملکوت تو را جستجو کند و بداند که اگر تو را گنج و ثروت خود کند، از آسمان گنج و ثروت نصیب او خواهد شد. (لوقا ۱۲: ۳۱).



ابزار قدرت

نگران نباشید که چه بخورید و بیاشامید.
 خدا روزی شما را می رساند.
 مردم بی ایمان تمام زندگی خود را
 صرف بدست آوردن این چیزها می کنند،
 اما پدر آسمانی شما بخوبی می داند که شما به همه اینها نیاز دارید.
 بنابراین ملکوت خدا را هدف زندگی خود قرار دهید،
 و خدا خودش همه نیازهای شما را برآورده خواهد ساخت.
 لوقا ۱۲: ۲۹ - ۳۱

اگر خداوند به کسی مال و ثروت بدهد
 و توانایی عطا کند تا از آن استفاده نماید،
 او باید این بخشش خدا را که نصیبتش شده بپذیرد
 و از کار خود لذت ببرد.
 جامعه ۵: ۱۹

اگر به فقرا کمک کنی هرگز محتاج نخواهی شد،
ولی اگر روی خود را از فقیر برتابی،
مورد لعنت قرار خواهی گرفت.
امثال ۲۷:۲۸

از دوران جوانی تا امروز که پیر هستم
ندیده‌ام که خداوند انسان نیکوکار را ترک گفته باشد
و فرزندانش را گرسنه و محتاج نگه داشته باشد.
مزمور ۲۵:۳۷

خدا به سبب جانبازی عیسی مسیح، تمام احتیاجات شما
را با ثروت شکوهمند خود رفع خواهد نمود.
فیلیپیان ۱۹:۴



فصل چهارم

مسائل جنسی او

در این کتاب دقیقاً بر الویت های اصلی که در زندگی یک مرد مطرح است انگشت می گذاریم. اگر ما بتوانیم سهمی در خوشبختی همسرانمان در زمینه‌هایی که بسیار برای آنها عزیز است داشته باشیم، موفقیت بیشتری در سایر جنبه ها نیز خواهیم داشت.

بیست سال دعا با زنان ناامیدی که ازدواجشان عرصه شکست، درگیری، و فاقد روح زندگی و تحرک بود به من ثابت کرد که غالباً رابطه جنسی پائین ترین الویت را در زندگی شان بازی کرده است و این بدین معنی نیست که زن توجهی به این جنبه از زندگی نمی کند بلکه مسائل بسیاری پیرامون او را احاطه کرده که نیازمند توجه و مراقبت می باشند: تربیت فرزندان، کار، مسائل مالی، خانه‌داری، فشار عاطفی، خستگی، بیماری، و مسائل زناشویی. و بدین ترتیب در الویت هائی که زن باید بدانها توجه کند، معاشقه و مسائل جنسی در انتهای لیست قرار می گیرد. عبارتی مسائل مهم بسیاری برای زن وجود دارند که بایستی مورد توجه و اهمیت قرار گیرند بدین ترتیب مسائل جنسی آخرین چیزی خواهد بود که زن به آن فکر می کند. گاهی اتفاق می افتد که زنان به دلایل متعدد هفته‌ها، ماه‌ها، یا حتی سالها بدون هیچ رابطه جنسی

با شوهر خود سپری می کنند و آنگاه که گرفتاری دامنگیرشان می شود تعجب می کنند. گرچه زن ممکن است از این روند کاملاً راضی باشد، اما شوهرش در تمامی این مدت مهمترین قسمت وجودی خویش را به دست فراموشی و انکار سپرده است.

برای زن احساس برقراری رابطه جنسی، با علاقه و محبت شکل می گیرد. زن نمی خواهد با مردی معاشقه کند که موجب عصبانیت، رنجش و ناامیدی او می شود یا او را با انبوهی از کار بدون حمایت و کمک تنها می گذارد. اما برای مرد، عشقبازی نیازی خالص، ناب و کامل است. با بی توجهی به این نیاز مرد، چشمها، گوشها، مغز و احساسات او در هاله ای از تاریکی و ابهام و بدون انگیزه و تحرک باقی می ماند. بی اهمیتی به این جنبه از وجود مرد باعث می شود او به حرفهای همسرش گوش نکرده و نیازهای او را درک ننماید، چون خلأ درونی خود او پر نشده است. زنان از زاویه ای متفاوت به موضوع نگاه می کنند. آنها فکر می کنند پس از حل و فصل مسائل دیگر است که می توان سر وقت مسئله جنسی رفت. اما درحقیقت با قرار دادن معاشقه و آمیزش در الویت های بالای زندگی، شانس بسیار بیشتری برای حل و فصل مسائل دیگر وجود دارد.

بهمین دلیل است که الویت قرار دادن مسائل جنسی در ازدواج از اهمیت بسزائی برخوردار است. نکته در این نیست که آیا شرایط در وضعیت ایده آل هستند یا آیا ما تمایل به انجام آن داریم، بلکه مسئله کلیدی و مهم، تأمین نیازهای شوهرتان و باز نگاه داشتن راههای ارتباط است. می توان بسهولت با بی اهمیتی به این نیاز وجودی مرد باعث شد وی احساس حقارت، شکست، دلسردی، و سرکوبی نماید و دچار وسوسه شود. تأمین نیاز جنسی مرد در حقیقت عینیت یافتن مهم ترین جنبه زندگی اوست و بدلیل قابلیت آسیب پذیری بالا از حساسیت خاصی برخوردار است و هیچ چیز

دیگری نمی تواند تا این حد موجبات رضایت و خشنودی او را فراهم کند.

از آنجائیکه زنان درک روشنی از دیدگاه خدا نسبت به موضوع ندارند مشکلات ناشی از روابط جنسی بسیار شایع است. در کتاب مقدس به روشنی توضیح می دهد: "زنی که ازدواج می کند دیگر اختیار کامل بدن خود را ندارد، بلکه شوهرش نیز بر آن حقی دارد. همچنین شوهر بر بدن خود اختیار کامل ندارد، زیرا همسرش نیز بر آن حقی دارد. بنابراین شما زوجها از رابطه زناشویی با یکدیگر پرهیز نکنید مگر برای مدتی محدود و با توافق طرفین تا بتوانید بطور کامل خود را وقف روزه و عبادت نمائید. اما بعد از این مدت، روابط عادی زناشویی خود را از سر بگیرید تا مبادا شیطان شما را بعلت عدم تسلط بر نفس در وسوسه اندازد" (اول قرنیتان ۵، ۴: ۷). آمیزش جنسی بین زن و شوهر فکر و ایده خداست و به غیر از شرایطی که هفته‌ها به عبادت و روزه داری مشغول باشید یا بیماری جسمی یا جدائی در میان باشد، هیچ عذری برای عدم برقراری رابطه جنسی پذیرفته نیست.

وقتی ازدواج می کنیم دیگر بدنمان به ما تعلق ندارد. ما بایستی به جذبه‌های فیزیکی یکدیگر توجه داشته و خود را از یکدیگر محروم نسازیم. دفعات معاشقه به نیاز طرفین نیز بستگی دارد. اگر در مقاربت تنها به نیاز و خواسته فردی خودتان توجه کنید، بدین ترتیب دیدگاهتان با دیدگاه خداوند مغایرت دارد. خداوند می فرماید بدن از برای تکامل و به آرامش رساندن دیگری است. با تأمین این نیاز درونی توسط زن، اساس ازدواج مستحکم و ماهیت وجودی مرد به کمال می رسد. با عدم توجه به این نیاز، شرایط رو به سستی و کاستی می گذارد. سهل انگاری در رابطه زناشویی زمینه را برای وسوسه و ویرانی غیر قابل تصور و گسترده‌ای فراهم می گرداند. هر کسی در معرض این خطر قرار دارد و به همین دلیل است که این جنبه از ازدواج و نیازهای جنسی

شوهرتان بایستی با دعا پوشش داده شود و بهتر این است که قبل از بروز هرگونه مشکلی با دعا جلوی آنرا گرفت.

اگر میل جنسی شوهرتان بالاست و شما از آن اجتناب می‌کنید، از خداوند برای تغییر روشهایتان کمک بطلبید. مشکلترین زمان برای توجه به مسائل جنسی وقتی است که بچه‌ها کوچک هستند و نمی‌توانند از عهده کارهای خود برآیند. وقتی که بچه‌ها را می‌خواهیم بسیار خسته‌ایم و می‌خواهیم قبل از اینکه شوهرمان برنامه‌های دیگری برآیمان بچیند بخوابیم. راههائی که ممکن است وجود داشته باشد اینهاست: کلاً قضیه را در نطفه خفه کنید و به شوهرتان بگوئید: "من خسته‌ام حتی به آن فکر هم نکن!" یا سعی کنید با ملایمت و نرمی بگوئید که بسیار خسته اید و امیدوار باشید او بگوید: "عیبی ندارد، بهتر است استراحت کنی"، یا با مسئله بسیار بد برخورد کنید و باعث شوید شوهرتان احساس عصبانیت یا تقصیر کند. اما من روش چهارمی را می‌شناسم که از همه روشهای قبلی سودمندتر است. این روش را امتحان کنید و ببینید آیا عملی است یا خیر؟

وقتی شوهرتان به طریقی شما را متوجه می‌سازد که دوست دارد با شما معاشقه داشته باشد، با آه عمیقی چشمانتان را روی هم نگذارید، بلکه بگوئید "بسیار خوب به من پانزده دقیقه (یا ده یا بیست یا هر چند دقیقه که لازم دارید) وقت بده". در این مدت کاری کنید که احساس زیبایی و جذابیت کنید. مثلاً دوش بگیرید. لوشن معطر یا عطر مورد علاقه او را بزنید. (همیشه از یک عطر برای این منظور استفاده کنید). موهایتان را شانه زده، صورتتان را شسته و از کرم مرطوب کننده جهت تازگی، طراوت، شادابی، و نرمی پوستتان استفاده کنید. رژگونه و برق لب بزنید و لباس خوابی را بر تن کنید که می‌دانید صبر و طاقت شوهرتان را از کف می‌رباید. نگران عیبهای بدن‌تان نباشید. او به آنها فکر نمی‌کند. اما اگر خودتان از آنها رنج می‌برید، لباس خواب بلندی بپوشید که همه آن

قسمتها را بپوشاند. درحالیکه مشغول انجام این کارها هستید دعا کنید خداوند انرژی و قدرت تازه‌ای به شما ببخشد و شما را با نگرش خوب، نشاط انگیز و فرح بخش نزد شوهرتان روانه کند. سرانجام وقتی آماده شدید، شوهرتان با دیدن شما خواهد فهمید ارزش انتظارش را داشت. مایه شگفتی تان خواهد بود وقتی دریابید چقدر بیشتر از معاشقه لذت می برید آنگاه که احساس خوب و خوشایندی نسبت به خود دارید. با صرف زمانی اندک شاهد نتایج عالی در ازدواجتان خواهید بود. گاهی با شرایط عکسی روبرو هستیم و آن زمانی است که زن از لحاظ جنسی مورد اهمال واقع می شود. عدم علاقه و بی میلی جنسی شوهرتان ممکن است دلایل جسمی، ذهنی یا روحی داشته باشد. چنانچه پس از ماهها همچنان تمایلی از طرف او به معاشقه وجود ندارد بایستی دنبال علت گشت. چنانچه مشکل جسمی ممانعتی ایجاد نمی کند، ممکن است احساسات عمیقی از شکست، دلسردی، افسردگی یا ناامیدی در وجود او نهفته باشند که لازم است مورد توجه واقع شوند. دعا کمک می کند مشکل و روش حل آن روشن شود. اگر لازم است از افراد متخصص کمک بجوئید. این امر سبب می شود تا از طلاق و اثرات مخرب جسمی، روحی و ذهنی حاصل از ازدواج بی روح در امان بمانید. اجازه ندهید احساسات منفی همچون تنفر، تلخی، دلسوزی نسبت به خود و عدم گذشت وجود شما را فرا گیرد. خود را سالم و جذاب حفظ کنید. اگر اعتبار و حرمتی به خود قائل نیستید تا از بدنتان مراقبت کنید، این کار را از روی مهربانی برای شوهرتان انجام دهید. لباس مخصوص زنانه‌ای که او دوست دارد در دسترس داشته و هنگامی که با او هستید بر تن کنید. همواره آرایش موی جدید داشته و با چیزهای تازه او را شگفت زده کنید. ذهنتان را تازه، با طراوت و خلاق حفظ کنید و اساساً دست روی دست نگذارید. تکان بخورید!

چنانچه بخش مربوط به امور جنسی ازدواج مورد سهل انگاری واقع گردد، مسائل ناخوشایندی روی می دهند. اجازه ندهید چنین اتفاقی برای شما بیفتد. حواستان به آخرین باری که رابطه زناشویی داشتید باشد و نگذارید زمان زیادی از آن بگذرد. اگر زمان زیادی از آخرین باری که معاشقه کردید می گذرد، دعا کنید و از خدا بخواهید دلیلش را بر شما آشکار کند تا آن را اصلاح کنید. بخاطر داشته باشید هرگز دعا برای نزاهت و پاکی جنسی دیر نیست و اهمیتی ندارد چه گذشته ای داشته اید. گاهی مشکلات جنسی در ازدواج در نتیجه تجارب جنسی قبل از ازدواج روی می دهند. دعا کنید تا از خاطره‌هایی که ذهن و روح و دل شما را آلوده کرده‌اند رها شوید. طهارت، لحظه‌ای متجلی می‌شود که در ضمیر دل آدمی ریشه دوانده باشد. همه چیز با دعا شروع می‌شود. نقشه‌ای را که خدا برای ازدواجتان دارد با غفلت در دعا به خطر نیانداخته و آن را تباہ نکنید.

دعا

پروردگارا، به روابط جنسی ما برکت عطا فرما و بدینوسیله انتظارات، امیدها و احساسات شوهرم را محقق ساز تا به تکامل درونی دست یابد. آنچه که باید احیاء شود، احیاء و آنچه که باید به تعادل برسد، متعادل نما. ما را از بی میلی، دلسردی، انتقاد، گرفتاری، عدم بخشش، و بی روحی حفظ نما. دعا می‌کنم که برای یکدیگر وقت داشته باشیم و احساسات حقیقی مان را آشکارا بروز دهیم و نسبت به احتیاجات یکدیگر حساس باشیم.

از نظر جنسی روح و تن ما را پاک نگه دار و درها را بر هر چیز شهوت‌آمیز و نامشروع که در کمین تسلط بر زندگی ماست، ببند. ما را از اسارت و بندگی اشتباهات گذشته رها کن و اثرات هر تجربه جنسی که خارج از رابطه زناشویی مان پیش آمده

از ذهن و فکر ما پاک کن. هر عامل یا کسی را که مسبب بی وفائی و وسوسه است از سر راه بردار. به ما کمک کن تا " از هرگونه فساد جنسی برحذر باشیم" (اول تسالونیان ۵-۳: ۴). دعا می کنم که نسبت به یکدیگر و نه هیچ کس دیگر جذبه جنسی داشته باشیم. به من بیاموز چگونه خود را برای همسرم جذاب و دوست داشتنی کنم و همدم و یاری باشم که او می طلبد. دعا می کنم که هیچیک از ما به وسوسه نیفتیم و در صدد تأمین خواسته ها و تحقق آرزوهایمان در جای دیگر بر نیائیم.

می دانم که مهمترین خدمتی که می توانم به شوهرم کنم اهمیت دادن به مسائل جنسی اوست. کمک کن که هرگز از آن بعنوان ابزاری برای مقاصد خودخواهانه خویش- با دراختیار گذاشتن یا محروم کردن او از سکس- بکار نبردم. خدایا این قسمت از زندگی مان را نیز به تو می سپارم. باشد که همیشه زنده و نو باشد. و باشد که مقصود تو از آفرینش آن در زندگی ما عیان باشد.



ابزار قدرت

از زنا بگریزید.

هیچ گناهی تا به این اندازه بر بدن انسان اثر شوم نمی گذارد.
وقتی مرتکب این گناه می شوید،

به بدن خود صدمه می زنید. آیا نمی دانید که بدن شما مسکن روح القدس است که او را خدا به شما عطا کرده است؛
آیا نمی دانید که روح القدس در وجود شما زندگی می کند؟ پس بدن شما متعلق به خودتان نمی باشد. خدا شما را به بهائی گران خریده است.

پس تمام اعضای بدن خود را برای نشان دادن جلال و عظمت خدا
بکار ببرید، چون او صاحب بدن شماست.

اول قرنطیان ۶: ۱۸ - ۲۰

بدن ما برای زنا ساخته نشده، بلکه متعلق به خداوند است،
پروردگار می خواهد که بدن ما را از وجود خویش مملو سازد.

اول قرنطیان ۶: ۱۳

نسبت به همسر خود وفادار باشید و تنها نسبت به او، عشق بورزید.
چرا باید از زنان هرزه خیابانی صاحب اولاد شوید،
فرزندان تو باید تنها متعلق به تو و همسر تو باشند
و غریبه ها در آن سهمی نداشته باشند.

پس با زنت خوش باش

و از همسر خود که در ایام جوانی با او ازدواج کرده ای لذت ببر.
دلبری و آغوش او تو را کافی باشد،
و قلب تو فقط از عشق او سرشار گردد.

امثال ۵: ۱۵ - ۱۹



فصل پنجم

عاطفه او

چند سالی از ازدواج «تام» و «پتی» می گذشت که پتی از بی مهری و بی علاقه‌گی شوهرش به ستوه آمد و صحبت جدی با او داشت. تام از هر لحاظ شوهر فوق العاده‌ای بود و رابطه جنسی خوبی نیز داشتند، اما جدا از مسئله جنسی، هیچ علاقه و محبتی بین آنها وجود نداشت. دلیلش این نبود که تام واقعاً پتی را دوست نداشت، او احترام زیادی به همسرش قائل بود و بسیار به او عشق می ورزید. بلکه او در بچگی از مهر و محبت محروم بوده است. پتی احساس گناه می کرد و نمی خواست از او انتقاد کرده یا او را برنجانند. اما خودش نیز در کودکی مورد بی مهری واقع شده بود و همین عاملی بود که سبب می شد نیاز خود را در ازدواج جستجو کند. هر بار که او مسئله را با شوهرش در میان می گذاشت، او سعی می کرد خود را عوض کند اما خیلی زود اوضاع مثل سابق می شد. این قضیه هر دو را خسته، ناامید و رنجیده خاطر کرده بود. در نهایت پتی احساس کرد دیگر نمی تواند بدین ترتیب ادامه دهد و دارد از بین می رود. او فکر نمی کرد که بتواند بقیه عمرش را با بی مهری شوهرش بسازد و هیچ امیدی هم نداشت که تام عوض شود.

بالاخره درماندگی و عجز پتی او را واداشت مشککش را با دوستانی که با ایشان دعا می کرد، در میان بگذارد. ایشان هر هفته با جدیت برای او دعا کردند. خدا دعاهایشان را شنید و شروع به کار روی قلب پتی نمود. خداوند بر قلب پتی گذاشت که به رژیم غذایی و ورزش توجه داشته باشد. این موضوعی بود که او همیشه از آن غفلت کرده بود.

وقتی پتی در این حوزه خود را کاملاً تسلیم امر خدا نمود و شروع به انجام کارهایی که خداوند به او گفته بود کرد، احساس بهتری نسبت به خود پیدا کرد و پی برد که شایستگی علاقه و محبت شوهرش را دارد. دیگر احساس تقصیر و گناه نمی کرد چون می دانست که اراده الهی بر این است که زن مورد مهر و محبت شوهرش واقع شود. بزودی فهمید که باید مجدداً مشکل را با شوهرش مطرح کند. این بار شرایط فرق می کرد؛ زیرا روح القدس او را هدایت می کرد و وی با گروه دعاگو با جدیت و اشتیاق برای تحولی معجزه آمیز در تام دعا می کردند.

پتی به من گفت: "این امر باعث شد که حتی شجاعت مطرح کردن دوباره موضوع را پیدا کنم." "بسیار وحشت داشتم که این قضیه به طلاق بیانجامد چون هر دوی ما از لحاظ روحی بسیار رنجیده و صدمه دیده بودیم و هیچ امیدی نداشتیم. اما خداوند این توانائی را به من داد تا حرفهائی را که لازم بود گفته شود با محبت، نرمی، و حوصله بازگو کنم و این بار گفتگوی ما پیشرفت چشمگیری داشت."

تام گفت: "نقطه عطف تحول زمانی روی داد که پتی به من گفت عزیزم، چطور شخصی به خوبی و فوق العادگی تو، با تمام ویژگیهای عالی، با همه عشق و اعتماد من، قادر نیست مهر و محبت خود را بروز دهد؟"

پتی در ادامه گفت: "حرفهای من به او اطمینان داد و این امید را در وجود او زنده کرد که به امتحان دوباره اش می ارزد."

این بار تام طور دیگری عمل کرد. او مشکل را در جلسه دعا برای دوستانش مطرح نمود؛ ایشان بلادرنگ از او حمایت نمودند و تصمیم گرفتند هر روز برای او دعا کنند و او را ترغیب کنند تا هر روز به نوعی مهر و علاقه خود را به همسرش نشان دهد.

تام گفت: "از این پیشنهاد استقبال کردم، چون واقعاً می‌خواستم که عوض شوم. من به همسرم عشق می‌ورزیدم و از اینکه به او صدمه روحی و عاطفی بزنم، بیزار بودم. می‌خواستم که آدم دیگری باشم و می‌دانستم که تحول حقیقی تنها از طریق قدرت روح القدس شدنی است."

هر روز به مدت چند هفته، یکی از دوستان تام او را صدا زده و می‌پرسید: "امروز چه کاری برای نشان دادن مهر و علاقه‌ات به همسرت انجام دادی؟" آنها همچنین راهکارهایی را پیش پای او گذاشتند تا چگونه علاقه خود را به زنش نشان دهد و از او برای ویژگی‌هایی که دارد، قدردانی کند. آنها از تام خواستند تا بطور منظم با پتی چک کند که آیا او از پیشرفت شوهرش راضی است و چه فکر می‌کند. برای کسی که قلبش بوسیله روح القدس آماده نشده باشد، این کار فوق العاده آزار دهنده و دشوار است. اما تام هیچ بار سنگینی را متحمل نشد چرا که از خدا خواست که وارد زندگی اش شود و آن را متحول سازد.

پتی با لبخند بشاشی گفت: "حالا اولین کاری که تام بمحض ورود به خانه می‌کند این است که مرا در آغوش گرفته و می‌بوسد و همین عامل باعث شد پس از چندی احساس کنم آدم جدیدی شده‌ام."

تام و پتی تنها افرادی نیستند که گرفتار این مسئله هستند. وضعیت مشابه آنها کم نیست. بسیاری از مردم، حتی زنان و مردان ایماندار، در ازدواج‌هایی بسر می‌برند که عاری از خوشی و حیات است تنها به این دلیل که رفتار و منشی که علاقه و محبت

ایشان را نشان دهد، از خود بروز نمی دهند و زنان با این وضعیت کنار می آیند چون شوهرانشان از سایر لحاظ بسیار خوب هستند. و یا فکر می کنند ارزش بیشتری برای مهر و محبت شوهرانشان ندارند. نشان دادن مهر و توجه به یکدیگر خواست الهی است و او را خشنود می سازد. "زن و مرد باید وظایف زناشوئی خود را نسبت به یکدیگر انجام دهند" (اول قرنیتان ۷:۳). در کتاب مقدس آمده "زمانی برای درآغوش گرفتن می باشد" (جامعه ۵:۳). در صورتیکه ازدواج کرده اید، زمان درست برای در آغوش گرفتن هم اکنون است. مهر و عاطفه جزء الویت های بالای مرد قرار نمی گیرد، چون مردان اغلب رابطه جنسی و عشق را یکی می دانند. بزرگترین نیاز زن عاطفه و محبت است. چنانچه در ازدواجی هستید که از این موهبت بی بهره اید، از روح القدس بخواهید تا اوضاع را دگرگون کند.

دعا

پروردگارا، برای عاطفه و مهر و محبت آشکار بین خود و شوهرم دعا می کنم. به هر یک از ما قدرتی عنایت کن تا از بی علاقهگی برحذر بوده و وجود یکدیگر را آکنده از محبت کنیم. کمکمان کن تا در کردار و گفتار خود توجه و ارزشی را که برای یکدیگر قائل هستیم نشان دهیم. به ما یادآوری کن تا هر روز بطریقی محبت و علاقه خود را بروز داده و یکدیگر را از لحاظ عاطفی لمس کنیم. سردی، بی توجهی، بی علاقهگی، دوری، و فاصله رفتاری و کلامی را از ما دور کن و به ما قوت بده تا گرمی، لطافت، شفقت، و عشق داشته و غم خوار یکدیگر باشیم و به همدیگر احترام بگذاریم. هرگونه تعصب، لجبازی، و قساوت قلبی را که مانع از رشد و کمال می شود از میان بردار. اگر یکی

از ما نسبت به دیگری مهر و عاطفه کمتری نشان می دهد، آن را به تعادل برسان.

هر کجا بی مهری موجب شده نگرش منفی از ازدواج در ذهن بچه‌ها شکل گیرد یا برداشت منفی و نادرست از رابطه زناشویی داشته باشند، کمکمان کن تا روش درست را الگوی ایشان قرار دهیم تا قادر به دیدن آن باشند. به ما نشان بده چگونه آشکارا به اشتباهات خود در نزد بچه‌ها اعتراف نمائیم و به ایشان عملاً متعهد شویم که از این پس به شیوه متفاوت زندگی خواهیم کرد.

عادات بی تفاوتی یا گرفتاری را تغییر بده. باشد که یکدیگر را سهل الوصول و مسلم تلقی ننموده و برای لمس یکدیگر از روی مهر و عاطفه تلاش کنیم. کمکمان کن تا با نادیده انگاشتن این جنبه از ازدواج، باعث تضعیف روابط نشویم. دعا می کنم "که همیشه یکدیگر را با محبت ببوسیم" (اول پطرس ۵: ۱۴). می‌دانم که قدرت متحول کننده روح القدس تحول پایداری بوجود می آورد. من به تو ای روح القدس اعتماد می کنم تا ما را عوض نمائی و به زن و شوهری که فرارخوانده ای باشیم، تبدیل کنی.



ابزار قدرت

ای مسیحیان، آیا یکدیگر را تشویق و دلگرم می کنید؟
 آیا آنقدر یکدیگر را دوست دارید که بهم کمک کنید؟
 آیا احساس می کنید که ما همه باهم برادریم و از یک روح
 برخورداریم؟

آیا دلسوز و همدرد هستید؟
 اگر چنین است، یکدیگر را محبت نموده،

قلباً با هم توافق داشته، همدل و همفکر باشید،
تا مرا واقعاً شاد سازید.

فیلیپیان ۱: ۲، ۳

شوهر باید زن خود را همچون بخشی از وجود خود دوست بدارد،
وقتی شوهری به همسرش محبت می کند،
در اصل به خویشتن لطف و محبت می کند.
هیچکس به بدن خود لطمه نمی زند،
بلکه با عشق و علاقه از آن مراقبت می کند،
همانگونه که مسیح از بدن خود یعنی کلیسا مراقبت بعمل می آورد،
کلیسائی که همه ما اعضای آن هستیم.

افسسیان ۵: ۲۸، ۲۹

فقط به فکر خودتان نباشید،
بلکه به کار و مسایل دیگران هم توجه کنید.

فیلیپیان ۲: ۴

دست چپ او زیر سر من است
و دست راستش مرا در آغوش می کشد.

غزل غزل‌های سلیمان ۲: ۶

فقط به فکر خودتان نباشید،
به فکر دیگران هم باشید
و نفع دیگران را نیز در نظر بگیرید.

اول قرنتیان ۱۰: ۲۴



فصل ششم

وسوسه‌های او

وقتی من و مایکل ازدواج کردیم از خدا خواستم وسوسه را از زندگی ما دور نگه دارد. نمی دانم اثر دعا بود یا این حقیقت که هر دوی ما از چیزهای وسوسه انگیز دوری گزیدیم بهر حال باعث شد که هرگز اقدام به کاری نکنیم که موجبات نگرانی و شک دیگری را فراهم سازد. یقین دارم که بازوان پرتوان خدا بیش از قدرت انسان در اجتناب از وسوسه‌ها دخالت داشته است. ولی با اینهمه هر دو حائز اهمیت هستند.

زنان و شوهران زیادی را می شناسم که بی وفائی و خیانت را در ازدواجشان تجربه نمودند. اما از آنجائیکه زنی تمایل و اشتیاق داشت برای شوهرش دعا کند و شوهر نیز خود را تسلیم خدا نمود تا او را عوض نماید، ازدواجشان از شکست در امان ماند و امروز رابطه موفق‌تری را تجربه می کنند. فقط دعا و دلی خاشع و مطیع با قدرت متحول کننده روح القدس می تواند این معجزات را بیافریند.

دوست دیگری می شناسم که شوهرش روابط نامشروع جنسی زیادی داشت و بالاخره ازدواج شان به طلاق انجامید. هر بار هر یک از این روابط نامشروع با یکی از بهترین دوستان زن انجام می گرفت. من از دوستم در مورد انتخاب دوستانش سؤال کردم

ولی هرگز رابطه‌اش با خدا یا تعهدش به دعا را مورد سؤال قرار ندادم. فردی که با تمام وجود و اشتیاق به نزد خدا دعا می‌کند اما از گوش جان سپردن به الهامات روح القدس سر باز می‌زند نمی‌تواند توقع داشته باشد که معجزه‌ای در زندگی‌اش روی دهد.

امروزه وسوسه در همه جا به چشم می‌خورد و احمقانه است فکر کنیم خود یا شوهرمان بطریقی از آن در امان خواهیم ماند. کلام خدا می‌گوید "خواستهای انسان هرگز ارضا نمی‌شود" (امثال ۲۷:۲۰). پس وسوسه همیشه در کمین است و ما باید بسیار مراقب باشیم. برخی مردم اسیر الکل و مواد مخدر هستند، بعضی دیگر حرص مال و قدرت را می‌زنند، برای برخی اجتناب از پرخوری، مشاهده فیلم و تصاویر مبتذل جنسی و داشتن روابط غیر مشروع جنسی غیر ممکن است. دشمن روح ما، نقاط ضعف ما را می‌شناسد و درست در جاهائیکه حساسیت و اثر پذیری مان بیشتر است ما را دچار وسوسه می‌کند. مسئله این نیست که آیا وسوسه‌ای در کمین است بلکه نحوه رویارویی با خواهشهای نفسانی و تمایلات جسمانی و غلبه بر آنهاست که اهمیت دارد. توصیه می‌کنم بهنگام وسوسه دعا کنید. گرچه ممکن است دعا عامل بازدارنده‌ای در فردی که مصمم به انجام گناه است نباشد ولی از وسوسه‌های شیطان می‌کاهد. دعا راه را هموار می‌کند تا آدمی دست به انتخابهای درست بزند.

کتاب مقدس می‌گوید خداوند انسان را وسوسه نمی‌کند. تمایلات نفسانی انسان را فریفته و مجذوب گناه می‌کند؛ افکار ناپاک و آلوده ما را به سوی انجام کارهای گناه‌آلود سوق داده و محکوم به فنا می‌کند. اما "خوشبخت کسی است که آزمایشهای سخت زندگی را متحمل می‌شود، زیرا وقتی از این آزمایشها سرافراز بیرون آید، خداوند تاج حیات را بر سر او خواهد نهاد این همان وعده‌ای است که پروردگار به تمام دوستداران خود داده است" (یعقوب ۱:۱۲). خداوند می‌خواهد ما را بیازماید و در این

آزمون‌هاست که ما مورد رحمت و برکت قرار می‌گیریم. خداوند به ما حق انتخاب داده، می‌خواهد ببیند آیا ما اسیر وسوسه‌ها و خواهش‌های نفسانی می‌شویم یا او را بر تمایلات انسانی خویش برگزیده و از فرامین او اطاعت می‌کنیم. چنانچه بخواهیم در راه خدا گام برداریم خداوند راه غلبه بر وسوسه را به ما نشان می‌دهد چون ما اراده او را بر اراده شیطان برگزیده‌ایم.

بهترین زمان دعا برای غلبه بر تمایلات نفسانی قبل از گرفتاری در آن است. مسیح به حواریون خود فرمود "دعا کنید و از خدا بخواهید که مغلوب وسوسه‌ها نشوید" (لوقا ۲۲: ۴۰). او فرمود "مراقب وسوسه‌های شیطان باشیم زیرا روح مایل و مشتاق است اما جسم ضعیف و ناتوان" (مرقس ۱۴: ۳۸) اگر شوهرتان در زمینه‌ای خاص دچار کشمکش است، دعا کنید که او آشکارا مسائل خود را با مردان مؤمن بازگو نموده و با آنها دعا کند و راه حل عملی که خدا از طریق دعا پیش پای او می‌نهد، بپذیرد و مسئولیت انجام آن را برعهده گیرد. اعتراف آشکار گناه در پیشگاه خدا و سایر مؤمنین بیش از هر چیز دیگری بر قدرت وسوسه‌گر شیطان اثر می‌گذارد و آن را به حداقل می‌رساند. متأسفانه، بسیاری مردان از آشکار نمودن وسوسه‌ها و فریب‌های شیطانی که با آن روبرو هستند اکراه داشته و عملاً در راه هر چیزی که آنها را یاری می‌دهد می‌بندند.

اگر با وجود دعائی که کردید، شوهرتان هنوز اسیر وسوسه‌های شیطانی ناپاک است، خود را سرزنش نکنید. تصمیم نهائی را او می‌گیرد. او امیال و خواهش‌های نفسانی خود را بر اوامر روح خدا ترجیح داده و پیرو نفس خود گشته است. "از اوامر روح خدا پیروی کنید و برده امیال نفس سرکش خود نباشید، زیرا امیال نفسانی انسان مخالف اراده و خواست روح خداست؛ هرگاه بخواهیم از اوامر خدا پیروی کنیم، امیال طبیعی به مخالفت با آن می‌پردازد. پس مطابق میل و اراده خود عمل نکنید، بگذارید روح

خدا شما را هدایت کند" (غلاطیان ۱۷: ۱۶). هر چقدر هم که اوضاع مایوس کننده و شوهرتان مدام اسیر نفس خویش است، از دعا کردن برای او خسته نشوید. بدانید که خداوند راههای غلبه بر وسوسه‌ها را فراهم نموده و ممکن است از شما به عنوان ابزاری برای شوهرتان استفاده کند تا راه گریز از شیطان را به او نشان دهد. اگر تاکنون هیچ وسوسه‌ای ازدواجتان را تهدید نکرده است، خدا را برای آن سپاس گفته و دعا کنید که هرگز گرفتار آن نشوید.

دعا

پروردگارا، دعا می‌کنم که به همسرم نیروئی عطا کنی تا در برابر وسوسه‌هایی که بر سر راه او قرار می‌گیرند مقاومت کند. هر گونه بندهار و فکر آلوده را قبل از آنکه به جان او وارد شده و به عمل تبدیل شود از ذهن و دل او پاک ساز. تمایلات نفسانی و خواهشهای گناه آلود را از او دور نگه دار. او را از کارهای شر مثل زنا، مواد مخدر، مشروب، اعتیاد به غذا، قمار، و انحراف جنسی حفظ فرما. بویژه او را از (نام وسوسه) حفظ فرما. بهنگام ضعف و ناتوانی در برابر وسوسه به او قدرت غلبه بر آن را عنایت فرما. کمکش کن تا هر آنچه در زندگی او همچون سدی بزرگ وجود دارد، درهم کوبد و بر آن فائق آید. باشد که به زبان اعتراف کند "هر چیز بد و ناپسند را از پیش چشم خود دور خواهم کرد. کردار افراد نادرست را دوست نخواهم داشت و در کارهایشان سهیم نخواهم شد" (مزمور ۱۰۳: ۱).

پروردگارا فرموده‌ای که "هر کس که بر نفس خویش تسلط ندارد، مثل شهری بی حصار است" (امثال ۲۵: ۲۸). دعا می‌کنم که نیروی شر بر (اسم شوهر) مسلط نشود بلکه با قدرت تو بر آن فائق آید. او را زیر بالهای حمایت خود بگیر، او را از روح مقدست لبریز کن و آنچه به تو تعلق ندارد از وجودش تهی ساز. به او

کمک کن تا بر نفسش تسلط یابد و با خویشتنداری بر هر آنچه یا هر کس که موجب اغوای او می شود، پایداری ورزد. باشد که "از بدی اجتناب کرده و به نیکوئی بپیوندد" (رومیان ۹:۱۲). دعا می‌کنم که از شرایط وسوسه کننده دوری گزیند. به او شهامت عنایت فرما تا تن به این وسوسه‌ها ندهد. به او بیاموز تا در روح گام برداشته و مطیع فرمان تو باشد تا اسیر تمایلات نفسانی نگردد.



ابزار قدرت

وقتی کسی وسوسه شده بسوی گناه کشیده می شود، فکر نکند که خدا او را وسوسه می کند زیرا خدا از گناه و بدی بدور است و کسی را نیز به انجام آن وسوسه و ترغیب نمی کند. وسوسه یعنی اینکه انسان فریفته و مجذوب افکار و امیال ناپاک خود شود. چنین افکاری او را به انجام کارهای گناه آلود می کشاند و این کارها نیز منجر به مرگ می گردند که همانا مجازات الهی است.

يعقوب ۱: ۱۳-۱۵.

وسوسه هائی که به سراغ شما می آیند، از وسوسه هائی که دیگران دچار آنند، دشوارتر نمی باشد.

هیچ وسوسه ای نیست که نتوان در مقابل آن ایستادگی کرد. پس در برابر آنها مقاومت کنید

و اطمینان داشته باشید که خدا نخواهد گذاشت
 بیش از حدّ توان خود وسوسه شوید
 و به شما قدرت خواهد بخشید تا بتوانید در
 برابر آن تاب بیاورید.
 این وعده خداست و به آن عمل نیز خواهد کرد.
 او به شما نشان خواهد داد که چگونه از وسوسه ها بگریزید
 و در دام آنها نیفتید.
 اول قرنیتان ۱۰:۱۳

اعمال گناه آلود را کنار گذارده،
 در نور خدا زندگی پاک و مقدسی را در پیش بگیرید،
 از مستی، زنا، شهوت رانی، دعوا و حسادت بپرهیزید.
 تمام وجودتان از آن مسیح باشد؛ بدنبال هوسهای جسم نروید.
 رومیان ۱۳:۱۳، ۱۴

آنانی که بدنبال ثروت اندوزی می دوند
 دیر یا زود دست به کارهای نادرست می زنند؛
 این کارها به خود ایشان صدمه زده، فکرشان را فاسد
 و سرانجام ایشان را راهی جهنم خواهد ساخت.
 اول تیموتائوس ۶:۹

هنگامی که پیرو امیال نادرست خود می باشید،
 این گناهان وارد زندگی شما می شوند:
 زنا و انحرافات جنسی و بی عفتی؛
 بت پرستی و جادوگری و احضار روح؛
 دشمنی و دو بهم زنی؛ کینه توزی و خشم؛
 خود خواهی و نفع طلبی؛
 شکایت و بهانه جوئی؛ در اشتباه دانستن دیگران و بر حق شمردن

خود و اعضای گروه خود؛ حسادت و آدم‌کشی؛ مستی و عیاشی و چیزهائی از این قبیل. هر که این چنین زندگی کند، هرگز در ملکوت خدا جائی نخواهد داشت.

غلاطیان ۵: ۱۹ - ۲۱



فصل هفتم

ذهن او

عادت داشتم کشمکش های ذهنی شوهرم را به نیوغی که در موسیقی داشت نسبت دهم. شما به طبیعت هنرمندان واقف هستید؛ از یکطرف، برجسته، باهوش، و شادمان و از طرف دیگر غمگین و بی حوصله هستند. وقتی مایکل احساس اندوه و افسردگی می کرد صداهائی را در ذهنش می شنید که به او می گفتند تو شکست می خوری، ارزش چیزی را نداری و شایستگی انجام کاری را نداری. این افکار هیچ اساسی نداشت چون حتی در اوج موفقیت و سودآوری نیز به سراغ او می آمدند. مدتی طول کشید تا بفهمم نباید چالشهای ذهنی او را به اخلاق یا طبیعت او نسبت داد. نباید فکر کنیم چون در هر شرایطی با این افکار درگیر هستند، آنها را به حال خود واگذارده و بگوئیم این مشکل خود آنهاست. اگر او و من یکی هستیم، هر کشمکش و مبارزه او به من نیز تعلق دارد. پس در این مبارزه با شوهرم در برابر حملات شیطان ایستادگی نموده و اعلام می دارم "خداوند تقلاهای ذهنی و کشمکش های روحی را به زندگی شوهرم فرا نمی خواند، اینها صدای شیطان می باشند. من در گوشه ای نمی ایستم تا ناظر بازی خطرناک شیطان با ذهن و روح زندگی مان باشم."

تصمیم گرفتم تجربه شخصی‌ام را بکار بسته و با دعا از طرف شوهرم در برابر وسوسه‌ها و نیرنگ‌های شیطان ایستادگی کنم (افسیان ۱۱:۶). انجیل می‌گوید: "همیشه دعا کنید! در دعا از خدا آن چیزهایی را بخواهید که مطابق خواست روح القدس است. مسائل و نیازهای خود را به او بگوئید و برای همه مؤمنین با اشتیاق زیاد و جدیت دعا کنید (افسیان ۱۸:۶). با پشتکار و جدیت چند ماهی دعا کردم. اثراتی که از پشتکار خود در دعا در این مدت دیدم حیرت انگیز بود، چون مایکل بهتر می‌توانست اندیشه‌ها و افکار ذهنی‌اش را کنترل کند و اگر می‌دیدم شوهرم در معرض حمله شیطانی دیگری است، با دعا در برابر آن مقاومت ورزیده و قبل از آنکه بر ذهن او مسلط شود، آن را از پای در می‌آوردم. هر چه بیشتر دعا‌های من مستجاب می‌شد او بیشتر به منشاء دروغ‌ها پی می‌برد و کمتر اجازه می‌داد این دروغ‌ها به باور ذهنی تبدیل شوند.

در سخنرانی‌هایی که در سراسر کشور داشتم با زنانی از قشرهای مختلف جامعه برخورد نمودم و جای شگفتی است که چطور این مشکل گریبانگیر همه است و یک مسئله جهانی است. در حقیقت، به نظر اهمیتی نداشت همسران ایشان چه طبیعت مزاجی یا چه گذشته‌ای دارند، همگی با این دروغ‌ها و حیلت‌های شیطانی سر در گریبان بودند و بالاخره دریافتم که همه مردان با دشمنی روبرو هستند که توانائی‌ها، موهبت‌ها، استعدادها و عطیه‌های الهی ایشان را تضعیف نموده و به نابودی می‌کشاند. زنان نیز از چنگال این دشمن دروغگو در امان نیستند اما بنظر میرسد آسیب پذیری مردان در بعضی زمینه‌های خاص در برابر حملات دشمن بیشتر از زنان می‌باشد. حتی قوی‌ترین مردان هم در برابر این حملات خسته و درمانده، ناامید، دلسرد یا گرفتار افکار غیر الهی می‌شوند که موجب غفلت آنها از خداوند می‌گردد. حیلت‌های دشمن می‌خواهد این باور را در او بوجود آورد که با

مسائل غیر قابل حلی روبروست و این درحالی است که اغلب متوجه نیستیم که اینها نیرنگ و فریبی بیش نیست. ذهنش از کلماتی مثل "هیچ امیدی به آینده نیست"، "فایده ندارد"، "غیرممکن است"، "کار تمام شده است"، و "سعی و تلاش دیگر فایده‌ای ندارد" پر می‌شود. زن می‌تواند دعا کند که همسرش دروغ‌ها را تشخیص داده و واژه‌هایی مثل "امید"، "برکت و وفور"، "شدنی"، "موفقیت" و "شروعی جدید" را شنیده و بداند که این وعده‌های امید بخش از آن خدا/ست. قوی‌ترین سلاح علیه حملات دروغ‌های شیطان به ذهن انسان، کلام خدا و حمد و سپاس است. "کلام خدا زنده، قدرتمند و با نفوذ است و برنده‌تر از هر شمشیر تیزی است که به عمق روح و جان ما نفوذ می‌کند و افکار پنهانی و نیات مخفی دل ما را شکافته و ما را آنچنانکه هستیم به خود می‌نمایاند" (عبرانیان ۴: ۱۲). بر زبان آوردن کلام خدا قدرت افکار و اندیشه‌های نادرست و منفی را خنثی می‌کند. اگر شوهرتان این کار را برای خودش انجام نمی‌دهد، شما می‌توانید از کلام خدا، خواه درحضور او یا به تنهایی در دعا یاری جسته و اثرات مثبت آنرا مشاهده نمائید. من این کار را برای شوهرم به دفعات بیشمار انجام داده‌ام و او بر قدرت و اثر آن گواهی می‌دهد. من به او یادآوری می‌کنم روحی که خدا به ما داده است، در ما ترس بوجود نمی‌آورد، بلکه ما را سرشار از محبت، قدرت، سلامت، و کمال می‌کند (دوم تیموتائوس ۷: ۱). به او می‌گویم که در همه اوقات مشغول دعا برای او هستم تا شیطان مجال تسلط بر عقل سلیم را نیابد، بلکه قدرت خدا بر قدرت شیطان غلبه یابد.

حمد و سپاس نیز قدرتمند و مؤثر است چرا که وقتی خدا را عبادت می‌کنیم حضور خدا تا عمق جان و روح ما نفوذ کرده و آرامش، شفا و تحول را به ارمغان می‌آورد. "گرچه حقیقت وجود خدا کاملاً بر مردم روشن است اما ایشان هیچگاه حاضر به اعتراف وجود خدا و تکریم و تمجید او نیستند و برای برکاتی که

هر روز به آنها عطا می شود سپاسگزار نمی باشند. ایشان درباره وجود خدا و اراده او، عقاید احمقانه‌ای ابداع نموده و بهمین علت دلشان تیره و تار شده است" (رومیان ۱: ۲۱). نمی خواهید که اندیشه‌های پوچ و بیهوده قلب همسران را تیره و تار کند. سپاس از خداوند به سبب عقل سلیم و ذهن کامل شوهرتان باعث می شود وی مشیت الهی را تشخیص داده و با دلی روشن و استوار در آن گام بر دارد و از آنچه به او تعلق ندارد دوری گزیند.

افسردگی، تلخی، عصبانیت، ترس، طرد، ناامیدی، تنهایی، سرکشی، وسوسه و شر و بسیاری بیماریهای دیگر از ذهن شروع می شود و چنانچه از ابتدا کنترل ذهن خود را در دست نگیرید، این بیماریها عنان زندگی شما را در اختیار خواهند گرفت. و بهمین دلیل است که خدا دستور می دهد هر آنچه که به فکر ما راه می یابد بعنوان حقیقت نپذیریم. "آغوشم برای پذیرفتن مردمی که نسبت به من یاغی شده‌اند باز است. ایشان مردمی هستند که عنان زندگی خویش را در اختیار اندیشه‌هایشان قرار داده‌اند و این افکار آنها را به راههای نادرست سوق داده است" (اشعیا ۲: ۶۵). خداوند می‌خواهد که ما اندیشه و فکر او را داشته و در آن سهیم باشیم. "ما [ایمانداران] دارای فکر مسیح می‌باشیم و افکار او را درک می‌کنیم" (اول قرنیتان ۲: ۱۶). از خداوند برای همسرانمان طلب یاری می‌کنیم تا فکر و ذهن مسیح را داشته و از اسارت ذهنی انسانی رها شده و ذهن الهی بر وجودشان مستولی شود. آیا کسی هست که از حکمت و ذهن الهی بی‌نیاز باشد؟

دعا

پروردگارا، دعا می‌کنم ذهن شوهرم را محافظت نمائی. او را از نیرنگها و دروغهای دشمن در امان بدار. یاری‌اش کن تا به وضوح نداهای الهی را از وسوسه‌های شیطانی تمیز دهد. به او

نشان بده چگونه عنان فکر و ذهن خود را طبق فرمان تو در اختیار گیرد. باشد که او تشنه کلام و گرسنه حقیقت باشد تا بدینوسیله افکار و اندیشه‌های غلط را تشخیص دهد. به او نیروئی عطا کن تا در برابر افکار دروغ آمیز و فریبنده مقاومت کرده و بر آنها فائق آید. به او یادآوری کن که او از فکر و ذهن مسیح برخوردار است. روح مقدس را دعوت می‌کنم تا ذهن او را از همه دروغهائی که به او حمله کرده و فکر و جان او را غصب کرده، پاک کنی و ذهن و جانی خالی از دروغ به او عنایت فرمائی. پروردگارا تو به او قدرت بخشیده‌ای تا بر "همه نیروهای شیطان مسلط شود" (لوقا ۱۰:۱۹). با قدرت و اختیاری که به نام مسیح به من عطا فرموده‌ای به همه ارواح پلید و فریبده دستور می‌دهم از ذهن شوهرم خارج شوند و اعلام می‌کنم که خدا به (اسم شوهر) فکری سالم عنایت کند، ابهام و سردرگمی به اندیشه او راه نیابد بلکه او دارای ذهنی شفاف با قدرت درک عالی باشد. اندیشه‌های ناپاک و پلید، منفی و گناه آلود مایه عذاب او نشده بلکه خدا افکار و نگرش ایشان را منقلب کرده و به انسانی جدید تبدیل کند. پس آنگاه قادر خواهد شد اراده خدا را درک کند و آنچه را که کامل و مورد پسند اوست کشف کند (رومان ۲:۱۲).

باشد که "از قدرت عظیم خدا نیرو گرفته و با روح خداوند بر شیطان غلبه کند" (افسیان ۶:۱۰). به او کمک کن تا برای هیچ چیز غصه نخورد بلکه برای همه چیز دعا کند و خواسته‌هایش را به درگاه تو آورد و برای اجابت دعاهايش شکرگزار باشد. باشد که آرامش تو او را فراگیرد، آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست، این آرامش الهی که از طریق مسیح نصیب او شده، به او راحتی بخشد و او را محافظت کند (فیلیپیان ۴:۶، ۷). خدایا بگذار فکرش بر روی هر چه راست و درست است استوار گردد، درباره چیزهائی فکر کند که پاک و زیباست. در صفات خوب و پسندیده

دیگران تأمل کند، درباره چیزهایی فکر کند که می تواند خدا را برای آنها شکر کند و بوجود آنها خوش باشد (فیلیپیان ۴: ۸).



ابزار قدرت

گرچه انسانهایی عادی و ضعیف هستیم،
اما برای پیروزی در مبارزات روحانی خود
از نقشه ها و روشهای انسانی استفاده نمی کنیم.
ما قلعه های شیطان را با اسلحه نیرومند الهی
و نه با اسلحه انسانی و دنیوی در هم می کوبیم!
با سلاحهای روحانی، هر فلسفه و تفکر پوچی که بر ضد خداست،
در هم می شکنیم و هر مانعی را
که نمی گذارد مردم به خدا نزدیک شوند
از میان بر می داریم. مخالفین را اسیر می کنیم
و به حضور خدا باز می گردانیم
و به اشخاصی تبدیل می کنیم که قطعاً مطیع مسیح باشند.
دوم قرنیتان ۱۰: ۳-۵

پیروی از خواهشهای دنیوی و تمایلات نفسانی
چیزی جز مرگ و هلاکت به بار نمی آورد
اما پیروی از روح خدا، حیات و آرامش نصیبمان می گرداند.
رومیان ۸: ۶

چیزی در عمق وجودم، در طبیعت نفسانی من هست
 که با فکرم در جنگ و جدال می باشد
 و در این مبارزه پیروز می شود و مرا برده گناه می سازد،
 گناهی که هنوز در درون من وجود دارد.

رومیان ۷: ۲۳

در فکرم اراده می کنم که خدمتگزار جان نثار خدا باشم
 اما می بینم که هنوز اسیر گناه هستم.

رومیان ۷: ۲۵

خداوند را با تمام قلب و جان و فکر و نیروی خود دوست بدار.

مرقس ۱۲: ۳۰









فصل هشتم

ترسهای او

چیزهای بسیاری در این دنیا وجود دارند که ترس آور است. تنها آدم نادان این حقیقت را انکار می کند. اما در صورتیکه اجازه دهیم ترس و هراس بر ما سایه افکند، زندگی ما را تصرف می کند و ما را اسیر و برده خود می گردانند. از آنجائیکه مردان بدون اینکه حتی خود متوجه شوند گرفتار "اگرها" می شوند، اغلب آسیب پذیری شان به ترس زیاد است. اگر درآمد کافی نداشته باشیم چه؟ اگر اتفاقی برای همسر و بچه هایم بیفتد چه؟ اگر مبتلا به بیماری وحشتناکی شوم چه؟ اگر در حرفه ام شکست بخورم چه؟ اگر نتوانم پدر خوبی باشم چه؟ اگر معلول شوم و نتوانم خانواده ام را حمایت مالی کنم چه؟ اگر به کسی ظلم کنم یا مورد ظلم و تهدید واقع شوم چه؟ اگر از لحاظ جنسی ضعیف باشم چه؟ اگر مورد احترام کسی واقع نشوم چه؟ اگر دچار سانحه ای شوم چه؟ اگر بمیرم چه؟ ترس می تواند بر مرد مسلط (مزمور ۴۸: ۶) و باعث شود که عمرش هدر رود (مزمور ۷۸: ۳۳). "اگر وحشت بر او مستولی شود" (لوقا ۸: ۳۷) باعث می شود از موهبتها و وعده های خداوند بی بهره بماند.

دومین سال ازدواجمان بود که به اتفاق کشیش «جک» و همسرش «آنا» و چند تن از افراد کلیسا به ایتالیا، یونان، و اسرائیل

مسافرت کردیم. مایکل همیشه بهنگام سفر دچار نگرانی می شد. زمانی که به یونان رسیدیم خیلی استرس داشت. یک شب دیگر این خستگی و فشار جانش را به لبش رساند طوریکه گفت: "دیگر نمی توانم به این وضعیت ادامه دهم و می خواهم هرچه زودتر به خانه برگردم".

از او پرسیدم: "دقیقاً از چی می ترسی؟" جواب داد: "مطمئن نیستم، اما احساس می کنم اگر همین الان به خانه برنگردم همه زندگیم از هم می پاشد."

با اینکه دیر وقت بود به اتاق کشیش جک زنگ زدیم که بگویم فردا صبح هتل را ترک می کنیم و از ادامه تور منصرف شدیم. مطمئن بودم که آن وقت شب او خواب بود اما گفت: "همین الان می آیم آنجا". او فوراً به اتاقمان آمد و مایکل آنچه را که از آن رنج می برد به او گفت. کشیش جک دستش را با دلسوزی دور شانه مایکل انداخت و شروع به صحبت در مورد عشق پدر آسمانی نمود.

او گفت: "خداوند تو را به عنوان فرزند خود پذیرفته است، وقتی در حضور پدر قدرتمند، مهربان و دوست داشتنی هستی لازم نیست از چیزی هراس داشته باشی".

او برای مایکل دعا کرد تا او به روشنی عشق پدر آسمانی را دریافت کند و همچنین صحبت پدرانه ای با او داشت و با مهر و محبت به او آرامش داد. این عمل بسیار ساده مهربانانه و دلسوزانه که از روح القدس الهام گرفته شده بود چنان نیرومند بود که چشمان بصیرت و آگاهی مایکل را باز نمود و بدین ترتیب او قادر بود بر ترس خود فائق آید و ما تا آخر تور با بقیه گروه ماندیم. و چه کار فوق العاده ای کردیم چون من در اورشلیم حامله شده و نه ماه بعد پسرمان «کریستوفر» روز تولد کشیش جک متولد شد. چنانچه اجازه ندهیم ترس بر شرایط مسلط شود حوادث مهمی در زندگی ما رخ خواهد داد.

بین فکر هراسناک که در ذهن فرد جای می گیرد و او را ترغیب به دعا در مورد چیز بخصوص می کند با روح عذاب آور ترس که آدمی را فلج می سازد، تفاوت وجود دارد. شما نمی خواهید که قلب شوهرتان را از دریافت الهامات و رهنمودهای روح القدس بی نصیب کنید، بلکه می خواهید وی را در غلبه بر ترس خانمان برانداز حمایت کنید. "به شما نشان خواهم داد از چه کسی هراس به دل داشته باشید، از خدائی بترسید که هم قدرت دارد بکشد و هم به جهنم بیندازد. بله از او باید ترسید" (لوقا ۱۲: ۵) تنها ترس، ترس از خداست.

خداوند وعده داده که اگر با ترس و احترام او را عبادت کنید، شما را از چنگال دشمنانتان نجات خواهید بخشید (دوم پادشاهان ۱۷: ۳۹)، از شرّ و پلیدی دور نگاه خواهد داشت (امثال ۱۶: ۶)، هرگز محتاج و درمانده نخواهید بود (مزمور ۳۳: ۱۸)، رحمتش شامل حال شما خواهد شد (لوقا ۱: ۵۰)، به شما ثروت و عزت خواهد بخشید (امثال ۲۲: ۴)، نیازهایتان را تأمین خواهد کرد (مزمور ۳۴: ۹)، همه آنچه را لازم است بدانید بر شما آشکار خواهد کرد (مزمور ۲۵: ۱۴)، برکتش را بر فرزندان و نوادگانتان نازل خواهد کرد (مزمور ۱۰۳: ۱۷)، باعث اطمینان شما خواهد شد (امثال ۲۶: ۱۴)، هستی به شما بخشیده و شما را کامیاب خواهد نمود (امثال ۲۳: ۱۹)، عمرتان را طولانی تر (امثال ۲۷: ۱۰) و آرزوی آنانکه او را گرامی می دارند، برآورده خواهد ساخت (مزمور ۱۴۵: ۱۹). چه توقع بیشتری می توان انتظار داشت؟ دعا کنید تا محبت آرام بخش، مطمئن و کامل خداوند در دل شوهرتان جای گیرد و او را از تمامی هراسش برهاند.

دعا

پروردگارا، در کلام مقدست فرموده‌ای که "هیچ ترسی در محبت نیست. محبت کامل خدا هرگونه ترسی را در ما ریشه کن می‌کند. ترس مایه عذاب و رنجش آدمی است. آنکس که می‌ترسد هنوز یقین حاصل نکرده که خدا حقیقتاً او را دوست دارد و محبت کاملش را نثار او کرده است (اول یوحنا ۴: ۱۸). دعا می‌کنم محبت تو در وجود شوهرم شعلهور گردد تا به رشد و تکامل معنوی برسد و هرگز از هیچ چیز هراس به دل راه ندهد زیرا که محبت تو او را به کمال می‌رساند و به او قدرت می‌دهد تا بر روح عذاب آور ترس مسلط شود. روح ترس داده الهی نیست بلکه خدا به بشر قدرت، محبت و ذهنی سالم عنایت فرموده است (دوم تیموتائوس ۱: ۷). به نام مسیح دعا می‌کنم که ترس بر همسرم مسلط نشود، بلکه کلام مقدس تو در تک تک یاخته‌های بدن او نفوذ نموده و به او اطمینان بخشد که عشق و محبت تو برای او بسیار بزرگتر از هر چیزی است که با آن روبرو می‌شود و هیچ چیزی مانع از آن نمی‌شود که از محبت تو بی‌نصیب بماند.

دعا می‌کنم که همسرم اعتراف کند که تو پدری هستی با محبت بی‌دریغ و ابدی، قدرتی بی‌نظیر و حضوری که مایه آرام جان او بوده و بیم و هراس در آن راه ندارد. همین امروز او را از ترس ویرانگر رها کن و در دلش میل و اشتیاق پیروی از تو را جایگزین نما (ارمیا ۳۲: ۴۰). ای پروردگار بزرگ، راهت را به او بنما، او را یاری کن تا در راه حقیقت گام بردارد. شک و دودلی را از دلش بیرون بریز تا با تمام وجود نام تو را با ترس و احترام سپاس گوید (مزمور ۸۶: ۱۱). باشد که از مردمان هراسی به دل نداشته بلکه با اطمینان و جرأت کامل برخاسته و بگوید: "خداوند گره گشا و یاور من است. از انسان خاکی نخواهم هراسید، او چه آسیبی می‌تواند به من برساند؟" (عبرانیان ۱۳: ۶) "خداوند،

نیکوئیات در حق مطیعان تو که تو را با ترس پیروی می کنند، چه عظیم است!" (مزمور ۱۹:۳۱).

من به (اسم شوهر) می گویم " دلیر باش، نترس! مقاومت کن، زیرا خدای تو می آید تا انتقامت را از دشمنانت بگیرد و زحمات تو را جبران کند و تو را نجات دهد" (اشعیا ۴:۳۵). "عدل و انصاف در تو حکمفرما خواهد شد و تو از ظلم و آزار دیگران در امان خواهی ماند و در صلح و آرامش بسر خواهی برد و دیگر نخواهی ترسید" (اشعیا ۵۴:۱۴). "از بلاهای شب نخواهی هراسید و از حملات ناگهانی روز بیم نخواهی داشت. وبائی که در تاریکی می خزد تو را نخواهد ترساند و طاعونی که در روشنائی کشتار می کند تو را نخواهد هراساند" (مزمور ۹۱: ۵ و ۶). باشد که روح خداوند بر تو قرار گیرد: "روح حکمت و فهم، روح مشورت و قوت، روح شناخت و ترس از خدا" (اشعیا ۲:۱۱).



ابزار قدرت

فرشته خداوند دور آنانی که از خداوند می ترسند

و او را گرامی می دارند حلقه می زند

و ایشان را از خطر می رهاوند.

مزمور ۷:۳۴

خداوند را به کمک طلبیدم و او مرا اجابت فرمود

و مرا از همه ترسهایم رها ساخت.

مزمور ۴:۳۴

حتی اگر از دره تاریکی مرگ نیز عبور کنم،
 نخواهم هراسید، زیرا تو، ای شبان من، با منی!
 عصای تو به من قوت قلب می بخشد.

مزمور ۴:۲۳

نترس، چون من با تو هستم؛ نگران نشو، زیرا من خدای تو هستم
 من تو را قوت خواهم بخشید و یاری خواهم داد
 و تو را حمایت کرده، نجات خواهم بخشید.

اشعیا ۱۰:۴۱

خداوند نور و نجات من است، از که بترسم؟
 خداوند حافظ جان من است از که بهراسم؟

مزمور ۱:۲۷



فصل نهم

هدف او

هر کسی هدف و غایتی را دنبال می کند و این دلیل موجودیت ماست. هدف، رسالت، مقصد یا برنامه زندگی است هدف نهایی این است که خداوند را تکریم و تمجید نموده و مطابق خواسته او زندگی کنیم. مشیت الهی در زندگی هر یک از ما منحصر به فرد می باشد. شوهرتان لازم است به شناخت وجودی خود نائل شده و بداند به چه منظوری خلق شده است. شایسته است به این حقیقت دست یابد که حیات او تصادفی نبوده، بلکه طبق طرح الهی برای رسالتی عظیم روی زمین است. آنکس که رسالت زندگی اش را کشف می کند و بر اساس آن عمل می نماید، به گوهر درونی خویش پی برده و نیازهای معنوی و مادی او برآورده خواهد شد و این تنها عاملی است که به خوشبختی و سعادت او کمک می کند.

آنچه از بیست و پنج سال ازدواج یاد گرفته ام این است که زن نمی تواند به شوهرش فشار آورد تا آن آدمی که نیست باشد بلکه می تواند برای او دعا کند تا به آدمی نو تبدیل شود و طبق نقشه الهی و نه کس دیگر شکل گرفته و تکامل یابد. ماهیت وجودی ما با پذیرش دعوت خدا و انجام رسالت الهی در زندگی معین می شود. این خداست که " ما را برای خدمت به خود فرامی خواند، نه به دلیل لیاقت و شایستگی ما، بلکه به سبب این که پیش از آفرینش

جهان اراده فرموده بود لطف و محبت خود را بوسیله مسیح به ما نشان دهد" (دوم تیموتائوس ۱: ۹). شوهرتان "از همان ابتدا طبق نقشه عالی خداوند برگزیده و سرنوشت او مقدر شده است، خدائی که همه کارها بر حسب مشیت و اراده او صورت می‌گیرد" (افسیان ۱: ۱۱، ۱۲). با این حال شما بایستی دعا کنید تا شوهرتان دعوت خداوند را برای خدمت به او دریافت نماید تا ماهیت وجودی او و هدفی که در زندگی دنبال می‌کند با مشیت الهی برای زندگی‌اش در یک جهت قرار گیرد.

تشخیص اینکه آیا فرد مطابق نقشه و هدف الهی حرکت می‌کند دشوار نیست. با نگاهی به زندگی آدم بدون غایت و مقصد می‌توان به اضطراب و بی‌قراری او پی برد. احساس می‌کنید یک چیزی در زندگی او درست کار نمی‌کند، با اینکه نمی‌توانید دقیقاً تشخیص دهید آن مورد چیست. از یقین و اطمینان درونی فرد می‌توان پی برد که آیا وی به دعوت خدا لبیک گفته است و در راستای مسیر الهی گام برمی‌دارد و آیا مطابق خواسته او و طرح آفرینش به رسالت خویش مشغول است؟ چه احساسی درباره شیوه‌ای که شوهرتان در زندگی اتخاذ نموده دارید؟ آیا احساس ناراحتی و بی‌قراری می‌کنید و فکر می‌کنید تحقق خواسته و مشیت الهی در راهی که او پیش گرفته بنظر محال است، یا این راه به شکست، ناکامی و به ناکجاآباد ختم می‌شود؟ اگر چنین است دعا کنید و بگوئید: "پروردگارا، شوهرم را از مکانی که بدان تعلق ندارد دور کن. رسالت الهی ات را به او نشان بده و درها را بسوی او بگشا و او را به جائی رهسپار کن که از پیش برایش مقدر فرموده‌ای".

دعا کردن به این روش بدین معنی نیست که شوهرتان از کار فعلی‌اش دست بکشد. گرچه ممکن است چنین اتفاقی بیفتد، اما اغلب این نگرش شوهر شماسست که دستخوش تغییر می‌گردد. دوستی به نام «دیوید» سالها در یک کارخانه هواپیما سازی مشغول

بکار بود که دعوت خدا را در زندگی‌اش دریافت نمود و فهمید باید به نوجوانان گرفتار در خانواده‌های کم درآمد کمک کند. ولی می‌دانست برای انجام مأموریت خدا لازم نیست کارش را ترک کند. طوری همه چیز پیش رفت که نه تنها پول کافی برای تأمین خانواده در می‌آورد بلکه ساعاتی را نیز که برای انجام رسالتش لازم داشت، پیدا می‌کرد. او بین خانواده‌های نیازمند غذا توزیع می‌کرد، کنسرت‌های مجانی برای نوجوانان فقیر ترتیب می‌داد، مسیحیت را به گمراهان بشارت می‌داد و مذاکرات صلح بین طرفین دعوا برقرار می‌کرد. او تا آنجا که در حد توان یک مرد بود کوشش کرد تا شهری را که بخاطر نزاع و درگیری از هم متلاشی شده بود، مجدداً مستقر و پایرجا نماید. این کار به هیچ وجه ساده نیست، اما امید تحقق و موفقیت وجود دارد. با نگاهی به زندگی این مرد بطور قطع می‌توان به هدفدار بودن آن پی برد. دیوید از لحاظ جثه آدم تنومندی نیست اما از نظر روحانی بسیار قدرتمند می‌باشد و ملاقاتی کوتاه با وی این حقیقت را ثابت می‌کند. همسرش «پریسیلا» دعوت خدا برای خدمت رسانی به مردم فقیر شهر را برای شوهرش پذیرفت و در این امر از هر طریقی که ممکن باشد همسرش را یاری می‌کند.

هر آنچه خداوند برای زندگی شوهرتان فراهم کرده، به شما نیز مأموریت حمایت از شوهرتان را سپرده تا بخشی از خدمت او باشید. حتی اگر این خدمت از طریق دعا، تشویق و هر روش ممکن دیگر باشد. برای بعضی زنان حمایت از شوهر می‌تواند مهیا نمودن خانه‌ای مرتب و منظم، تربیت فرزندان، حضور همیشگی و دعا باشد. سایر زنان ممکن است نقش فعالانه‌ای بر عهده گرفته و بعنوان شریک از شوهرانشان حمایت کنند. در هر یک از این حالات، خداوند نمی‌خواهد که شما شخصیت وجودی خویش را انکار نمایید. شما نیز برای انجام کاری فرا خوانده شده اید که با رسالت شوهرتان در یک راستا خواهد بود و تضادی با

یکدیگر نخواهند داشت. خداوند ابهام و سردرگمی، درگیری و نزاع یا موقعیت های غیر قابل انجام را بوجود نمی آورد. او خدائی است که همه چیز را در موقع مناسب خود انجام می دهد. کتاب مقدس می گوید: برای هر چیز زمانی است. رسالتی که خداوند هریک از شما را مأمور انجام آن کرده، در زمان کامل و مقرر بوقوع خواهد پیوست، اگر آن را به خدا واگذار کنیم.

اگر شوهرتان هم اکنون در جهت هدفی که خداوند برای او منظور داشته قدم بر می دارد، یقین داشته باشید که شیطان می خواهد بر روحش مسلط شده و بذر ترس و دودلی را در وجود او بکارد بویژه اگر هنوز موفق به دریافت تصویر کامل از هدفی که دنبال می کند نشده است. دعاهاى شما یأس را از ذهن و فکر شوهرتان دور ساخته و نمی گذارد بر او چیره شود. دعا کمک می کند شوهرتان الهامات و حقایق الهی را شنیده و از آنها اطاعت و پیروی نماید و زندگی هدفداری را در پیش گیرد.

دعا

پروردگارا، دعا می کنم (اسم شوهر) به روشنی دعوت تو را در زندگی شنیده و نقشه ای را که تو برای او داری، دنبال کند. به او کمک کن تا خود را در مسیح بشناسد. به او اطمینان بده که برای هدفی عالی آفریده شده است. باشد که چشمان بصیرت او روشن شده تا بتواند گوشه ای از برکاتی را که تو برای آینده ما در نظر گرفته ای به روشنی دریابد (افسیان ۱: ۱۸).

پروردگارا، وقتی تو ما را برای انجام مأموریتی فرا می خوانی قدرت انجام آن را نیز به ما عنایت می کنی؛ به او قدرتی عنایت کن تا مطابق خواسته تو قدم برداشته و به شایستگی آن را به انجام رساند و به حقیقت وجودی خویش مطابق طرح آفرینش دست یابد. رسالت او را به او یادآور شو و نگذار ذهنش متوجه مسائل

جانبی که از اصل هدف تو دور است شود. نگذار یأس بر زندگی او سایه افکند. به او دیدی وسیع و عظیم عطا فرما تا به شرایط فعلی نگاه نکند بلکه به هدفی که تو برای او مقرر داشتی چشم بوزد. به او صبری عطا کن تا برای زمان مقرر تو انتظار بکشد. دعا می کنم خواسته ها و تمایلات قلبی اش در تضاد با خواسته های تو نباشد. بآدا که هدایت تو را در زندگی بطلبد و الهامات تو را دریافت کند.



ابزار قدرت

خدا به هر کس نعمتی بخشیده است،
به یکی این نعمت را عطا کرده و به دیگری آن نعمت را.
اول قرنیتان ۷:۷

خداوند به هر کس موهبتی عطا فرموده
و هر کس را به انجام کار خاصی گمارده،
پس اجازه دهید خواست خداوند محقق شود.
اول قرنیتان ۱۷:۷

ما به دعای خود برای شما ادامه می دهیم
تا خدا شما را برای خود فرزندان شایسته بسازد و
نیکوئی جانبخش او در زندگی شما محقق شود،
و با قدرت خود اعمال شما را که از ایمان سرچشمه می گیرد،
کامل کند.
دوم تسالونیکیان ۱۱:۱

از خدا که پدر پر جلال مسیح است درخواست می کنم
 که به شما حکمت عطا نماید تا بطور روشن و کامل درک کنید
 که مسیح کیست و چه فداکاریهایی در حق شما انجام داده است.
 دعا می کنم که چشم دل شما روشن شود تا بتوانید گوشه‌ای
 از برکاتی را که خداوند برای آینده ما در نظر گرفته است ببینید و
 به این حقیقت پی برید که ارثی که خدا برای مؤمنین تدارک دیده،
 چقدر پرشکوه و غنی است.

افسیسیان ۱: ۱۷ - ۱۹

باشد که خداوند آرزوی دلت را برآورد
 و تو را در همه کارهایت موفق سازد.
 مزمور ۴: ۲۰



فصل دهم

انتخابهای او

شوهرم دست به معامله تجاری زد که من از آن اطلاعی نداشتم. وقتی در جریان قرار گرفتم که دیگر معامله انجام شده بود. از لحظه‌ای که در جریان این معامله قرار گرفتم، احساس خوبی نسبت به آن نداشتم. ایده و تصویری که شوهرم از این معامله داشت، بسیار عالی و فوق العاده بنظر می‌رسید، اما نمی‌توانستم از دلهره و اضطرابی که در دل داشتم خلاصی یابم. در حقیقت، هر چه بیشتر دعا می‌کردم، این احساس در من شدت می‌یافت. وقتی موضوع را با شوهرم در میان گذاشتم او با حالت دفاعی گفت "تو به من اعتماد نداری که بتوانم تصمیم درستی بگیرم!" او برای من روشن کرد که این چیزی بود که همیشه می‌خواست و دلش نمی‌خواهد حرفی غیر از آن بشنود.

دعا تنها کاری بود که می‌توانستم بکنم. از خدا خواستم اگر اشتباه می‌کنم آن را به من نشان دهد، و به او گفتم "دوست دارم این ایده موفق شود، چون ظاهراً ایده بسیار خوبی است، اما اگر آنچه حس می‌کنم درست است به موقع به شوهرم نشان بده تا دست از این معامله بکشد. حقیقت را به او نشان بده و این معامله را متوقف کن."

در یازدهمین ساعت، درست قبل از اینکه قراردادها به امضاء برسد، چشمان مایکل ناگهان به مسائل چندی باز شد که نیت حقیقی طرف دیگر قرارداد را زیر سؤال برد. خداوند همه چیز را براو آشکار ساخت و کل معامله لغو شد. گرچه پذیرش این اتفاق برای او در آن زمان بسیار دشوار بود با این همه بسیار قدردان بود از اینکه از اندوه و تأسف ناشی از این معامله جان سالم بدر برده است.

چندی بعد وقتی که مشغول نگارش این کتاب بودم، از شوهرم پرسیدم کجا بیشترین اثر دعا‌های مرا عیناً شاهد بوده است. یکی از چیزهائی که او عنوان کرد این بود که دعا به او کمک کرد تا دست به انتخابهای خوب و مناسب بزند. او در ادامه توضیح داد "وقتی لازم بود تصمیمات مهمی بگیرم و پیشنهادات خاصی به من می‌شد، دعا‌های تو چشم و گوش مرا باز می‌نمود و مانع از انعقاد قراردادهائی می‌شد که نتایج خوبی در پی نداشت."

بایستی به خاطر داشته باشیم که ما انسانها فکر می‌کنیم هر کاری که می‌کنیم درست است. "اما تمام کارهای انسان به نظر خودش درست است" (امثال ۲۱:۲). اما خداوند تنها کسی است که می‌تواند به ما قدرت تشخیص درست و واقعی را ببخشد. اگر از خداوند بخواهیم او به ما حکمت عنایت می‌کند و خرد و حکمت موجب موفقیت می‌شود (جامعه ۱۰:۱۰) و ما را توانمند می‌سازد تا از تجارب زندگی درس بگیریم (امثال ۱۵:۳۱). ما می‌خواهیم شوهرانمان مردان دانا و فرزانه‌ای باشند.

خلاف مرد عاقل و دانا، آدم احمق و کم عقل است. انجیل آدم احمق را همچون فردی توصیف می‌کند که "فقط بر نقشه‌های خود تکیه می‌کند" (امثال ۲۸:۲۶) و سخنان حکیمانه و خردمندانه را خوار و حقیر می‌شمارد (امثال ۹:۲۳). آدم احمق سخن پذیر نیست و فقط دوست دارد خود را دانا نشان داده و حرف بزند (امثال ۲:۱۸). به عبارت دیگر، آدم احمق برای حکمت ارزش قایل نیست

و گوش شنوا برای شنیدن چیزی ندارد و تنها بر پا کننده نزاع و مشاجره است (امثال ۲۰:۳) و وقتی می خواهی به او سخن حکمت آمیز بیاموزی، عصبانی شده و با گستاخی و تکبر همه چیز را بهم می ریزد (امثال ۱۴:۱۶). آدم احمق کسی است که قادر به ارزیابی درست و کامل عواقب اعمال خود نیست، در نتیجه دست به انتخابهای سفیهانه و جاهلانه می زند. اگر همسری دارید که چنین عمل می کند، برای ایشان دعا کنید تا به خرد و حکمت آراسته شود. اگر شوهرتان دست به کارهای احمقانه و نسنجیده نمی زند اما گاه رفتار جاهلانه و احمقانه‌ای از خود صادر می کند سعی نکنید او را درست کنید. خداوند تنها کسی است که قادر به انجام آن است. کار شما این است که برای او دعا کرده و بدو عشق بورزید. کتاب مقدس می گوید: "خدا ترسی اساس حکمت است و شناخت خدای مقدس انسان را دانا می‌کند" (امثال ۹:۱۰). این بدین معناست که برای شوهرتان دعا کنید تا در دل از خدا هراس داشته باشد و از مشورت نیکوکاران و خدا ترسان بهره مند شود. "خوشا بحال کسی که با بدکاران مشورت نمی کند و راه ایشان را در پیش نمی گیرد" (مزمور ۱:۱). اگر برای شوهرتان دعا می کنید تا از فهم و حکمت و مشورت نیکوکاران برخوردار باشد، حتی اگر تصمیمات بدی گیرد، آسوده خاطر خواهید بود، چون می دانید که وظیفه خود را انجام داده‌اید و خداوند نتایج خوب و عالی عاید شما خواهد کرد. بیشتر زندگی ما متأثر از تصمیماتی است که شوهرانمان می‌گیرند، پس بسیار خردمندانه است تا دعا کنیم به انتخابهای خوب و درستی دست بزنند.

دعا

پروردگارا، به شوهرم دلی خدا ترس عطا کن و به او برای هر تصمیمی که می گیرد فهم و بصیرت عطا کن. باشد که تو را و

روشهای تو را با احترام اطاعت کند و در جستجوی حقیقت باشد. به او بصیرتی عطا کن تا بر اساس الهامات تو تصمیم گیرد. او را یاری کن تا راههای الهی را برگزیند و دست به کارهای احمقانه و جاهلانه نزند. قلب او را آکنده از فهم و حکمت کن و به او قدرت تشخیص اشتباهات را بده تا از آنها بپرهیزد. چشمان او را بگشا تا به روشنی عواقب کار مورد نظرش را ببیند.

دعا می کنم که او به نصایح نیکان گوش فرا داده و مردی تعلیم پذیر باشد. به او قدرت بده تا با بدان معاشرت و مشورت ننماید و نصایح ایشان را قبول نکند، بلکه به نصیحت تو ارج نهاده و مطابق آن عمل کند. اعلام می دارم گرچه "نقشه های زیادی در دل آدمی می گذرد، اما آنچه مطابق با مشیت الهی توسست، اجرا خواهد شد" (امثال ۲۱: ۱۹). حتی شب هنگام نیز که در بستر آرمیده است او را تعلیم بده (مزمور ۷: ۱۶) تا در روز بر اساس خواهشهای نفسانی خود عمل ننماید بلکه در راه درستی که تو رهنمون ساختی قدم بردارد. می دانم که حکمت و دانائی این دنیا در نظر تو ای خدا حماقتی محض است (اول قرنتیان ۱۹: ۳). بادا که زیرکی اش دامی برای او و حکمتش مایه لغزش و سقوط او نگردد، بلکه هوش و حکمت واقعی را در تو جستجو نموده و به هدایت های تو گوش جان سپرد.



ابزار قدرت

مرد دانا با شنیدن و گوش دل سپردن داناتر شده
و به چشمه فهم و بصیرت تبدیل می شود،
و مرد فهیم و دانشمند، چاره اندیشی کسب می کند

و از مشورت نیکان بهره مند می شود.

امثال ۵:۱

به حکمت خود اعتماد نکن، خداوند را با ترس و احترام اطاعت کن
و از شرارت و پلیدی بر حذر باش.

امثال ۷:۳

نخستین قدم برای کسب دانش، خدا ترسی است.
کسی که حکمت و ادب را خوار می شمارد، احمق است.

امثال ۷:۱

اگرچه نام مرا صدا زنید، جوابی نخواهم داد،
اگر با اشتیاق بدنبالم بگردید، مرا نخواهید یافت
زیرا از دانایی و حکمت بیزار بوده و ترسی از خدا در دل نداشتید.
از نصیحت من بی بهره خواهید بود زیرا نکوهش مرا پست شمرده
و آن را نپذیرفتید.

امثال ۲۸:۱ - ۳۰

مرگ در انتظار کسانی است که از راه حکمت منحرف می شوند.

امثال ۱۶:۲۱









فصل یازدهم

سلامتی او

سالها بود که شوهرم اهمیتی به ورزش نمی داد، من با صحبت ها و سخنرانی های خود، گذاشتن مقالات مجلات بر سر راهش، و با التماس و زاری که نمی خواهم بیوه شوم سعی می کردم او را متقاعد کنم که ورزش کند، اما حاصل همه این تلاشها با یک پلک بر هم زدن و نشنیده گرفتن حرفهای من تمام می شد. بعد یک روز این عقیده فوق العاده به ذهنم رسید که اگر دعا در سایر جنبه های زندگی سودمند و عملی است بایستی برای این یکی هم کار کند. تصمیم گرفتم که روش "حرف نزن و دعا کن" را پیش گرفته و از خدا بخواهم به شوهرم اشتیاق و انگیزه تمرین ورزشی منظم را بدهد. چند ماهی بدون هیچ نتیجه ای گذشت. اما یک روز صبح صدای غریبی از اتاق بغلی شنیدم. بدنبال صدا رفتم و با کمال تعجب دیدم که شوهرم روی تسمه دو در حال دویدن است، ولی حرفی نزدم. از آنموقع تا حالا سه روز در هفته به دو و وزنه برداری مشغول است. بعدها اعتراف کرد که چقدر احساس بهتری می کند و ای کاش خیلی زودتر از اینها این کار را شروع کرده بود. من جلوی خودم را گرفتم و به خودم اجازه ندادم کلمات "من که به تو گفته بودم" از دهانم خارج شوند. تا به امروز او نمی داند که برای او دعا کردم.

نمی‌توانید با استناد به سن و یا شرایط بگوئید که همسرتان قطعاً سالم است. برای او دعا کنید تا به درستی از خودش مراقبت کند و اگر مریض شد برای شفای او دعا کنید. دعا‌های بسیاری را، چه در زندگی خودم و چه در دیگران دیده‌ام که اجابت شده‌اند و جای هیچ شک و تردید نیست که خدائی که در انجیل وعده شفا می‌دهد، خدای دیروز، خدای امروز و خدای فرداست. من ایمان دارم وقتی خدا وعده‌ای می‌دهد به آن عمل می‌کند. خداوند می‌فرماید: "من خدائی هستم که شفا می‌دهد" (خروج ۱۵: ۲۶). من به دعاى ارمیا ایمان دارم وقتی گفت: "خداوند، تنها تو می‌توانی مرا شفا بخشی" (ارمیا ۱۷: ۱۴). من به وعده او یقین دارم وقتی می‌فرماید: "سلامتی و تندرستی را به تو باز خواهم گرداند و زخم‌هایت را شفا خواهم داد" (ارمیا ۳۰: ۱۷).

مسیح "ضعف‌های ما را برطرف کرد و مرض‌های ما را بر خود گرفت" (متی ۸: ۱۷). او به حواریونش قدرت داد تا "ارواح ناپاک را بیرون کرده و هر نوع بیماری و مرض را شفا دهند" (متی ۱۰: ۱). مسیح فرمود: "کسانی که ایمان بیاورند با قدرت من کارهای بسیار خواهند کرد. ... ایشان بر بیماران دست گذاشته و آنان را شفا خواهند داد" (مرقس ۱۶: ۱۷، ۱۸). بنظر میرسد خدا مشتاق شفاست و هیچ محدودیت زمانی مانع از آن نمی‌شود. تنها ایمان فرد است که باعث شفای او می‌شود (متی ۹: ۲۲).

شوهرم به من گفت که دعا‌های من بزرگترین تأثیر را بر او زمانی داشت که متوجه شد چندین تومور در بدنش وجود دارد و دکتر اطمینان داشت که سرطانی هستند. دکتر دوم نیز به سرطانی بودن تومورها شک کرد و سرانجام از آنها نمونه برداری کردند. در طول روزهایی که منتظر جواب بودیم، مایکل دچار نگرانی و اضطراب می‌شد. اما گفت دعا‌های من برای سلامتی و آرامش او به او صبر و طاقت می‌داد. تا اینکه نتایج نمونه برداری نشان داد

که تومورها سرطانی نیستند. تومورها برداشته شد و پس از آن هیچ مشکلی تاکنون متوجه سلامتی او نبوده است.

با اینحال بخاطر داشته باشیم که حتی اگر دعا کنیم و ایمان داشته باشیم، نتایج و زمان به اراده خدا بستگی دارد. خداوند می‌فرماید: "زمانی برای شفاست" (جامعه ۳:۳). چنانچه برای شفا دعا می‌کنید و اتفاقی نمی‌افتد خود را خسته نکنید. گاهی خداوند از بیماری جسمانی استفاده می‌کند تا توجه شوهرتان را به خود جلب کند و درسی که او باید از این شرایط بیاموزد، فراگیرد. به دعا ادامه دهید اما بدانید تصمیم خداوند تعیین کننده نهائی شرایط می‌باشد.

همین امر در مورد مرگ و حیات فرد نیز صادق است. مطابق سخنان ما بر مرگ و زندگی کسی حکم نخواهد شد. در کتاب مقدس آمده "زمانی نیز برای مرگ هست" (جامعه ۲:۳). این خداست که زمان آن را تعیین می‌کند نه شما و چاره‌ای هم جز پذیرش آن نیست. ما می‌توانیم دعا کنیم اما این خداست که تصمیم نهائی را می‌گیرد. بایستی بدون انزجار، مقصر دانستن خدا یا عصبانی شدن از او این تصمیم را به او واگذار کنیم. برای سلامتی همسرتان دعا کرده و آن را به دستان شفا بخش خدا بسپارید.

دعا

پروردگارا، برای روح شفابخش تو در وجود (اسم شوهر)
دعا می‌کنم. باشد که هر قسمت از بدن او همانطور که تو خلق کردی، عمل کند. به هر قسمت از بدن او که در تعادل نمی‌باشد، نظم و هماهنگی عطا کن. هر گونه بیماری، جراحت، ضعف و کسالت او را شفا بخش. به بدن او نیرو بده تا تاب و تحمل کار را داشته باشد. باشد که با استراحت و آرامش کامل، شاداب و بانشاط

از خواب برخیزد. به او دلی با شهامت عنایت کن تا چیزی بر آن مسلط نشود و هیچگاه مبتلا به سکنه قلبی نشود.

دعا می کنم اشتیاق مراقبت از بدنش را داشته باشد. رژیم غذایی سالم و مناسب داشته باشد و بطور منظم ورزش کند و از هر آنچه برای او مضر است پرهیزد. به او حکمتی عنایت کن تا دریابد تو در وجود او ساکن هستی و نباید خانه تو را آلوده و بدان صدمه بزند (اول قرنیتان ۱۶:۳). دعا می کنم که او بدن خود را مانند قربانی زنده و مقدس به تو تقدیم کند و مورد پسند تو واقع گردد (رومیان ۱:۱۲).

دعا می کنم به او تاب و تحمل بیماری را داده و او را بهبود بخشی. او را سرمست از شادی و خوشی خودت کن تا به آن نیرومند گردد. بویژه برای (مورد نگرانی خود را ذکر کنید) دعا می کنم. اعتقاد به شفا و سلامتی را در او افزایش بده تا با یقین به درگاه تو آمده و بگوید "ای خدا، ای خدای من، نزد تو فریاد بر می آورم و از تو کمک می طلبم و تو مرا شفا می دهی و از چنگال بیماری نجات می دهی (مزمور ۲:۳۰)، تو را سپاس می گذارم، ای پروردگار، تو شفا دهنده و نجات دهنده من هستی". دعا می کنم که شوهرم زندگی سالم و طول عمر طولانی داشته باشد و آنگاه که زمان مرگ او فرا می رسد از آن با آرامش و راحتی استقبال نماید و دچار عذاب و اندوه نگردد. از تو سپاسگزارم ای پروردگار که از ورود او به حضور مقدست استقبال خواهی کرد و در لحظات مقرر مرگ او را تنها نخواهی گذاشت.



ابزار قدرت

ای جان من، خداوند را ستایش کن
و مهربانیهای او را فراموش مکن.
او تمام گناهانم را می آمرزد و همه مرضهایم را شفا می بخشد.
مزمور ۱۰۳: ۲، ۳

ایشان در گرفتاری خود، نزد خدا فریاد برآوردند
و او ایشان را از گرفتاریها رهائی بخشید.
او با کلام خود آنها را شفا بخشید و از مرگ نجات داد.
مزمور ۱۰۷: ۱۹ و ۲۰

دعای تو را شنیده و اشکهای تو را دیده ام و تو را شفا خواهم داد.
دوم پادشاهان ۵: ۲۰

رحمت تو همچون سپیده دم خواهد تابید،
امراض ما بلادرنگ شفا خواهد یافت،
حضور پر جلال تو همیشه با ما خواهد بود
و تو ما را از هر طرف محافظت خواهی کرد.
اشعیا ۵۸: ۸

من ایشان را شفا داده، سعادت، آسایش و
حقیقت را بر ایشان نازل خواهم کرد.
ارمیا ۶: ۳۳









فصل دوازدهم

حفاظت او

بارها شده داستانهای از مردانی در میدانهای نبرد شنیده‌ایم که درست در همان لحظه که خطر بزرگی ایشان را تهدید نموده است، بطور معجزه آسائی نجات یافته‌اند و بعد فهمیده‌اند کسی در همان لحظه بخصوص برای ایشان دعا کرده است. شوهران ما هر روز در میدان نبرد هستند. خطر همه جا در کمین است. فقط خدا می‌داند که دشمن چه دامهایی برای ما گسترده است تا تصادف، بیماری، شر و پلیدی، خشونت و ویرانی را به زندگی ما فراخواند. هیچ مکانی حتی خانه‌های خود ما امن نیست. اما خدا فرموده است که حتی اگر "بدکاران، نیکوکاران را هدف قرار دهند و در صدد برآیند تا آنها را از بین ببرند، خداوند ایشان را بدان حال وانگذاشته و نخواهد گذاشت به دست بدکاران هلاک شوند" (مزمور ۳۷: ۳۲، ۳۳). او وعده می‌دهد که "مثل سپر از تمام کسانی که به او پناه می‌برند، محافظت کند" (امثال ۵: ۳۰). او حتی بخاطر ایمان ما سپر کسانی می‌شود که برای ایشان دعا می‌کنیم.

من همیشه برای شوهرم و بچه‌ها دعا کردم که بهنگام مسافرت با ماشین، صحیح و سالم به مقصد برسند. اما یکروز صبح اندکی پس از خروج پسر کوچکمان و شوهرم به مدرسه،

مایکل تلفن زد و گفت "درست چند لحظه پیش تصادف کردیم اما حال هر دوی ما خوب است".

بلادرنگ به محل سانحه رفتیم. در بین راه خدا را شکر می‌کردم که هر دو سالمند و صدمه‌ای ندیده‌اند، همانطور که سالها برای آنها دعا کرده بودم. وقتی به محل رسیدم با دیدن ماشین کم بود از حال بروم. ماشین خیلی بزرگتری از بغل به ماشین اسپورت مایکل زده بود و ماشین به طرف دیگر جاده پرت و به دیواره بتنی پرس شده بود. ماشین چنان صدمه دیده بود که شرکت بیمه آن را خسارت کامل اعلام نمود. تنها طریقی که می‌توان علت در امان ماندن مایکل و کریستوفر را شرح داد، دست محافظ خدا بود. روی سینه و شانه‌هایشان به خاطر کمربندهای ایمنی آثار کبودی دیده می‌شد، اما می‌توانست خیلی بدتر از این باشد طوریکه بمیرند. من یقیناً ایمان دارم که خداوند جواب دعا‌های مرا برای حمایت از خانواده‌ام داد. (هنوز منتظر جواب دعا‌هایم برای شوهرم می‌باشم که دیگر ماشین اسپورت نخرد!).

در جلسه دعای زنان، من و بقیه گروه مرتباً برای سلامتی و امنیت شوهرانمان در هواپیما، ماشین، محل کار، یا پیاده روی خیابان دعا می‌کنیم. حتی مجبور نیستیم به طور خاص به همه خطرات فکر کنیم، ما فقط از خدا می‌خواهیم تا آنها را از صدمه و آسیب حفظ کند. او به فرشتگان خود دستور می‌دهد "تا هر کجا که هستند، از آنها حمایت و محافظت کنند و آنها را روی دست خود بگیرند تا پایشان به سنگ نخورد". (مزمور ۹۱: ۱۱، ۱۲). اما حادثه هیچ وقت خبر نمی‌کند. حتی برای آدم‌های نیک، گاهی حوادث غیر مترقبه و ناگهانی پیش می‌آید. به همین دلیل است که دعا برای همسران بایستی بصورت مکرر و مداوم انجام گیرد. خطر همیشه در کمین است و شما زمان آن را نمی‌دانید و چنانچه اتفاقی بیفتد اطمینان و آرامش خاطر دارید که حضور خدا و قدرت او را برای حمایت و حافظت فرا خوانده‌اید.

دعا

پروردگارا، دعا می کنم (اسم شوهر) را از هر تصادف، اتفاق، بیماری، خطر، یا دام شیطان در پناه خود حفظ کنی. او را در ماشین و هواپیما ایمن نگه دار. او را از نقشه های پلید مردم شرور و از خشونت پنهان کن. هر جا که قدم می گذارد جای پایش را محکم و ایمن ساز. او را در پناه خودت حفظ کن و به راه خودت رهنمون ساز تا پایش نلغزد و از راه تو منحرف نشود (مزمور ۵: ۱۷). و اگر پایش لغزد و از راه تو منحرف شد، به فریادش برس و مگذار بیفتد و به رحمت خودت دست او را بگیر (مزمور ۱۸: ۹۴). به او حکمت و بصیرت عنایت کن تا در راهی که می رود از چنگال دشمن و خطر در امان باشد (امثال ۳: ۲۱-۲۳). قوت او، سلاح او، سپر او، قدرت او و پناه جان او باش (زبور ۳: ۱۸). او را در زیر سایه بالهای خود بگیر و از او مراقبت کن (مزمور ۹۱: ۱-۲). نجات دهنده و پناهگاه او باش تا هرگز شکست نخورد و دلش نلغزد (مزمور ۶: ۲۶). دعا می کنم اگر چیزهای بدی در اطرافش اتفاق می افتد، به او آسیبی نرسد (مزمور ۷: ۹۱) او را از حيله ها و نقشه های شیطان که قصد جانش را دارند، نجات بده (مزمور ۴: ۱۰۳). رفت و آمد او را زیر نظر داشته باش و پیوسته از او مراقبت کن (مزمور ۸: ۱۲۱).



ابزار قدرت

آنکه به خدای قادر مطلق پناه می برد،
زیر سایه او در امان خواهد بود.

من به خدا خواهم گفت " او پناهگاه و مأمن من است،
او خدای من است، من به او توکل می کنم."

مزمور ۹۱: ۱-۲

در روزگار سختی، او مرا در خانه خود پناه خواهد داد،
او مرا در محل امن خود حفظ خواهد کرد،
او مرا بر صخره ای بلند و مطمئن استوار خواهد ساخت.

مزمور ۲۷: ۵

حتی اگر از دره تاریک مرگ نیز عبور کنم نخواهم ترسید،
زیرا تو، ای شبان من، با منی!
عصای تو به من قوت قلب می بخشد.

مزمور ۲۳: ۴

خداوند، جان پناه من است و مرا نجات می بخشد.
خدایم قوت قلب من است به او پناه می برم،
او همچون سپر از من محافظت می کند
به من پناه می دهد و با قدرتش مرا می رهاوند.
ای خداوند تو شایسته پرستش هستی
چون آنگاه که تو را به کمک می طلبم،
تو مرا از چنگ دشمن می رهانی.

مزمور ۱۸: ۳ و ۲

ای که با دست پر قدرتت کسانی را که به تو پناه می آورند
از دست دشمنان می رهانی، محبت بی دریغت را به من بنمایان
از من مواظبت نما و مرا زیر سایه خود پنهان کن.

مزمور ۱۷: ۸ و ۷



فصل سیزدهم

آزمایشات او

هر کسی با مشکلات سخت روبرو می شود و این نبایستی باعث شرمندگی باشد. گاهی دعا کمک می کند از این دشواریها اجتناب کنیم. نگرش ما نسبت به دشواریهاست که بیشترین اهمیت را دارد. اگر با عصبانیت و تلخی با آن مقابله کنیم یا به خدا ناله و مویه کنیم و او را مورد نکوهش قرار دهیم، اوضاع رو به بدی می گذارد. اما اگر با دلی سپاسگزار از مشکلات استقبال کنیم خداوند درهای سعادت و نیکبختی را به روی ما می گشاید. او می فرماید "وقتی مشکلات و آزمایشات سخت از هر سو به شما هجوم می آورند، بسیار شاد باشید. زیرا در آزمایش و سختی هاست که صبر و تحملتان فزونی می یابد" (یعقوب ۱: ۳ و ۲).

ممکن است دعای زن برای همسرش در زمان سختی اوضاع را چندان تغییر ندهد زیرا مشیت الهی بر این است که او برخی از این مشکلات را تجربه نماید و به رشد و تکامل معنوی برسد. گذشته از اینها، اگر شرایط سخت و نامساعد زندگی را تجربه نکنیم به افرادی تهی، بدون رحم و شفقت، قسی القلب و بدون صبر و گذشت بدل می شویم. اما دعا کمک می کند شوهرتان نگرشی مثبت به مشکلات داشته و با قدرشناسی، امید، صبر و آرامش با آنها

روبرو شود و مانع از آن می شود که واکنش منفی او نسبت به تجربیات ناخوشایند او را از پاداش محروم سازد.

«دیوید» شوهر دوستم «جین» بخاطر نیش عنکبوت سمی با مرگ دست و پنجه نرم می کرد. هر دو زمان وحشتناکی را سپری می کردند. این گرفتاری بیش از یکسال طول کشید و این در حالی بود که دیوید سعی می کرد از مشکلات جسمانی ناشی از آن اتفاق جان سالم به در برد. علاوه بر این مشکل، آنها به تازگی به ایالت جدیدی نقل مکان کرده و از خانواده، دوستان و کلیسا دور افتاده بودند و مشکل مالی هم مزید علت شده بود. صورت حساب دکترهای زیادی را باید می پرداختند. دلائل زیادی وجود داشت که آنها می توانستند به خاطرش عصبانی و تلخ باشند اما هرگز به خودشان اجازه ندادند از حمد و ستایش خدا دست بکشند و هرگز امید خود را از منبع اصلی یعنی خدا قطع نکردند.

جین با همه اشکهایی که ریخت و ترسهایی که در دل داشت با جدیت و اشتیاق دعا کرد که دیوید در این نبرد ناامید و دلسرد نشود بلکه با قدرت خدا تا آخر ایستادگی نموده و از مشکلات هراسی به دل راه ندهد. خداوند از آنها حفاظت نمود و دیو حالش بهتر شد. همه گنجینه های دنیا از آن ایشان بود چون خدا را داشتند. نه فقط آن، بلکه سه فرزندشان هم ایماندارانی قوی بودند و موهبت ها و استعدادهایشان را برای تکریم و تمجید خداوند بکار می گرفتند. دیوید در کلیسائی به عنوان رهبر گروه ارکستر مشغول بکار شد و اکنون همراه همسرش جن کلیسای بسیار موفقی را رهبری می کند. زندگی این دو گواهی بر نیکوئی و عظمت پروردگار است و من ایمان دارم دلیل موفقیت و کامیابی ایشان این بود که از زیر بار مشکلات شانه خالی نکردند و در پناه رحمت و احسان خداوند سربلند و سرافراز از آزمایش بیرون آمدند.

وقتی به خداوند خدمت می کنیم و خواسته او را انجام می دهیم، عشق و محبت بی دریغش لحظه به لحظه زندگی ما را

حتی در سخت ترین، تنهاترین، دردناکترین و ناامید ترین شرایط فرا می گیرد. عشق بیکران او در هر لحظه از زندگی با ماست، خواه قادر به درک آن باشیم، یا نباشیم. خداوند همیشه در سختیها با ماست و اگر از او کمک بطلبیم و چشم امید به او داشته باشیم او به یاری ما شتافته و ما را خواهد رهانید. "خدا همه چیزها را به خیر کسانی بکار می برد که او را دوست دارند و فرا خوانده شده‌اند تا خواست او را انجام دهند" (رومان ۸: ۲۸). اغلب، سختی‌هایی که متحمل می شویم بدین جهت است که با خشوع و تواضع به درگاه خدا بیائیم تا نخوت و غرور حاصل از احساس بی نیازی به او و اعتماد به حکمت و درایت خود خرد شده و به افرادی دلسوز، صبور و از لحاظ معنوی قوی بدل شویم که نام خدا را با شکوه و جلال ستایش می کنند. خدا از اوضاع نامساعد استفاده می کند تا به ما بیاموزد به او اعتماد کرده و یقین داشته باشیم که او خدائی مهربان است که با محبت بی دریغ خود ما را از این شرایط رهانیده و سربلند خواهد ساخت.

تجربه هیچ آزمایش و سختی را به یاد ندارم که منجر به رشد و تکامل معنوی من و شوهرم نشده باشد. گرچه در آن زمان تحمل آن همه رنج و محنت بسیار سخت بود و ما قدرشناس خداوند نبودیم از اینکه این همه در جهت خیر و صلاح ما صورت می گیرد. اما وقتی بهنگام سختی دعا کردیم و از خدا خواستیم دست یاری به سوی ما دراز کند، ایمانمان رشد کرد و رابطه عمیق تری با او پیدا کردیم. با برخورداری از نگرشی مثبت و درست نسبت به اوضاع، عشقمان نیز نسبت به یکدیگر زیاد شد.

اگر شوهرتان با شرایط سختی روبروست، نیروی خداوند را به کمک بطلبید. اما مسئولیت حمل این بار برعهده شما نیست حتی اگر راضی بدین کار باشید. سعی نکنید بار او را برگردن خود بنهید، این امر باعث می شود که او احساس ضعف و شکست کند. علاوه بر این، خدا نمی خواهد که شما کار او را انجام دهید، او

نمی خواهد که شما نقش روح القدس را برای شوهرتان بازی کنید. حتی اگر تقلا و کشمکش او مایه عذاب روحی و عاطفی شماست و خواستار تغییر شرایط می باشید، با این حال نمی توانید بار او را بر دوش بکشید. می توانید برای او دعا کنید و او را تشویق و حمایت کنید. اما خداوند از این آزمایشات برای انجام مقصود خود استفاده می کند و شما بایستی از سر راه خدا کنار روید.

اگر شوهرتان زیر بار مسائل مالی، بیماری، ناتوانی، بیکاری، مشکلات با بچه ها، مسائل زناشویی، گرفتاری در خانه یا روابط غیر دوستانه خرد شده است، از روح القدس برای تحول اوضاع مدد جوئید. به شوهرتان یادآوری کنید دورنمای وسیعی نسبت به مسائل پیرامون خود داشته باشد و تصویر بزرگتر را ببیند. یعنی رنج و محنت ما بهنگام گرفتاری در مقایسه با شکوه و جلال خداوند که از درون ما را دگرگون می کند و ماهیتی جدید به ما می بخشد، هیچ است. "سختی هایی که در زمان حاضر متحمل می شویم، در مقایسه با جلال و شکوهی که خداوند در آینده نصیبمان می سازد، هیچ است" (رومیان ۸: ۱۸). او را تشویق کنید که بگوید "همه چیز را با کمک مسیح می توانم انجام دهم، زیرا او قدرت انجام آن را به من بخشیده است" (فیلیپیان ۴: ۱۳).

دعا کنید شوهرتان به خداوند نزدیکی جسته و دریابد هیچ چیزی، نه آنچه اکنون گرفتار آن است و نه آنچه در آینده برای او پیش خواهد آمد، او را از محبت خدا محروم نمی سازد و شرایط تأثیری بر رابطه او با خداوند ندارد: "یقین دارم که هیچ چیز نمی تواند محبت مسیح را از ما باز دارد، نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان، و نه قدرتهای جهنم، هیچ یک قدرت چنین کاری را ندارند. حوادث امروز و نگرانیهای فردا نیز قادر نیستند خللی در این محبت وارد کنند. در اوج آسمان و در عمق آسمانها هیچ موجودی نمی تواند ما را از محبت خدا که در مرگ فداکارانه مسیح آشکار شده، محروم سازد" (رومیان ۳۹، ۳۸: ۸). اگر هیچ

چیز نمی‌تواند ما را از محبت خدا جدا سازد، با همه بدی شرایط، می‌توان همواره دلی پر از امید و انتظار داشت.

آزمایشات همچون آتش ما را خالص نموده و همچون آب ما را تطهیر می‌کنند. شما نمی‌خواهید که شوهرتان در شعله‌ها سوخته یا در آب غرق شود، بلکه می‌خواهید تهذیب یافته و زندگی و حیات دوباره داشته باشد. خداوند وعده داده است که "با وجود همه دشواریها و سختی‌ها، پیروزی کامل و قطعی را همواره از آن‌ما می‌کند؛ و این به یاری مسیح که آنقدر ما را محبت کرد که جانش را در راه ما فدا ساخت، میسر است" (رومیان ۸: ۳۷).

"کسانی نجات خواهند یافت که تا آخر طاقت بیاورند" (متی ۲۴: ۱۳). عزم شوهرتان بر این باشد که در ایمان خود محکم و استوار استقامت ورزیده و با صبوری برای اجابت دعاهايش انتظار کشد تا از میان شعله‌های زبانه کشیده مشکلات نجات یافته و از غرق شدن در منجلاب رهائی یابد.

دعا

پروردگارا، تنها تو سنگینی باری را که شوهرم حمل می‌کند می‌دانی. شاید من جزئیات خاص آن را درک کنم اما تو سنگینی این بار را برای او تعیین کردی. من به درگاه تو نیامده‌ام تا از تو بخواهم از آنچه که در زندگی او می‌کنی، بکاهی؛ چون می‌دانم تو خیر و صلاح شوهرم را می‌خواهی و از طریق این آزمایشات، شکوه و جلال خود را به نمایش می‌گذاری. سعی ندارم او را از آنچه باید با آن روبرو شود حفاظت کنم، فقط می‌خواهم از او حمایت کنم تا از این نبرد سربلند و پیروز بیرون آید.

خدایا، تو پناهگاه و نیروی بازوی ما هستی. مددکاری هستی که در سختیها به کمک ما می‌شتابی (مزمور ۴۶: ۱). تو ما را دعوت کرده‌ای تا به آستان پر فیض تو آئیم تا رحمت خود را شامل

حالمان سازی و به لطف ما را به هنگام نیاز یاری فرمائی (عبرانیان ۴: ۱۶). خداوند، سر بر آستان تو نهاده و رحمت و جلال تو را برای شوهرم تمنا می کنم. به او قوت قلب ببخش تا آنگاه که لشگری بر ضد او یورش می آورد، ترسی به دل راه ندهد. باشد با صبر و طاقتی که تو به او عنایت می فرمائی از گزند دشمنان در امان ماند و بدینوسیله قدرت پر جلالت را به او بنمایانی (مزمور ۲۷: ۱-۴). به او قدرت عنایت فرما تا ثابت قدم در برابر مشکلات پایداری کند. به او کمک کن تا "برای آنچه تو برایش مقدر کرده ای شاد باشد. طاقت داشته باشد و در همه حال دعا کند" (رومیان ۱۲: ۱۲). به او بردباری و شکیبایی عنایت کن تا از امتحان پیروز بیرون آید و هرگز تسلیم نشود. زیرا "شخص درستکار حتی اگر هفت بار هم بیفتد، باز برخواند خاست" (امثال ۲۴: ۱۶). به او یادآور شو که "تو او را به راهی که باید برود، هدایت می کنی و از آنانی که خشنود هستی محافظت می نمائی؛ اگر بیفتد به او آسیبی نخواهد رسید چون تو دست او را می گیری" (مزمور ۳۷: ۲۳ و ۲۴).

"دعا می کنم او در تو پناه بسته و تا وقتی که این بلا بگذرد، در زیر بالهای تو پناه گیرد" (مزمور ۵۷: ۱). باشد که او به تو امیدوار باشد. زیرا "آنانی که به تو امید بسته اند نیروی تازه یافته و مثل عقاب پرواز می کنند، می دوند و خسته نمی شوند، راه می روند و ناتوان نمی گردند" (اشعیا ۴۰: ۳۱). دعا می کنم که به جان او قدرت بخشی و وقتی به نزد تو فریاد بر می آورد صدای او را بشنوی و او را از همه مشکلات برهانی (مزمور ۳۴: ۶).



ابزار قدرت

سختیها به منظور آزمایش ایمان شما پیش می آید
همانطور که آتش طلا را می آزماید و پاک می سازد
ایمان شما نیز پس از آنکه وارد کوره آزمایش گردید
خالص می گردد و سبب خواهد شد که در روز بازگشت مسیح،
مورد تحسین و تکریم قرار گیرید.
اول پطرس ۱: ۷۶

مشکلات خود را به خدا واگذار، او تو را حفظ خواهد کرد.
خداوند هرگز نخواهد گذاشت که شخص نیکوکار بلغزد و بیفتد.
مزمور ۵۵: ۲۲

من از خدا کمک می طلبم و او نجاتم خواهم داد.
صبح، ظهر و شب به پیشگاه خدا می نالم و او صدای مرا
خواهد شنید. هر چند دشمنان من زیادند، اما او مرا در جنگ با آنها
پیروز خواهد ساخت و به سلامت باز خواهد گرداند.
مزمور ۵۵: ۱۶-۱۸

ای که مرا گرفتار سختیها و زحمات بسیار نمودی،
می دانم که به من نیروی تازه خواهی بخشید
و مرا از این وضع فلاکت بار بیرون خواهی آورد.
مرا بیش از پیش سرافراز خواهی نمود و
بار دیگر مرا دلداری خواهی داد.
مزمور ۷۰: ۲۰-۲۱









فصل چهاردهم

صداقت او

صداقت و راستی آن چیزی نیست که وقتی همه بر تو چشم دوخته‌اند، از خود به نمایش بگذاری. صداقت وجودی تو آن است که حتی اگر کسی تو را زیر نظر ندارد، آن را انجام دهی. سطح اخلاقی است که با وجود هر آنچه پیرامون تو روی می‌دهد، به پائین‌تر از آن سطح تنزل نمی‌کنی. صداقت، معیار بالائی از راستی، آراستگی و شرافت است که هرگز مورد تخطی قرار نمی‌گیرد. صداقت این است که آنچه برای خود می‌پسندی و انجام می‌دهی، برای دیگران نیز بپسندی.

آدم شرافتمند و صادق روی حرف خودش می‌ایستد و سعی نمی‌کند برای اینکه مردم سر از کارش در نیاورند با چرب زبانی آنها را اغفال کند. می‌داند وقتی که گفت "بله" باید تا آخرش بایستد و اگر گفت "نه" بدان عمل کند. "برای سخنی که بیش از بلی یا خیر باشد، نیرنگی در کار است" (متی ۵: ۳۷). او برای خوشامد مردم دو روی سکه را بازی نمی‌کند. هدفش این است که خداوند را خشنود سازد و کار درست را انجام دهد. آنانی که در ظاهر لباس تقوا و پرهیزکاری به تن دارند، در نظر مردم از احترام و ارزش بالائی برخوردارند، اما خدا از باطن شرورشان آگاه است (لوقا ۱۵: ۱۶).

مرد با صداقت " وقتی قول می دهد، به آن وعده می کند حتی اگر به ضررش تمام شود" (مزمور ۴:۱۵). حتی اگر در موقعیت مسالمت آمیز قرار گیرد به آنچه ایمان دارد پایبند می ماند. از همه مهمتر، حقیقت آدم صادق او را از افراد بدکار متمایز می کند و می توان بر آن اعتماد کرد. "قدمهای آدم درستکار ثابت و استوار است" (امثال ۹:۱۰) زیرا درستکاری و صداقت وی مایه هدایت اوست و او را به خداوند نزدیک می کند (مزمور ۱۲:۴۱).

شوهرم آدم صادق و درستکاری است که مجبور شده چندین بار در برابر چیزهایی که یقین داشت اشتباه هستند بایستد. من همیشه برای او دعا کرده ام که کار درست را انجام دهد. منظورم این نیست که او این کار درست را بدون من انجام نمی داد؛ یقیناً او بدون من هم در راه درست و راست قدم برمی دارد. با اینهمه دعاهاى من او را بهنگام مقابله با مسائل مغایر اندیشه و ایمانش حمایت می کرد تا با استواری و ثبات به آنها پایبند و وفادار بماند. کتاب مقدس می فرماید "فرزندان شخص امین و درستکار در زندگی سعادتمند خواهند شد" (امثال ۷:۲۰). خواه بچه هایم به این امر واقف باشند یا نباشند، این اصل عالی صداقت، کمال، و راستی را از پدرشان به ارث می برند. ایشان وارث برکت، سعادت و نیکبختی خواهند بود که به واسطه اصول عالی اخلاقی که پدرشان به آنها پایبند است، به ارث رسیده است. دعا می کنم که ایشان نیز این اصول را به فرزندان خویش منتقل نمایند.

صداقت و کمال اخلاقی از دل آدمی نشأت می گردد و این به انتخاب شوهرتان بستگی دارد که چگونه آدمی باشد. اما شما می توانید از خدا کمک بطلبید که شوهرتان را از گزند دشمن که مانع از اتخاذ تصمیم درست می شود مصون دارد. حتی تصمیم درست آدم صادق واکنش منفی را در عالم شیطانی در پی خواهد داشت. دعاهاى شما مانع شک او شده و به او قوت قلب می بخشد تا نه

بخاطر مردم بلکه بخاطر باور قلبی خودش کار درست را انجام دهد.

دعا

پروردگارا، دعا می‌کنم که از شوهرم، مردی صادق و درستکار مطابق با معیارهای خود بسازی. به او توانائی ببخش تا آنجا که باید "بله" گوید، "بله" گوید و به او شهامت ببخش آنجا که باید "نه" بگوید، "نه" بگوید. به او قدرت عطا کن تا برای آنچه که می‌داند درست است بایستد و هراسی به دل برای دنیائی که با او هم عقیده نیست راه ندهد. باشد که او به شناخت حقیقت نائل شود. (دوم تیموتائوس ۳: ۷). به او روح تعلیم‌پذیری عنایت کن تا مشتاقانه دلش را به ندای حکمت تو بسپارد.

زندگی او را بر اساس راستی و درستی استوار ساز. به او کمک کن تا همیشه با هدایت روح القدس که سرچشمه همه راستیهاست قدم بردارد (یوحنا ۱۶: ۱۳). خدایا با او باش تا در زمان دشواری با اطمینان و یقین عمل نماید و بدین ترتیب حجتی بر حضور روح القدس در او باشد (اول یوحنا ۱: ۹و۸). به او قلبی عنایت کن که بلادرنگ به اشتباهاتی که مرتکب شده اعتراف نماید زیرا در کلام مقدست فرمودی "اگر گوئیم که گناهی نداریم، خود را فریب می‌دهیم و از حقیقت گریزانیم. اما وقتی گناهان خود را به او اعتراف کنیم می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که او ما را می‌بخشد و از هر ناراستی پاک می‌سازد" (اول یوحنا ۱: ۹و۸). خداوند، او را از شر نیرنگهای شیطان حفظ فرما. در هیچ شرایطی نگذار خود را تسلیم دشمن نماید، دروغ‌ها و فریب‌های او را باور کند و بر اساس آنها زندگی کند. محبت و راستی را بر گردنش ببویز و بر صفحه دلش حک کن تا هم خدا و هم انسان به او مباحثات ورزند (امثال ۳: ۳و۴).



ابزار قدرت

انسان بهتر است فقیر و درستکار باشد تا ثروتمند و کلاهبردار!
امثال ۶:۲۸

صداقت مرد درستکار راهنمای اوست
اما نادرستی شخص بدکار او را به نابودی می کشاند.
امثال ۳:۱۱

ای خداوند به داد من برس
زیرا در کمال صداقت رفتار می کنم و توکل راسخ به تو دارم.
مزمور ۸:۷

انتقام مرا بگیر ای خدا، زیرا در کمال صداقت رفتار نموده‌ام.
من که بخدا توکل دارم هرگز پایم نمی لغزد.
مزمور ۱:۲۶

باشد که کمال و راستی من حافظ من باشند
زیرا من به تو پناه آورده و به تو دل امید بستم.
مزمور ۲۱:۲۵



فصل پانزدهم

شهرت او

شهرت نیک بویژه در دنیای امروز با ارتباطات و رسانه های جمعی سریع بسیار زودگذر است. صرفاً حضور در مکان و زمانی اشتباه می تواند به قیمت از دست دادن زندگی فرد تمام شود. خوش نامی و شهرت چیزی نیست که مورد اهمال قرار گیرد. نیکنامی برتر از ثروت هنگفت است (امثال ۱:۲۲) و از "بهترین عطرها" هم خوشبوتر است (جامعه ۱:۷). بایستی به نیکنامی ارزش قائل شد و از آن محافظت نمود. کسی که برای نیکنامی خویش ارزشی قائل نیست، ممکن است روزی در صدد برآید تا برای خود اعتباری کسب کند اما نتواند آن را بیابد. انجام کارهای نادرست، معاشرت با مردم لالابالی، سخنان بی مقدار و بی ارزشی که در مورد ما گفته می شود محبوبیت و خوش نامی را ضایع می کند. در همه این سه حالات شیطان دست دارد. یک پرونده دادگاه تأسف آور، شایع پراکنی فراگیر، مقاله چاپلوسانه یک روزنامه و یک رسوائی پانزده دقیقه ای می تواند هر آنچه را فرد در طول عمرش برای آن زحمت کشیده به باد فنا دهد. دعا تنها روش دفاعی است که می توانیم اتخاذ کنیم.

اوقاتی که مایکل بیش از هر زمان دیگر نگران آبرو و حیثیتش می شد وقتی بود که اشتباهاً نقل قولی از زبان او یا شخص

دیگری در روزنامه منعکس می شد. از آنجائیکه می دانستیم این جور اخبار چقدر مخرب و زیان آور هستند، همیشه به افرادی که فکر می کردیم بیشتر از همه تحت تأثیر این اخبار قرار گیرند، زنگ می زدیم و حقیقت را برای آنها روشن می کردیم. البته امکان تماس با تک تک افراد مقدور نبود، بنابراین دعا می کردیم با همان عده که تماس تلفنی داشتیم کفایت کند و خداوند این ماجرا را سریع خاتمه دهد. در اثر دعا آنچه که می توانست ظرف یکی دو روز شعله هایش همه جا را فرا گیرد کاملاً خاموش می شد و از سر و صدا می افتاد. می توانست عکس این قضیه هم اتفاق بیفتد و زبانه های این جریان همه جا را فرا گیرد و شهرت و آبروی ما را کاملاً از بین ببرد. یقین دارم که قدرت خداوند در اجابت دعا ما را محافظت نمود.

انجیل می گوید زن خوب و باوقار مایه افتخار و عزت شوهرش می باشد. شوهر چنین زنی "در میان بزرگان شهر مورد احترام می باشد" (امثال ۳۱: ۲۳). آیا شهرت و احترام بخودی خود بوجود می آید؟ آیا هر زن پاکدامن و خوبی نیکنامی همسرش را تضمین می کند؟ یا احترام و عزت شوهر به زن بستگی دارد؟ این حقیقت دارد که مرد بخشی از احترام و عزت خود را بواسطه داشتن همسری خوب و باوقار بدست می آورد، اما بر این باورم یکی از چیزهای خوبی که یک زن خوب و متین می تواند انجام دهد این است که برای نیکنامی شوهرش دعا کند.

هرگز از خدا جهت طلب احترام برای همسران دست نکشید. با اینهمه بخاطر داشته باشید خداوند به او اختیار و آزادی تام داده است و ممکن است او به هدایت روح القدس ترتیب اثر ندهد و راه خود را انتخاب کند و مشکلات و گرفتاری ناشی از آن را متحمل شود. اگر چنین اتفاقی رخ دهد یا هم اکنون احترام و محبوبیت او در معرض خطر است، از خداوند برای اصلاح و بهبود شرایط کمک بجوئید و با این کار سرانجام خوشی برای همسران به

ارمغان بیاورید. همسران هم می تواند برای حفظ آبرو و شرف خویش از خداوند کمک بخواهد.

دعا

پروردگارا، دعا می کنم هرگز به شهرت و خوش نامی (اسم شوهر) لطمه وارد نشود و محبوب عام و خاص باشد. می دانم که ارزش و تکریم مرد اغلب "با تعریف و تمجیدی که دیگران از او می کنند، شناخته می شود" (امثال ۲۷: ۲۱)، پس دعا می کنم او مورد احترام و عزت همه مردم قرار گیرد و همه از او به نیکی سخن گویند. در کلام مقدس فرمودی "که نفرین بر کسی که مستحق آن نیست، اثری ندارد" (امثال ۲۶: ۲). دعا می کنم که دلیلی برای گفتن چیزهای بد در مورد او وجود نداشته باشد. او را از دادخواست ها و اقدامات جنائی حفظ فرما. او را از دست دشمنانش برهان و از گزند مخالفانش در امان بدار (مزمور ۵۹: ۱). ای خدا، با کسانی که علیه او می ستیزند، بجنگ و آنها را از پای درآور (مزمور ۳۵: ۱). ای خداوند، به تو توکل می کنیم، ناامیدمان مساز و ما را در برابر دشمنانمان شرمنده و خجل مساز (مزمور ۷۱: ۱). اگر خدا با ماست، چه کسی می تواند بر ضد ما باشد (رومیان ۸: ۳۱)؟

کلامت می گوید که "درخت سالم میوه بد نمی دهد، درخت فاسد نیز میوه خوب نمی دهد، درختهایی که میوه بد می دهند، بریده و در آتش انداخته می شوند" (متی ۷: ۱۸ و ۱۹). دعا می کنم که همسر من به سبب نیکوئی اش، ثمر بخش و پر بار باشد و بخاطر درستکاری اش محبوب و مورد تکریم همه باشد. باشد که راستی، اعتماد، و تواضع به روابطش برکت بخشیده و خوش نامی و آبروی او هرگز ضایع نگردد.

جان او را از شر دشمن حفظ کن و او را از توطئه بدکاران نجات بده. و از هر دامی که برایش گسترده شده است، برهان (مزمور ۴:۳۱). او را از شر زبان بدگو و شایعه افکن در امان بدار و دهان آنانی که در مورد او بدگویی نموده‌اند را با آتش خودت خالص و طاهر کن تا سخنان خوب از آن تراوش کند. بگذار آنان که به بدگویی و شایعه پراکنی دامن زدند، مسئول اعمال خود باشند. بگذار بسبب عملی که کردند خجل و سرافکنده باشند و آنانی که قصد جان او را دارند مغلوب و رسوا گردند و آنانی که بدخواه او می‌باشند، خوار و پریشان شوند (مزمور ۱۴:۴۰). باشد که به تو اعتماد و توکل کند و هراسی به دل راه ندهد از اینکه انسان چه می‌تواند بر سر او بیاورد (مزمور ۱۱:۵۶)! چونکه در کتاب آسمانی‌ات فرموده‌ای آنکه به تو ایمان آورد، هرگز ناامید و سرافکنده و خجل نخواهد شد (رومیان ۱۰:۱). او را راهنمایی و هدایت کن، پناهگاه قدرتمند او باش. باشد که نور تو بر روی مردم بتابد تا کارهای نیک او را ببینند و بدینوسیله تو را ای خدا تمجید و تکریم کنند (متی ۵:۱۶).



ابزار قدرت

از من در مقابل توطئه بدکاران که فتنه بر پا می‌کنند، محافظت کن.

آنها زبان خود را همچون شمشیر تیز کرده و
 بجای تیر و کمان با سخنان تلخ مجهز شده‌اند
 تا در کمینگاه‌های خود به انسان بی گناه شلیخون زنند.
 مزمور ۶۴: ۲ و ۳

ای خداوند به تو متوسل شده‌ام، نگذار سرافکنده شوم.
 بگذار بدکاران شرمنده شوند و خاموش به قبرهاشان فرو روند.
 بگذار زبان دروغگو که برضد درستکاران سخن می‌گوید
 لال شود.

مزمور ۳۱: ۱۷ و ۱۸

هر گاه بخاطر من شما را ناسزا گفته،
 آزار رسانند و به شما تهمت زنند، شاد باشید.
 بله، خوشی و شادی نمایید
 زیرا در آسمان پاداشی بزرگ در انتظار شماست.
 بدانید که با پیامبران گذشته نیز چنین کردند.
 متی ۵: ۱۱ و ۱۲

وقتی با همسایه‌ات اختلاف داری با شتاب به دادگاه نرو،
 زیرا اگر در آخر ثابت شود که حق با وی بوده‌است،
 تو چه خواهی کرد.
 وقتی با همسایه‌ات دعوا می‌کنی،
 رازی را که از دیگری شنیده‌ای فاش مکن،
 زیرا دیگر کسی به تو اطمینان نخواهد کرد
 و تو بدنام شده و شهرت خود را از دست خواهی داد.
 امثال ۲۵: ۸ - ۱۰

اکنون که خدا ما را برای خود برگزیده است،
 دیگر چه کسی جرأت دارد بر ما اتهامی وارد آورد؟
 آیا خود او؟ هرگز!
 چون اوست که ما را بخشیده و به حضور خود پذیرفته است.
 پس دیگر چه کسی می‌تواند ما را محکوم نماید؟ آیا مسیح؟ نه!

چون اوست که در راه ما مرد و زنده شد و اکنون در بالاترین مقام،
در کنار خدا نشسته و برای ما شفاعت می کند.

رومیان ۸: ۳۳ و ۳۴



فصل شانزدهم

الویتهای او

مردان اغلب عقاید مختلف بسیاری در مورد الویتهایشان دارند. اما هر زنی فکر می کند که بایستی در بالای لیست الویتهای شوهرش- درست زیر اسم خدا- قرار داشته باشد. با این حال فهمیده‌ام اگر زنی خواستار این است که جزء الویتهای شوهرش به همان ترتیبی که فکر می کند باشد، لازم است اطمینان حاصل کند که الویتهای او نیز به همان ترتیب است. یعنی شوهرش بعد از خدا مقدم و برتر بر هر چیز دیگر باشد. به عبارت دیگر، اگر خواستار این هستید که شوهرتان شما را مقدم بر کار، بچه، دوست و فعالیت‌هایش قرار دهد، شما نیز باید چنین تقدیمی را برای ایشان قائل باشید. اگر خدا و همسر جزء الویتهای بالا در زندگی تان به شمار نمی آیند، شوهرتان نیز انگیزه چندان در برقراری چنین ترتیبی در الویتهایش نخواهد داشت.

بسیار خوب می دانم چه زحمتی باید کشید تا نظم و ترتیب درست را در الویته حفظ نمود بویژه اگر مسئولیت سرپرستی از فرزندان خردسال نیز بر دوش شما باشد. احتیاجات بچه‌ها ضروری و فوری است و شما تنها کسی هستید که باید به نیازهای آنها رسیدگی کنید. شوهر شخص بالغي است و امید است بتواند از عهد کارهای خود برآید. حتی اگر بچه نداشته باشید این امکان

وجود دارد که کار، خانه، دوستان، مسئولیتها، علائق و فعالیتها انرژی و نیروی شما را بگیرد. بسیار دشوار است که شوهرتان را در انبوه گرفتاریها و فعالیتها فراموش نکرده یا حداقل طوری عمل کنید که او چنین احساسی نکند.

خوشبختانه، الویتها لزوماً با میزان وقتی که به آنها اختصاص می‌دهیم تعیین نمی‌شوند. اگر چنین باشد با چهل ساعت کار در هفته، خدا در زندگی مردم در مقامی پس از شغل قرار می‌گیرد مگر اینکه فرد حداقل هشت ساعت در روز به راز و نیاز با خداوند مشغول باشد و غیر ممکن است که زن بتواند بدون نادیده انگاشتن بچه‌ها، وقتی را که برای آنها صرف می‌کند به شوهرش اختصاص دهد. تا آنجا که به شوهرتان مربوط می‌شود، چندان مهم نیست چقدر وقت صرف او می‌کنید، بلکه آنچه حائز اهمیت است کیفیت وقتی است که با او سپری می‌کنید تا او احساس کند مورد توجه و ارجحیت قرار گرفته است.

هنگامیکه صبح از خواب بر می‌خیزید با گفتن صبح بخیر و لبخندی بر لب و در آغوش گرفتن شوهرتان باعث می‌شوید او احساس کند مهم است و جایگاه ویژه‌ای نزد شما دارد. و یا از او بپرسید "چیزی هست که من بتوانم امروز برایت انجام دهم؟" (و اگر درخواست انجام کاری را نمود اطمینان حاصل کنید که آن را انجام دهید). همچنین به او بگویند که برای او دعا می‌کنید و از او بخواهید تا بطور مشخص به شما بگوید در چه موردی نیاز به دعا دارد. حتی چک کردن در فواصل معین در اوج کارهای دیگری که می‌کنید به او اطمینان می‌بخشد که هنوز در رأس لیست برترین‌های شما قرار دارد.

الویت‌هایی که شما در زندگی دارید بایستی بر حسب جایگاهی که در دل شما دارند، سامان دهی شوند. ترتیب دادن اوقاتی فقط برای هر دوی شما- یکی دو شب بیرون از خانه، صرف شامی در خلوت یکدیگر بدون حضور بچه‌ها یا دوستان- به

او نشان می دهد که جایگاه ویژه‌ای در قلب شما دارد. اگر می‌خواهید شوهرتان به شما بیشتر عشق بورزد، بایستی شما نیز به ایشان بیشتر مهر بورزید. این روش بویژه وقتی از خدا نیز کمک بطلبید عملی و سودمند است.

اگر احساس می کنید وقت و انرژی لازم برای مقدم شمردن همسران بر چیزهای دیگر را ندارید چون ملزم به انجام همه آنچه از شما انتظار می رود هستید، از خداوند یاری بطلبید تا شما را با روح القدس لبریز سازد و جان و روح تازه‌ای به شما ببخشد. از خداوند طلب گشایش کنید و او به شما کمک خواهد کرد تا به الویت های زندگی تان سر و سامان بخشید. اگر برنامه زمانی تان به شما این امکان را نمی دهد تا زمانی را به پرستش و راز و نیاز با خدا بگذرانید، قدرت و توانائی انجام آن را از او بگیرید. از آنجائیکه برنامه قدیمی عملی نمی باشد، الویت های خود را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و برنامه زمانی جدیدی را برای خود تنظیم کنید.

در حرفه‌ای که شوهرم به آن مشغول است اغلب به افرادی بر می خوریم که درهای موفقیت به سرعت به روی آنها گشوده می شود و این سبب می شود حرص و طمع آنها به موفقیت، قدرت، و ثروت زیاد شود. اگر این دسته افراد تلاش جدی برای حفظ الویتهایشان بطور مناسب نکنند، غرورشان آنها را گرفتار و آزمند می سازد. آنها چشم بر خدا، خانواده، کلیسا و دوستان می بندند و کمترین توجه و ارزشی به آنها مبذول نمی دارند و تنها موفقیت و ثروت در نظرشان جلوه می کند. دوست نداریم حتی به میزانی اندک شوهرمان را گرفتار در این دام ببینیم. برای شوهرتان دعا کنید که همیشه در الویتهایش خدا را در ردیف اول، شما را در ردیف دوم و بچه‌ها را در ردیف سوم قرار دهد. بدین ترتیب هر پیشامدی هم که در زندگی اش روی دهد، الویتهایش نظم خاص خود را حفظ کرده و آرامش و سعادت بیشتری نصیب هر دوی شما در آینده خواهد شد.

دعا

خدایا، تو را بعنوان سرور زندگی ام اعلام می کنم . کمک کن که هر روز مشتاق دیدار تو باشم. به الویتهایم نظم و سامان کامل بخشم و شوهرم را به طرز مناسبی قبل از بچه ها، کار، خانواده، دوستان، فعالیتها و علایقم قرار دهم. مرا به سوی انجام کار درست رهنمون ساز تا به شوهرم نشان دهم که او از مقام ویژه ای پس از تو در قلب من برخوردار است و شرایطی را که باعث شده در مورد آن شک کند، بهبود بخش. روش الویت بندی هر چیزی را به من تعلیم ده تا وقت خود را صرف آنچه جان و روح زندگی را می رباید یا هدف پایداری ندارد، نکنم .

از تو کمک می طلبم تا الویت های همسرم نیز در زندگی در ترتیب و تناسب کامل باشد. ناظر بر کار او باش و بر دلش حاکم باش. به او کمک کن زندگی ساده ای را اختیار نماید تا هر روز زمانی را با تو خلوت کند. با قلب او سخن بگو تا کلام مقدس تو، دعا و حمد و سپاس تو را در الویت قرار دهد. به او توانائی و اقتدار ببخش تا برای من و بچه ها ارجحیت بیشتری نسبت به حرفه، دوستان و فعالیتهایش قائل باشد. دعا می کنم که او ابتدا تو را بطلبد و تمام وجودش را تسلیم تو کند زیرا می دانم با انجام چنین کاری سایر جنبه های زندگی اش در تناسب کامل با یکدیگر خواهند بود.



ابزار قدرت

اگر شما قبل از هر چیز به ملکوت و عدالت خدا دل ببندید،
او همه این نیازهای شما را برآورده خواهد ساخت.
متی ۳۳:۶

فقط به فکر خودتان نباشید،
بلکه به کار و مسایل دیگران هم توجه نمائید.
فیلیپیان ۴:۲

نمی‌توانی به دو ارباب خدمت کنی،
باید فقط یکی از آنها را دوست داشته باشی
و به او وفادار بمانی،
نمی‌توانی هم بنده خدا باشی و هم بنده پول.
متی ۲۴:۶

ملکوت آسمان را می‌توان به گونه ای دیگر نیز توصیف کرد.
یک تاجر مروارید در جستجوی مرواریدهای مرغوب بود.
سرانجام وقتی به مروارید باارزشی دست یافت، رفت
و هر چه داشت فروخت تا آن را بخرد.
متی ۱۳:۴۵ و ۴۶

فقط خداوند را بپرست و تنها از او اطاعت کن.
متی ۱۰:۴









فصل هفدهم

روابط او

انزوا و گوشه‌گیری سلامتی و تندرستی فرد را به خطر می‌اندازد. ما همه به مردم نیک نیاز داریم تا زندگی مان را تحت تأثیر قرار داده و ما را در مسیری درست راهنمایی کنند. هر زوجی بایستی حداقل با دو زوج مؤمن دیگر در ارتباط باشد تا مایه دلگرمی، قوت و غنای زندگی یکدیگر باشند. معاشرت با چنین افرادی موجب تهذیب اخلاق، توانمندی، دولت‌مندی، توازن و تحقق آرمانها می‌گردد و کمک می‌کند در شرایطی که بنظر می‌رسد اوضاع از تناسب و کنترل خارج شده، دورنمای وسیعی از مسائل پیرامونمان داشته باشیم. بهرهمندی از ویژگیهای مثبت سایر افراد بهترین موهبت برای ازدواج است.

بخاطر دارم یکبار مایکل و من درست قبل از رفتن به خانه زوج دیگری برای شام مشاجره داشتیم. در راه در سکوت محض نشسته بودیم و من با خود فکر می‌کردم چطور می‌توانیم بدون اینکه موجب ناراحتی و سلب آرامش میزبانمان شویم، شام را با ایشان صرف کنیم. وقتی رسیدیم گرمای محبت و روح شکوهمند الهی که از وجود آنها تراوش می‌کرد، اندیشه و احساس ما را منقلب ساخت. خیلی زود همه چیز را فراموش کردیم و اوقات خوبی را با خنده و صحبت سپری کردیم. این سرور و شادمانی که

از روح این دو می جوشید از دولت میهمانی نبود بلکه روح شادی بخش خداوند در وجود شان بود که ما را نیز سراپا مستغرق در شادی نمود.

گاهی عکس این قضیه نیز پیش می آمد. زن وشوهری در اوج درگیری زناشویی به منزل ما برای شام می آمدند و با آرامش و صلح و صفای قلبی ما را ترک می کردند. حتی یک بار زوجی قبل از اینکه به منزل ما برسند، درحالی که شام کاملاً حاضر بود، زنگ زدند که بگویند درست چند لحظه قبل با یکدیگر بحث بدی داشتند و نمی توانند میهمانان خوشایندی باشند. من به آنها گفتم که کاملاً درکشان می کنم چون شرایط مشابهی را قبلاً داشتم، اما خواهش می کنم تشریف بیاورید حتی اگر در کل میهمانی ساکت بوده و حرفی نزنید. بعلاوه، بالاخره غذا که باید بخورید حتی اگر لازم باشد در دو انتهای مخالف میز بنشینید. کمی طول کشید که متقاعد به آمدن شدند اما بالاخره آمدند و بر خلاف انتظار، شب دلپذیر و دل انگیزی را با یکدیگر گذراندیم. حتی در آخر آنچه بین آنها پیش آمده بود به خنده تبدیل شد و هر دو دست در دست یکدیگر ما را ترک کردند.

برقراری دوستی خوب با مردم ایماندار که خدا را دوست دارند، تصادفی پیش نمی آید. بایستی دعا کنیم که چنین افرادی وارد زندگی ما شوند و سپس وقتی آنها را یافتیم، بایستی همچنان برای بقا و دوام این دوستی ها به دعا ادامه دهیم. همچنین باید دعا کنیم از تأثیرات منفی آن در امان باشیم. کتاب مقدس می گوید: "نبایستی با بی ایمانان پیوند و همبستگی داشته باشیم. بین پاکی و گناه پیوندی وجود ندارد، نور و تاریکی با یکدیگر ارتباطی ندارند" (دوم قرنتیان ۱۴: ۶). این بدین معنی نیست که ما نمی توانیم با افرادی که ایماندار نیستند رابطه برقرار کنیم، اما نزدیکترین روابط ما بایستی با افرادی باشد که خداشناس هستند در غیر اینصورت عواقب آن متوجه خود ما خواهد بود. "شخص درستکار

مردم را به راه راست هدایت می کند اما آدم بدکار آنها را منحرف می سازد" (امثال ۱۲: ۲۶). بهمین دلیل است که بسیار حائز اهمیت است یک کلیسا را بعنوان مکان همیشگی خود انتخاب کنیم و از یک کلیسا به کلیسای دیگر نرویم تا با مردم بیشتری آشنا شده و با ایشان رابطه دوستی برقرار سازیم. تا آنجا که می توانید سعی کنید افرادی را برای دوستی انتخاب کنید که آراسته به ویژگیهای اخلاقی عالی هستند و همواره قلبشان متوجه خداست.

همچنین برای شوهرتان دعا کنید تا با افراد خدانشناس و پرهیزگار معاشرت کند. و وقتی آنها را می یابد، به او این امکان را بدهید تا اوقاتی را با دوستانش بدون انتقادی از شما سپری کند. این دوستان باعث تهذیب منش و تقویت روح او می شوند. "همانطور که آهن، آهن را می پردازد، دوست نیز شخصیت دوستش را اصلاح می کند" (امثال ۲۷: ۱۷). ایشان نفوذ و تأثیر خوبی بر شوهرتان خواهند داشت. "مشورت صمیمانه یک دوست همچون عطری خوشبو دلپذیر است" (امثال ۲۷: ۹). و چنانچه توازن دوستی بهم خورد و موجبات آزرده گی و ناراحتی را فراهم آورد، برای حفظ تعادل آن دعا کنید.

بعد از اینکه صاحب اولاد شدیم، مایکل همه روزها و شب های هفته را کار می کرد و آخر هفته همه اوقات آزادش را یا در زمین گلف بود یا به بازی بیس بال و فوتبال با دوستانش مشغول بود. مشاجرات بسیار تلخی در مورد این قضیه داشتیم اما هیچ تغییری روی نداد تا اینکه من شروع به دعا کردم تا خداوند رفتارش را به او نشان داده و قلبش را بسوی خانه و خانواده اش برگرداند. کاری که خدا کرد بسیار بهتر از کاری بود که من می توانستم بکنم.

اغلب مردان بر خلاف زنان به دلیل مشغله کاری، دوستان نزدیک چندانی ندارند و قدمهای ضروری را که برای حفظ و بهبود دوستی های نزدیک لازم است، بر نمی دارند. این جاست که

طلب کمک از خدا می تواند تفاوت چشمگیری را بوجود آورد. گرچه شوهرتان ایماندار نیست، با اینحال می توانید برای او دعا کنید دوستان خدانشناس و خدا ترسی داشته باشد. شوهر یکی از دوستان نزدیکم، با مسیح و خدا پیوند نداشت و ما بارها برای او دعا کردیم تا دوستانی خدانشناس اختیار کند و در محل کار با ایشان رابطه برقرار کند. خداوند چندین مسیحی را که ایمانی راسخ و استوار داشتند بر سر راه زندگی او گذاشت و ما به سبب کاری که خدا برای او کرد از شادی در پوست خود نمی گنجیدیم.

در مورد همه روابط شوهرتان دعا کنید. داشتن رابطه مصالحت آمیز با والدین، خواهر و برادر، عمه و خاله، دانی و عمو و همکاران و همسایگانش یک ضرورت است. دعا کنید که روابطش به خاطر روح عدم بخشش و گذشت تیره نگردد. منظره جالبی نیست که به سبب این گناه شاهد رنج و عذاب شوهرتان باشید.

دعا

پروردگارا، برای (اسم شوهر) دعا می کنم تا دوستان شایسته و خدا دوست داشته و با ایشان آشکارا راز دل خود را در میان گذارد. باشد که مردان قابل اعتماد و خردمند آنچه را که در زندگی او حقیقت دارد برای او روشن نمایند و تنها آنچه را به او نگویند که تمایل به شنیدنش دارد (امثال ۲۸: ۲۳). به او قدرت تشخیص نیک و بد را عطا کن تا کسانی را که زندگی گناه آلودی دارند و نفوذ خوبی بر او ندارند، شناسائی و از آنها دوری گزیند (اول قرنیتیان ۵: ۱۳). اهمیت داشتن دوستان خدانشناس را به او نشان بده و به من کمک کن به او دلگرمی داده و او را ترغیب به حفظ دوستانش کنم. به ما زن و شوهر ایمانداری عطا کن که با آسودگی خیال رازها و تجربیات زندگیمان را با ایشان در میان بگذاریم.

برای داشتن رابطه‌ای صلح‌آمیز و قوی با هر یک از اعضای خانواده همسایگان، اقوام و همکارانش دعا می‌کنم. امروز خصوصاً برای دوستی‌اش با (نام شخص) دعا می‌کنم. ارتباط باز و پذیرشی متقابل بین آنها برقرار کن. رنجش و دلسردی را به آشتی بدل کن. صلح و آرامش را بر هر آنچه که لازم است برقرار ساز.

دعا می‌کنم که در قلب خود، پدر و مادرش را احترام گذاشته تا خداوند به او عمری طولانی بخشد و زندگی‌اش را مورد رحمت و لطف خود قرار دهد (خروج ۲۰: ۱۲). به او قدرت بده که آدم با گذشته‌ی بوده و کینه به دل راه ندهد. نسبت به کسی بخل نداشته و از بیزاری نوری جوید. در کتاب مقدس آمده "کسی که از برادرش نفرت و کینه در دل دارد در تاریکی سرگردان است و نمی‌داند به کجا رود، زیرا تاریکی چشمانش را کور می‌کند و او راه را نمی‌بیند" (اول یوحنا ۲: ۱۱).

دعا می‌کنم که چشمان شوهرم در ظلمت عدم بخشش کم سو و تار نگردد بلکه پیوسته در روشنایی گذشت قدم بردارد. باشد که هرگز کسی را قضاوت نکند یا بدیده حقارت به کسی ننگرد، بلکه بخاطر داشته باشد که "همه ما در مقابل تخت داوری خداوند می‌ایستیم" (رومیان ۱۴: ۱۰). به او توان بخش تا دشمنان خود را دوست بدارد و برای هر که او را لعنت می‌کند دعای خیر کند و برای ایشان شفاعت بطلبد. به آنان که از او نفرت دارند نیکی کند و برای آنان که به او ناسزا می‌گویند و او را مورد آزار قرار می‌دهند، دعای فیض و برکت کند (متی ۵: ۴۴). دعا می‌کنم که او مرا بعنوان بهترین دوست خود بشمار آورد و دوستی مان با یکدیگر رشد کرده و فزونی یابد. به او نشان بده که دوست واقعی چگونه باید باشد و به او قدرت ببخش که دوستی واقعی باشد.



ابزار قدرت

به پاس آنهمه لطفی که خدا در حق ما کرده است،
 بیایید یکدیگر را به محبت کردن
 و به انجام اعمال نیک تشویق نماییم.
 و نیز چنانکه برخی را عادت است،
 از حضور در مجالس عبادت کلیسایی غافل نشویم،
 بلکه یکدیگر را تشویق کنیم.
 عبرانیان ۱۰: ۲۴ و ۲۵

پس اگر نذری داری و می خواهی قربانی تقدیم خدا کنی
 و همان لحظه بیدار می آوری که دوستت از تو رنجیده است،
 قربانی را همانجا در قربانگاه رها کن و اول برو
 و از دوستت عذر خواهی نما و با او آشتی کن،
 آنگاه بیا و نذرت را به خدا تقدیم کن.
 متی ۵: ۲۳ و ۲۴

اگر ما نیز مانند مسیح در نور حضور خدا زندگی می کنیم
 آنگاه ما نیز با یکدیگر رابطه ای نزدیک داریم.
 اول یوحنا ۱: ۷

مراقب اعمال و کردار خود باشید!
 اگر برادرت در حق تو خطائی کند، او را از اشتباهش آگاه ساز.
 اگر پشیمان شد او را ببخش.
 حتی اگر روزی هفت مرتبه به تو بدی کند
 و هر بار نزد تو باز گردد و اظهار پشیمانی کند، او را ببخش.
 لوقا ۱۷: ۳ و ۴

دستوری تازه به شما می دهم: یکدیگر را دوست بدارید،
 همانگونه که من شما را دوست می دارم.
 محبت شما به یکدیگر به جهان ثابت خواهد
 کرد که شما شاگردان من می باشید.
 یوحنا ۱۳: ۳۴ و ۳۵





فصل هجدهم

پدر بودن او

وقتی از شوهرم در مورد عمیق ترین ترس درونی‌اش سؤال کردم او گفت "اینکه نتواند پدر خوبی باشد او را به وحشت می‌اندازد". او ادامه داد "من معتقدم این چیزی است که مردان کلاً از آن هراس دارند. ما آنقدر درگیر کار می‌شویم که می‌ترسیم نتوانیم به بچه‌هایمان آنطور که باید توجه نشان داده و وظایف مان را به نحو /حسن انجام دهیم. این قضیه بویژه وقتی حساس می‌شود که بچه‌هایمان به سن نوجوانی می‌رسند زیرا از این می‌ترسیم که ما را بعنوان افراد پیر و بی اهمیت تلقی نمایند و ما نتوانیم با ایشان ارتباط خوبی برقرار کنیم."

دیدگاهش نسبت به موضوع مرا تحت تأثیر قرار داد و مرا واداشت تا برای او دعا کنم. بر این باورم که دعا‌های من تفاوت قابل ملاحظه‌ای بوجود آورد. چون می‌دیدم با بچه‌ها صبوری بیشتری بخرج می‌داد و نسبت به مهارت‌های پدرا نه‌اش احساس ناامنی نمی‌کرد. به تدریج آرامش وی بیشتر شد و قادر بود از پدر بودن خود لذت ببرد. در مواقعی که لازم بود بچه‌ها را تأدیب و منضبط کند، کمتر احساس تقصیر یا عصبانیت می‌کرد و بیشتر قادر بود خردمندانه زندگیشان را هدایت کند. و اکنون می‌بیند که هر نقصی در بچه‌ها لزوماً از ارزش پدری او نمی‌کاهد.

افکار شکست و بی لیاقتی دلایلی هستند که بسیاری از پدران تسلیم شده، فرزندان خود را ترک می کنند، یا از تلاش بیش از حد خسته می شوند، یا موضعی انفعالی اتخاذ کرده سعی می کنند بجای انجام فعالانه مسئولیت شان، همچون سایه‌ای در پس زمینه زندگی بچه‌هایشان حرکت کنند. این قضیه بویژه برای مردی که در سایر حوزه‌های زندگی احساس شکست و ناکامی می کند، بسیار ملال انگیز می گردد. مادران نیز احساس بی کفایتی می کنند اما فقط آن دسته که بیشترین صدمه و آزار روحی را متحمل شده‌اند، بچه‌هایشان را ترک کرده یا به ایشان توجهی نمی کنند و به آنها آسیب می رسانند. مادران از بدو تولد بچه‌ها، تمام وجود و هستی خود را نثار آنها می کنند. بچه‌ها را در رحم خود حمل می کنند، در دوران نوزادی به آنها شیر داده و تغذیه می کنند، آنها را راهنمایی کرده و تعلیم می دهند. عشق مادران نسبت به بچه‌ها چنان زیاد است که از همان اول وابستگی عمیقی بین آنها برقرار می گردد. پدران این امتیاز را ندارند و اغلب فکر می کنند که باید کاری کنند تا به درون این وابستگی راه یابند. چنانچه قسمت اعظم وقت و انرژی شان صرف ایجاد و حفظ حرفه‌شان گردد، به آسانی احساس ناامیدی به ایشان دست می دهد و فکر می کنند ارزشی ندارند و کنار گذاشته شده‌اند. دعاهای ما این اوضاع را بهبود می‌دهد.

آیا تاکنون شده که تصویر روشنی از چیزی نداشته باشید و آنگاه کسی برای شما دعا کرده باشد، سپس چشم انداز واضحی را دریافت کرده باشید؟ من بارها این تجربه را داشته‌ام. بر این باورم با دعا می توانیم به شوهرانمان دید شفافی از وظیفه پدری شان دهیم. اگر شک و تردید عذابشان می دهد و مسئولیت به آنها فشار می آورد، می توانیم با دعا این احساسات را به حداقل برسانیم. دعا به ایشان کمک می کند به بصیرت و فهمی که لازمه یک پدر خوب

بودن است، دست یابند و با دریافت الهامات روح القدس از عهده چالش‌هایی که پیش می‌آید، بر آیند.

شوهرم به نمونه بخصوصی در مورد وظائف پدری اش اشاره نمود که چگونه دعا‌های من راهگشای وی بوده است. وقتی «کریستوفر» پسرمان هفت ساله بود یکبار درحالی‌که دروغ می‌گفت، مجش را گرفتیم. می‌دانستیم که بایستی این مشکل را حل کنیم، اما می‌خواستیم که به دروغش کاملاً اعتراف کرده و توبه کند. این عمل در آن لحظه شدنی نبود. مایکل می‌خواست که به او درسی بدهد، اما نمی‌دانست چگونه. پس از من خواش کرد دعا کنم. با دعای من مایکل به روشنی فهمید چه باید کند. او یک مثلث کشید و در هر یک از رئوس آن تصویری از شیطان، خدا و کریستوفر را قرار داد. سپس نقشه شیطان و خدا هر یک را برای کریس شرح داد و با تصویر نشان داد که چگونه دروغ گفتن بخشی از نقشه شیطان برای کریس می‌باشد و او از آن اطاعت می‌کند. مایکل به تفصیل عواقب نهائی پیروی از خواسته شیطان را به او شرح داد و این بقدری کریس را تحت تأثیر قرار داد که شروع به گریه کردن نمود و به گناه خود اعتراف نمود و با تمام وجود توبه کرد. مایکل گفت که بدون تصویر روشنی از خداوند نمی‌توانست آن‌گونه که شایسته است عمق کاری را که کریس مرتکب شده بود را به او نشان دهد و او را از کرده خود پشیمان کند.

شناخت پدر آسمانی و الگو قرار دادن او بهترین راه برای مرد است که بتواند پدر خوبی شود. راز و نیاز بیشتر با خدا و گفتگو نمودن با او باعث می‌شود به شباهت او درآید و در شیوه رفتارش با بچه‌ها اثر خواهد گذاشت. از آنجائیکه وی به معرفت الهی نائل شده و از دل پدر آسمانی آگاه است، همان نگرش را نسبت به بچه‌ها خواهد داشت. چنانچه شوهرتان رابطه‌ای با پدر زمینی‌اش نداشته است، برقراری چنین رابطه‌ای با خدا دشوار است. شیوه ارتباط مرد با با پدرش اغلب رابطه‌اش با خدا را تحت

تأثیر قرار می‌دهد. اگر پدرش او را ترک کرده، ممکن است هراس داشته باشد که خدا او را ترک و فراموش کرده است. اگر پدرش با او نزدیک و صمیمی نبوده، ممکن است خدا را دور از دسترس و بی اهمیت ببیند. اگر نسبت به محبت و عشق پدرش شک و تردید داشته، ممکن است به عشق پدر آسمانی نیز شک داشته باشد. اگر از دست پدرش عصبانی است، ممکن است همچنین از پدر آسمانی‌اش عصبانی باشد. حوادث گذشته در ارتباط با پدرش می‌تواند همچون مانعی او را از شناخت واقعی عشق خدا باز دارد و این در رابطه‌اش با بچه‌ها نیز اثر خواهد گذاشت.

دعا کنید که شوهرتان به درک و بصیرت عمیق تری از عشق پدر آسمانی نائل شده و از پنداشت‌های نادرستی که در قلب، ذهن و روح خود دارد، رهائی یابد. هر جا که پدرش موجب ناکامی و عجز او شده و او خدا را برای آن مقصر می‌داند، از پروردگار برای صدمه‌ای که خورده شفا بطلبید. در کتاب مقدس آمده "هر که پدر و مادر خود را لعنت کند، چراغ زندگی‌اش خاموش خواهد شد" (امثال ۲۰:۲۰). و اگر قلباً پدرش را مورد عفو قرار ندهد، در جهالت و گمراهی بوده و از بصیرت و بینش الهی برای اینکه پدر خوبی برای فرزندانش باشد، بی نصیب خواهد بود. لازم نیست که پدرش زنده باشد تا رابطه‌اش را با وی بهبود بخشد، بلکه همه چیز به دل او بستگی دارد. از خداوند کمک بطلبید تا نگرشی مثبت و درست نسبت به پدر زمینی‌اش داشته تا هیچ چیزی مانع از برقراری رابطه او با خدا نشود.

مردان اغلب متوجه اهمیت وجودی شان برای فرزندانشان نیستند و فکر می‌کنند تنها وظیفه شان تأمین نیازهای مادی است. اما اهمیت نفوذ و اثری که پدر بر فرزندان خویش دارد را نمی‌توان نادیده گرفت. شیوه ارتباط پدر با بچه‌ها، زندگی ایشان را تحت الشعاع قرار داده و به سمت خوب یا بد متمایل خواهد ساخت. این امر زندگی او را نیز برای همیشه تغییر خواهد داد زیرا اگر در

انجام مسئولیت‌های پدرانه‌اش موفق نشود، احساس عجز و ناکامی همواره با او خواهد بود و هر موفقیت دیگری در زندگی‌اش به آن حد موجب خشنودی و رضایت او نخواهد گردید.

دعا

پروردگارا، به (اسم شوهر) بیاموز تا چگونه پدر خوب و شایسته‌ای باشد. ابعادی از زندگی‌اش را که مطابق روش تو نیست تصحیح نما و به او کمک کن پدرش را ببخشد. خود را بر او نمایان ساز و قلب جستجوگری به او بده تا به معرفت تو نائل شده و تو را بعنوان پدر آسمانی خود بپذیرد. او را نزد خود بخوان تا مانند تو شود و بطور کامل قلب پر از محبت، رحمت، و شفقت تو را دریابد و همان محبت قلبی را نسبت به فرزندان‌ش هم بوجود آورد. به او کمک کن تا میان رحمت، بخشش و داورى به روش تو تعادل و موازنه برقرار کند. با اینکه اطاعت و پیروی لازمه برقراری ارتباط با توست اما چنانچه سربچی کنیم، تو بلادرنگ قلب نادم ما را می‌پذیری و ما را بدرگاه خود قبول می‌کنی. خدایا به او نیز قلبی رحیم و با گذشت عنایت کن. به او زمان و چگونگی تأدیب و انضباط بچه‌ها را نشان بده. مددکار او باش و به او چشم بصیرت عطا کن تا بفهمد هر که فرزند خود را دوست می‌دارد او را تأدیب و تنبیه می‌کند (امثال ۱۳: ۲۴). باشد که "او بیش از حد بچه‌ها را سرزنش نکند، مبادا دلگیر و خشمگین شوند، بلکه ایشان را آنطور که خداوند می‌پسندد با محبت تربیت کند و با کلام خدا ایشان را پند و نصیحت دهد" (افسیسیان ۴: ۶). دعا می‌کنم در قوانینی که برای بچه‌ها در نظر می‌گیریم، اتفاق نظر داشته و در روش تربیت و پرورش آنها توافق کامل داشته باشیم. دعا می‌کنم هیچ دعوا و

مشاجره‌ای در مورد شیوه رفتارمان با آنها و مسائل پیرامون زندگیشان نداشته باشیم.

مهارت‌های ارتباط با بچه‌ها را به او بیاموز. دعا می‌کنم که مستبد، عبوس، کله شق، بیرحم، سرد، متجاوزگر، بدزبان، غیر قابل ارتباط، بی تفاوت، انتقادی، ضعیف، بی علاقه، اهمال کار، غیر قابل اعتماد، و بی اهمیت نباشد. بلکه مهربان، دلسوز، رقیق القلب، گرم، علاقمند، تصدیق کننده، مثبت اندیش، اثرپذیر، سازگار، قابل اعتماد، خوش زبان، خوش برخورد، فهمیده، و صبور باشد. و از فرزندانش بخواهد و به ایشان انگیزه بخشد تا او را بعنوان پدر احترام گذارند تا زندگی پر برکت و طولانی داشته باشند.

پروردگارا، می‌دانم که ما میراث معنوی خود را در بچه‌هایمان به ودیعه می‌گذاریم. باشد میراثی که به آنها منتقل می‌کنیم غنی از روح مقدس تو باشد. او را توانمند ساز تا از قانون و حکم تو اطاعت نموده و مطابق آن گام بردارد. باشد که به فرزندانش رغبت داشته و با صبر و حوصله مطابق روش تو ایشان را تربیت کند. باشد که پدر شایسته بودن خواسته قلبی او باشد و دعا می‌کنم این خواسته را به او عطا کنی.



ابزار قدرت

تاج افتخار پیران، نوه‌های ایشان می باشند
و تاج افتخار فرزندان، پدران ایشان.

امثال ۱۷:۶

همانطور که هر پدری پسر محبوب خود را تنبیه می کند
تا او را اصلاح نماید،
خداوند نیز تو را تأدیب و تنبیه می کند.
امثال ۱۲:۳

فرزندی درستکار و دانا باش تا مایه شادی و خشنودی پدر و
مادرت شوی.
امثال ۲۳:۲۴

فرزند خود را تأدیب کن تا باعث شادی و آرامش فکر تو باشد.
امثال ۱۷:۲۹

پروردگار می فرماید
"آنگاه من پدر شما خواهم بود و شما پسران و دختران من."
دوم قرن تیان ۱۸:۶











فصل نوزدهم

گذشته او

وقتی مایکل نوزده ساله بود از ضعف عصبی غش می‌کرد. او در طول روز به دانشگاه می‌رفت و غروبها و شب‌ها را به تصنیف، تنظیم و نواختن پیانو و طبل زنی در باشگاههای محلی می‌پرداخت. استرس زیاد و خواب کمی داشت. کار طاقت فرسا او را تا حد مرگ رسانده بود. دکتر خانواده پیشنهاد نمود که او را در بیمارستان روانی بستری کنند تا تمدید اعصاب یافته و نیروی خود را بازیابد. مادرش بعدها به من گفت که چقدر او و دکتر از تصمیم خود پشیمان شدند اما در آنموقع چاره‌ای غیر از این به ذهنشان نرسیده بود. مایکل دو هفته "استراحت" خود را در بیمارستان بعنوان وحشتناکترین تجربه زندگی خود توصیف می‌کند. او شاهد رفتار عجیب و هراسناک سایر بیماران بود که به او صدمات روحی بسیار شدیدی وارد کرد و به شدت از این هراس داشت که نتواند هرگز از آنجا بیرون آید. گرچه به دانشکده برگشت و برنامه کاری را در پیش گرفت که استرس زیادی نداشت اما ترس برای همیشه با او ماند.

در طول سالهای ازدواجمان اوقاتی بود که مایکل بیش از حد کار می‌کرد و فشار زیادی را متحمل می‌شد و باعث میشد خستگی و درماندگی گذشته را تجربه کند و من مدام اتفاق دوران

نوجوانی اش را به او یادآوری می کردم. خاطرات گذشته همچون شبیح به سراغ او می آمدند و مدام این صدای تهدید آمیز را در گوش او زمزمه می کردند که اگر همینطوری ادامه دهی از بیمارستان روانی ها سر در خواهی آورد اما به من گفت چقدر دعاهاى من برای او موثر بوده و تفاوت قابل ملاحظه‌ای را در زندگی او پتید آورده است. دعا کردم که او به درک حقیقت نائل شده و حقیقت او را آزاد سازد (یوحنا ۸: ۳۲). از خدا خواستم او را از گذشته آزاد ساخته و زنجیرهای وابستگی به اندیشه‌های کهنه را پاره کند. گرچه این رهائی روندی بسیار آهسته داشت، اما هر وقت که دعا می کردم می دیدم که گشایشی حاصل می شود.

ما نیایستی در گذشته زندگی کنیم بلکه باید تنها از تجربیات آن درس بگیریم. "بایستی چیزهای کهنه و قدیمی را فراموش کنیم" و "با انتظار و امید به آنچه پیش روست، چشم بدوزیم و "بکوشیم خود را به پایان مسابقه رسانده و جایزه را از آن خود کنیم، زیرا که برای آن، خدا ما را فرا می خواند و همه اینها در اثر فداکاری مسیح است" (فیلیپیان ۳: ۱۳ و ۱۴). خداوند نجات بخش و احیاء کننده است. لازم است به او این امکان را بدهیم تا هر دوی این برکات را شامل حال ما کند. او می تواند ما را از گذشته نجات بخشد و آنچه را که از دست داده‌ایم احیاء کند و تمام آن سالهائی که در ذلت، خواری و تنگی بسر بردیم، با شادی و سرافرازی اعاده کند (مزمور ۹۰: ۱۵). بایستی بر او توکل کنیم تا او ما را بلند کرده و مقاوم و استوار سازد. اگر به گذشته وصل باشیم و دست از افکار و خیالات گذشته بر نداریم، هرگز به نقشه‌ای که خدا برای آینده ما در نظر دارد دست نمی یابیم.

گذشته شوهرتان، نه تنها خود او بلکه فرزندان او را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. بیش از رنگ پوست و چشم به فرزندان و نوادگان ما منتقل می شود. ما می توانیم میراثی دردآور و زیانبار از خود برجای گذاریم، می توانیم طلاق، عصبانیت، اضطراب،

افسردگی، ترس و بسیاری چیزهای دیگر را به فرزندانمان منتقل کنیم. هر آنچه شما و همسرتان بگسلید، آزادی بیشتری را برای فرزندانمان به ارمغان خواهد آورد. اگر در گذشته و خاطرات آن غرق شوید نه تنها خود را، بلکه فرزندانمان را نیز از وعده های نوید بخش خداوند محروم خواهید ساخت.

حوادثی که در دوران طفولیت شوهرتان رخ داده است احتمالاً بیشترین تأثیر را بر زندگی کنونی او خواهند داشت. پیشامدهای بد گذشته یا رخدادهای خوب و خوشایندی که هرگز اعضای خانواده آن را تجربه ننمودند، از اهمیت بسزائی برخوردارند. القابی که بطریقی در دوران کودکی توسط اقوام و دوستان به ما نسبت داده شدند با قدم گذاشتن به دوران بزرگسالی ناپتید نمی شوند. القابی همچون چاق، احمق، بی ریخت، مغلوب، ناتوان، فقیر، بازنده، بدقیافه، کند و نادان اثر منفی خود را بر ذهن و روح ما گذاشته و در افکار ما حک می شوند. گرچه هیچکس قادر به انکار پیشامدهای گذشته نیست اما این امکان وجود دارد که با دعا همه اثرات و صدمات ناشی از آن را محو کنیم. برای هیچ کس مقدر نشده تا ابد با این اوهام و افکار و پنداشتهای نادرست زندگی کند.

خداوند می فرماید ما بایستی برای رستگاری و نجات خود از او کمک بطلبیم. بایستی با گام برداشتن در راه او و شناخت و پذیرش حقیقت او خود را از گذشته رها کنیم. اما گاهی تنها به سطحی از آزادی دست می یابیم. شوهرتان شاید فکر کند که نجات یافته است و ناگاه دریابد که سایه های اسارت هنوز زندگی اش را تهدید می کند و او را در کام خود فرو می برد، گویی چیزی عوض نشده و همه چیز به جای نخست خود بازگشته است. به او بگوئید که دلسرد و ناامید نشود چون اگر مطابق خواسته خداوند زندگی کرده باشد احتمالاً خداوند می خواهد او را به سطح عمیق تری از آزادی، اختیار و اراده فکری برساند. دعاهاى شما یقیناً او را آماده

می سازد تا در راهی که آزادی بیشتری را در پی دارد، با اطمینان قدم بردارد.

رهائی از گذشته بسته به آنچه خداوند می خواهد به شما بیاموزد می تواند بلادرنگ اتفاق افتد یا فرایندی قدم به قدم باشد. مسئله اینجاست که شما نمی توانید بر حسب برنامه زمانی خود آن را بوجود آورید؛ لازم است صبور باشید و هر چقدر هم که طول بکشد برای شوهرتان دعا کنید تا به نخواستهای گذشته که از عمق جان و دل او بیرون می آیند ترتیب اثر ندهد و با عزمی راسخ تصمیم بگیرد.

دعا

خدایا، دعا می کنم که به (اسم شوهر) توان بخشی تا کاملاً خود را از گذشته رها کند. هر دلبستگی و تعلقی را که به گذشته دارد از او جدا کن. به او کمک کن تا اعمال و رفتارهای عادی گذشته را ترک کرده و ذهن و فکر خود را بر آنها معطوف نکند بلکه با ذهن و اندیشه‌ای تجدید یافته بسوی کمال پیش رود (افسسیان ۲۲: ۴ و ۲۳). درک و فهم او را وسیع کن تا ببیند تو همه چیز را نو می سازی (مکاشفه ۵: ۲۱) به او راهی تازه و الهام گرفته از روح القدس را نشان بده تا بر پیشامدهای ناخوشایند گذشته فائق آید. به او فکر مسیح را بده تا به وضوح ندای تو را از نداهای گذشته تشخیص دهد. آنگاه که نداهای گذشته بر ذهن و فکر او یورش می آورند، به او قدرت ببخش تا برخاسته و وجود خود را با حقیقت کلام تو سرشار سازد و تسلیم آنها نشود. دعا می کنم تجربیات گذشته همچون بی توجهی، عدم پذیرش، انکار و ترک باعث نشود آنچه را که اکنون می شنود دروغ پنداشته، و آنچه را اکنون می بیند تیره و تار کند. به او قلبی با گذشت عطا کن تا تلخی، نفرت، انتقام، عدم بخشش در روح و جان او جایی نداشته باشد. باشد که تنها از

گذشته درس گیرد و از آن بعنوان الهام و رهنمونی در زندگی اش مدد نگیرد. دعا می کنم او را از هر رویداد ناخوشایندی که در حافظه او حک شده است رها سازی و به او حیات و زندگی بخشی. زخمهای او را ببند (مزمور ۱۴۷: ۳) و جان او را تازه ساز (مزمور ۲۳: ۳). به او کمک کن تا گذشته را رها کند و دست از افکار و اندیشه های کهنه کشیده و چشم امید به آینده ای که تو برای آن مقدر کرده ای داشته باشد.



ابزار قدرت

گذشته را فراموش کنید.
می خواهم کار تازه و بی سابقه ای انجام دهم،
همین الان آن را انجام می دهم، آیا آن را نمی بینید؟
در بیابان جاده ای می سازم تا به سر منزل مقصود برسید
و در صحراها نهرهائی بوجود می آورم.
اشعیا ۴۳: ۱۸ و ۱۹

کسی که از آن مسیح می گردد، تبدیل به شخص جدیدی می شود.
او دیگر آن انسان قبلی نیست و
زندگی کاملاً تازه ای را آغاز کرده است.
دوم قرنتیان ۵: ۱۷

طبیعت کهنه و گناه آلود خود را که بر اثر شهوات فریبنده فاسد و
فاسدتر می شود از خود بیرون نمائید،
فکر و ذهن شما باید روز بروز تغییر کند و بسوی کمال پیش رود.

بله شما باید شخص جدید و متفاوتی شوید،
 شخصی مقدس و درستکار
 و این طبیعت نو را که به صورت خداست بپوشید.
 افسسیان ۴: ۲۲-۲۴

با اینکه نیروی ما بتدریج از بین می رود
 اما نیروی باطنی ما روز بروز در خداوند فزونی می یابد.
 دوم قرننتیان ۴: ۱۶

خدا تمام اشکها را از چشمان آنها پاک خواهد ساخت.
 دیگر نه مرگی خواهد بود و نه غمی، نه ناله‌ای و نه دردی
 زیرا تمامی اینها متعلق به گذشته بود که از بین رفت.
 مکاشفه ۴: ۲۱



فصل بیستم

نگرش او

هیچ کس نمی خواهد با کسی مصاحبت و معاشرت داشته باشد که از نگرشی بد برخوردار است. زندگی بقدر کافی سخت است و شما نمی خواهید یکی هم مدام در مجاورت شما ناله و شکوه کند. مردی را می شناسم که عادت دارد همیشه عصبانی و ناراحت باشد طوریکه اولین عکس العملش به هر چیزی حتی خبر خوب بر حسب عادتش صورت می گیرد. وقتی اتفاقات بزرگ پیش می آید، چیزی پیدا می کند که بخاطرش آشفته و مضطرب باشد. متأسفانه، این عادت از بچگی در او شکل گرفته و احتمالاً واکنشی است که از جایی آموخته است. شاید هیچ کس به او نیاموخته است چگونه از زندگی لذت ببرد. او هنوز هم با انتخابی که می کند به گذشته اش اختیار می دهد تا زندگی حال او را احاطه کند و شادی اش را برباید. بهمین علت نه تنها خودش هرگز احساس شادی و سعادت نمی کند، بلکه سایرین نیز از مصاحبت و همنشینی با او لذت نمی برند. ما نمی خواهیم چنین آدمی باشیم و نه مایلیم با چنین آدمی زندگی کنیم.

بدون عنوان نمودن اسامی، به شما اطمینان می دهم که من در دعا برای افرادی که نگرشی بد نسبت به زندگی دارند، ماهر و آزموده شده ام. گرچه مدت زمان طولانی سپری شد تا بجای واکنش

بله شما باید شخص جدید و متفاوتی شوید،
 شخصی مقدس و درستکار
 و این طبیعت نور را که به صورت خداست ببوشید.
 افسسیان ۴: ۲۲-۲۴

با اینکه نیروی ما بتدریج از بین می رود
 اما نیروی باطنی ما روز بروز در خداوند فزونی می یابد.
 دوم قرننتیان ۴: ۱۶

خدا تمام اشکها را از چشمان آنها پاک خواهد ساخت.
 دیگر نه مرگی خواهد بود و نه غمی، نه ناله‌ای و نه دردی
 زیرا تمامی اینها متعلق به گذشته بود که از بین رفت.
 مکاشفه ۴: ۲۱



فصل بیستم

نگرش او

هیچ کس نمی خواهد با کسی مصاحبت و معاشرت داشته باشد که از نگرشی بد برخوردار است. زندگی بقدر کافی سخت است و شما نمی خواهید یکی هم مدام در مجاورت شما ناله و شکوه کند. مردی را می شناسم که عادت دارد همیشه عصبانی و ناراحت باشد طوریکه اولین عکس العملش به هر چیزی حتی خبر خوب بر حسب عادتش صورت می گیرد. وقتی اتفاقات بزرگ پیش می آید، چیزی پیدا می کند که بخاطرش آشفتگی و مضطرب باشد. متأسفانه، این عادت از بچگی در او شکل گرفته و احتمالاً واکنشی است که از جایی آموخته است. شاید هیچ کس به او نیاموخته است چگونه از زندگی لذت ببرد. او هنوز هم با انتخابی که می کند به گذشته اش اختیار می دهد تا زندگی حال او را احاطه کند و شادی اش را برآید. بهمین علت نه تنها خودش هرگز احساس شادی و سعادت نمی کند، بلکه سایرین نیز از مصاحبت و همنشینی با او لذت نمی برند. ما نمی خواهیم چنین آدمی باشیم و نه مایلیم با چنین آدمی زندگی کنیم.

بدون عنوان نمودن اسامی، به شما اطمینان می دهم که من در دعا برای افرادی که نگرشی بد نسبت به زندگی دارند، ماهر و آزموده شده ام. گرچه مدت زمان طولانی سپری شد تا بجای واکنش

نشان دادن به دیدگاه منفی، برایشان دعا کنم. با اینهمه، دعاهایم اجابت شدند و هنوز در این شیوه رفتار در حال رشد و تکامل هستم. هر بار که دعا می کردم روح نشاط و سرور در دل این شخص بجوشد، تغییرات آشکاری را ملاحظه می کردم و همچنین واکنش من نیز بهتر می شد.

فرد عصبانی، لجوج، بی گذشت و منفی گرا به دلایل مختلف هر یک از این رفتارها را از خود بروز می دهد. او در شیوه کردار و پندار خود مقاومت می کند و این لجابت مانع از آن می شود که عشق خداوند را دریافت کند. کتاب مقدس می گوید: اختیار و انتخاب با ماست که شر و پلیدی را به دل راه ندهیم (مزمور ۱۰۱: ۴)، خدا ترس باشیم و نسبت به عشق و محبت خدا سر سخت نبوده و قلبمان را برای دریافت آن پذیرا و آماده کنیم (امثال ۱۴: ۲۸). این ما هستیم که طرز فکر و نگرش خود را انتخاب می کنیم و این ما هستیم که انتخاب می کنیم عشق خدا را دریافت کنیم و در همه حال سپاسگزار باشیم.

چنانچه شوهرتان اجازه دهد نگرش منفی و بد براو چیره شود ازدواج خوب و سالمتان، تیره و تار و ازدواج سست و متزلزلتان، غیر قابل تحمل خواهد شد. عادت به واکنش منفی به مسائل، هر جنبه از زندگی اش را تحت الشعاع قرار خواهد داد. البته شما نمی توانید خواسته شوهرتان را کنترل کنید، اما می توانید دعا کنید که خواسته او در راستای اراده الهی باشد. دعا کنید که قلبی پاک و خالص داشته باشد، زیرا خدا می فرماید پاکدلان، خدا را خواهند دید (متی ۵: ۸) و چهره ای شاداب و بشاش خواهند داشت (امثال ۱۳: ۱۵) (آیا می خواهید شوهرتان از مشاهده جمال خدا محروم گردد و شادمانی خود را از دست دهد؟). از خداوند بخواهید به او قلبی شاکر، با محبت و خوش ارزانی دارد زیرا "از سخنان انسان نیک می توان پی برد که در باطن او اندوخته ای نیک وجود دارد" (متی ۱۲: ۳۵). حتی اگر تغییرات اساسی بلافاصله پیش نیاید، قطعاً

دعاهای شما قلب او را نرم و حساس می‌کند و به شما کمک می‌کند با نگرشی بهتر به انتظار گشایش و بهبودی در کردار و پندار و گفتار شوهرتان بنشینید.

دعا

پروردگارا، وجود (اسم شوهر) را با عشق و محبت و آرامش خودت پر کن. باشد که آرامش، متانت، آسودگی، تندرستی و کامیابی در او برقرار باشد زیرا که زندگی‌اش در اختیار توست و اسیر تمایلات نفسانی و خواهشهای انسانی نشده است. کمک کن تا راه درست را پیشه خود ساخته و با قلبی پاک و کامل به حضور تو آید (مزمور ۱۰۱: ۲). نور روح مقدست را بر دل او بتابان و با مهر و محبت خود تشنگی او را سیراب فرما.

دعا می‌کنم که مهربان و صبور بوده، خودپسند نباشد و به آسانی برافروخته و غضبناک نگردد. به او قدرتی عطا فرما تا در هر شرایطی تحمل داشته، امید خود را از دست ندهد و در هر وضعیتی مقاومت و بردباری کند (اول قرنتیان ۷: ۱۳). او را از عصبانیت، ناآرامی، اضطراب، تشویش، آشفتگی درونی، و فشار رها کن. باشد که تلخی و اندوه روح و دل او را افسرده و شکسته نکند (امثال ۱۵: ۱۳). بلکه بواسطه نشاط دل، سرمست و شاد باشد (امثال ۱۵: ۱۵). به او روح فرح بخشی عطا کن تا در ایام کهنسالی به آدمی اخمو و ترشرو بدل نشود. به او کمک کن غصه هیچ چیز را نخورد بلکه در همه شرایط شکرگزار بوده و به آرامشی نائل شود که ماورای درک و شعور بشری است. باشد که بر زبان آورد "بر آنچه که دارم راضی و قانع هستم" (فیلیپیان ۴: ۱۱). هم اکنون به (اسم شوهر) می‌گویم "خداوند تو را برکت دهد و از تو محافظت فرماید، خداوند روی درخشان خود را بر تو بتاباند و بر

شما رحمت فرماید و لطف و جمال خود را به شما نشان دهد و به شما سلامتی و آرامش بخشد" (اعداد ۶: ۲۴-۲۶).



ابزار قدرت

برای هیچ چیز غصه نخورید،
در عوض برای همه چیز دعا کنید و هر چه لازم دارید
به خداوند بگوئید و برای اجابت دعاهایتان از او تشکر نمائید.
اگر چنین کنید از آرامش خدا بهره مند خواهید شد،
آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست:
این آرامش الهی به فکر و دل شما
که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید.
فیلیپیان ۴: ۷و۶

گناهانتان را از خود دور نمائید و
دل و روحی تازه در خود ایجاد کنید!
حزقیال ۳۱: ۱۸

کسی که بر نفس خویش تسلط ندارد، مثل شهری بی حصار است.
امثال ۲۵: ۲۸

اگر عطای نبوت داشته باشم و از رویدادهای آینده آگاه باشم
و همه چیز را درباره هر چیز و هر کس بدانم،
اما انسانها را دوست نداشته باشم، چه فایده‌ای برای آنها دارم؟

یا اگر چنان ایمانی داشته باشم که به فرمان من کوه ها جابجا گردند
 اما انسانها را دوست نداشته باشم باز هیچ ارزشی نخواهم داشت.
 اول قرنیتیان ۲:۱۳

با شکرگزاری از دروازه ها به خانه او داخل شوید
 و سرود خوانان به صحن او در آئید.
 او را پرستش نمائید، سپاسگزار او باشید
 و نام مقدسش را گرامی بدارید.
 مزمور ۴:۱۰۰



فصل بیست و یکم

ازدواج او

قبل از ازدواج، یکی از چیزهایی که نمی خواستم در شوهر آینده‌ام داشته باشم علاقه او به ورزش بود. از این فکر که بقیه عمرم را با کسی صرف کنم که تمام وقت آزادش را پای تلویزیون به تماشای فوتبال، بیس بال، بسکتبال و گلف بنشیند منتفر و بیزار بودم. یکی از چیزهایی که در اول آشنائی‌ام با مایکل بسیار دوست داشتم و تحسین می کردم این بود که وقتی با هم بودیم هرگز حرفی از ورزش نمی زد. در حقیقت ادعا می کرد که ورزش او را خسته می کند. می توانید تصور کنید چقدر تعجب کردم وقتی چند سال بعد از ازدوایمان متوجه شدم نه تنها به ورزش علاقمند بود بلکه عاشق و دیوانه آن است. اگر تیم شیکاگو می باخت، انگار که تمام خانواده باخته است و همه غمگین و افسرده بودند. وقتی باشگاه «کاب» برنده می شد، آدمهای دور و بر او از صدای داد و فریاد و هورای او کر می شدند. او حتی به دیدن بازی ها هراز گاهی رضایت نمی داد و باید تک تک بازی ها را تماشا می کرد و جالب این جاست که تماشاگر منفعلی هم نبود؛ تی شرت بر و کلاه باشگاه کاب را می پوشید و بالا و پائین می پرید. سعی کردم با او به تماشای بازی ها بروم اما بجای علاقه به ورزش، از خوردن هات داگ لذت می بردم و به عشق آن به تماشای بازی ها می رفتم.

سعی کردم با او پای تلویزیون نشسته و مسابقات ورزشی را تماشا کنم اما خستگی آن مشقت بار و رنج آور بود. من این حقیقت تلخ را پذیرفتم که ظاهراً او تماشای یک رویداد ورزشی را به خانواده‌اش ترجیح می‌دهد.

چند سالی از آن جریان نگذشته بود که تغییری بوجد آمد و آن وقتی بود که من شروع به دعا برای ازدواجمان کردم. به دلیلی که قابل درک برای من نبود، خداوند علاقه شوهرم را به ورزش آنطوری که من دعا کردم از بین نبرد. بلکه به من آرامش و فکری نو داد. ما توافق کردیم که من او را وادار به انکار علاقه‌اش به ورزش نکنم و او نیز مرا وادار به دوست داشتن آن نکند. همینطور بدو تهمت نزیم که چرا قبل از ازدواج مرا فریب داده و علاقه‌اش را به ورزش رو نکرده است، همینطور او نیز چیزی را به من نسبت ندهد. بنظر می‌رسد این مسئله‌ای کوچک و بی اهمیت در ازدواج باشد اما این جور مسائل مشکلات زیادی را فراهم می‌کند و عامل اساسی در دوام و بقای ازدواج یا از هم پاشیدگی آن است.

دعا در مورد همه جنبه‌های ازدواج مانع از آن می‌شود که فکر طلاق در خانواده ریشه دواند. بنابراین ما نبایستی مسائل اساسی و عمده را نادیده بگیریم حتی اگر فکر کنیم که این موارد شامل حال ما نمی‌شود. از اول ازدواجمان دعا کردم که طلاق یا زنا در آینده زناشویی ما نباشد. گرچه سابقه‌ای از طلاق یا زنا در خانواده بچشم نمی‌خورد، اما این دو معضل چنان در فرهنگ و حرفه‌ای که در آن هستیم، اشباع شده که تقریباً انتظار می‌رود هر از چند گاهی روی دهد. دعا کردم که خداوند ازدواج ما را از هر یک از معضلات طلاق یا زنا حفظ کند و خداوند در اجابت دعا‌های من وفادار بوده است.

ازدواج فوق العاده و دوست داشتنی می‌شود وقتی دو نفر با تعهد متقابل بدان وارد شوند و سعی کنند به هر قیمتی شده آن را قوی، استوار و پا برجا نگه داشته و از هر تهدیدی در امان دارند.

اما اغلب طرفین با عقاید از پیش متصور شده‌ای در مورد خصوصیات شخص مقابل و چگونگی زندگی زناشویی وارد ازدواج می‌شوند و بعد با حقیقت روبرو می‌گردند و این نقطه بحرانی است که می‌تواند به ازهم پاشیدگی و گسسته شدن پیوند آنها بیانجامد. شایسته است بطور مداوم دعا کنید که هر گونه انتظارات غیر واقعی عیان شده و همه ناسازگاریها هموار و آسان گردد تا با یکدیگر رشد کرده و به یگانگی و وحدت روحی، تعهد، صمیمیت، و انس برسید. دعا کنید که ازدواجتان عرصه توافق، هماهنگی و یکدلی باشد تا خدا نیز حافظ ازدواج شما باشد." (متی ۱۸: ۱۹ و ۲۰). اگر هر یک از شما قبلاً ازدواج کرده است، دعا کنید که هیچ چیزی از رابطه گذشته‌تان وارد ازدواج جدیدتان نگردد. هر گونه تعلقات خوب و بد عاطفی و روحی را در گذشته رها کنید. شما نمی‌توانید رو به آینده حرکت کنید درحالی‌که هنوز وابستگی یا تعلق خاطری به گذشته دارید.

ازدواجتان را امری بدیهی و مسلم تلقی نکنید؛ حتی اگر ازدواج فوق العاده خوب و عالی داشته باشید. "هشیار باشید و فکر نکنید که می‌توانید استقامت ورزیده و گرفتار نشوید، شما نیز ممکن است در دام گناه گرفتار شوید" (اول قرنیتان ۱۲: ۱۰). برای ازدواجتان دعا کنید تا از هر فرد یا موقعیت ویرانگری برحذر و درامان باشد. از پروردگار بخواهید تا هر آنچه لازم است برای مصون و ایمن نگاه داشتن ازدواجتان انجام دهد حتی اگر لازم باشد برای روشن شدن دیدگان شما به حقیقت، همچون صاعقه‌ای بر شما اصابت کند. دعا کنید خداوند ازدواجتان را برای هر دوی شما منبع شادی و حیات نموده و از محنت و رنج، ناراحتی، ترس، رنجش یا شرایط موقت برهاند.

دعا

خدایا، دعا می کنم ازدواجمان را از هر زیان و هلاکت حفظ نمائی. همچون سپری ازدواجمان را از خودخواهی، جهالت و نادانی خودمان، برنامه و تمایلات شیطانی دیگران و از موقعیت های ناسالم و خطرناک در امان بدار. باشد که هرگز فکر طلاق یا بیوفائی چه در حال و چه در آینده به دلمان راه ندهیم. ما را از صدمات و رنجشها، خاطرات و وابستگی های گذشته و توقعات غیر واقعی نسبت به یکدیگر رها کن. دعا می کنم که در روح هیچیک از ما حسادت وجود نداشته و همینطور اجازه ندهیم بسبب عزت نفس پائین، روح غبطه و حسادت بر ما برتری جوید. باشد که چیزی به قلب و عادات ما نفوذ نکند که تهدیدی برای ازدواجمان باشد. بویژه مشروبات الکلی، مواد مخدر، قمار، عکسها و فیلمهای مبتذل جنسی، شهوت و بوالهوسی یا تعلق خاطر افراطی به چیزی و غفلت از چیزی دیگر ازدواجمان را به خطر نیاندازد. ما را در همبستگی، دوستی، تعهد و فهم متحد کن بی تجربگی، خصومت و احساس عدم کفایت را در ما به حداقل برسان. کمک کن برای یکدیگر وقت بگذاریم تا به ازدواج طراوت، تازگی و انرژی تازه ای ببخشیم و دلایلی را که ابتدا به خاطرش ازدواج کردیم به ما یادآوری نما. دعا می کنم وفاداری و تعهد (اسم شوهر) به تو چنان عمیق باشد که تعهد و وفاداری اش به من در هر شرایطی متزلزل نشود. دعا می کنم که عشق و محبت و دوستی بین ما هر روز قوی تر شده و هرگز میراث طلاق را برای بچه هایمان باقی نگذاریم.



ابزار قدرت

دو نفر از یک نفر بهترند،
 زیرا نفع بیشتری از کارشان عاید می شود.
 اگر یکی از آنها بیفتد، دیگری او را بلند می کند؛
 اما چه بیچاره است شخصی که می افتد
 ولی کسی را ندارد که به او کمک کند.

جامعه ۴: ۱۰ و ۹

خداوند شما را با یکدیگر پیوند داد و شما در نظر او یک تن شدید.

حال خدا از شما چه می خواهد؟

او می خواهد که فرزندان خداشناس داشته باشید.

پس مواظب باشید که به همسر خود خیانت نکنید.

خداوند، خدای اسرائیل می فرماید:

"من از طلاق نفرت دارم،

و نیز از اینکه کسی ظلم را همچون جامه به تن کند.

پس مواظب روحهای خود باشید و از خیانت بپرهیزید.

ملاکی ۲: ۱۵ و ۱۶

به ازدواج خود و عهد و پیمانی که بسته‌اید وفادار باشید،

و پیوند زناشوئی‌تان را از آلودگی دور نگه دارید،

زیرا خدا افراد فاسد و زناکار را حتماً مجازات خواهد کرد.

عبرانیان ۱۳: ۴

وقتی دو نفر کنار هم می خوابند، گرم می شوند؛
اما کسی که تنهاست چطور می تواند خود را گرم کند؟
جامعه ۱۱:۴

در اینجا برای آنانی که ازدواج کرده اند،
دیگر نه یک توصیه، که یک دستور دارم،
دستوری که از جانب من نیست
بلکه خود خداوند آن را فرموده است؛
و آن اینست که زن نباید از شوهرش جدا شود.
اما اگر قبلاً از او جدا شده است،
بهتر است ازدواج نکند تا شاید نزد شوهرش باز گردد.
شوهر نیز نباید زن خود را طلاق دهد.
اول قرنیتان ۷: ۱۱ و ۱۰



فصل بیست و دوم

احساسات او

«دان» از عصبانیتش برای کنترل خانواده استفاده می کرد. هر یک از اعضای خانواده بسیار نگران اخلاق او بودند طوریکه بسیار محتاطانه و هوشیارانه رفتار می کردند تا او را عصبانی نکنند و هر کاری که انجام می دادند از سر ترس و نه بخاطر علاقه شان صورت می گرفت. وقتی «جنی» فهمید که مجبور نیست عصبانیت شوهرش را تحمل کند و حتی تسلیم این شرایط شدن نوعی سرپیچی از حکم خداست، اوضاع شروع به عوض شدن نمود. "با اشخاص تند خو که زود عصبانی می شوند معاشرت نکن، مبادا مثل آنها شوی و زندگی خود را تباه کنی" (امثال ۲۲: ۲۴ و ۲۵).

جنی فهمید که هنوز هم می تواند شوهرش را دوست داشته باشد اما گناهش را تصدیق نکند، پس بطور منظم به تنهایی یا به اتفاق دوستان دعاگو شروع به دعا کرد. او از خدا خواست که شوهرش تحت تأثیر احساساتش عمل ننماید بلکه تحت کنترل روح القدس باشد. دعاهاى او نه تنها چشمان دان را به حقیقت گشود و رفتار او را در برابرش نمایان ساخت، بلکه راه را برای او هموار ساخت و به او قدرت داد تا رفتارش را عوض کند. "هدیه ای که در خفا داده می شود، خشم را فرو می نشاند" (امثال ۲۱: ۱۴). دعا

بهترین هدیه‌ای است که زن می‌تواند برای شوهرش فراهم آورد تا عصبانیت او را فرو نشانند.

سالها بود که «چَد» بخاطر افسردگی مزمن عذاب می‌کشید. گرچه همسرش «مریلن» آدم شاد، موفق و خوش بینی بود اما احساسات منفی شوهرش باعث شده بود او نیز احساس ناامیدی و افسردگی کند. پس از مطالعه زندگی پادشاه داود متوجه شد که شوهرش نیز دقیقاً دچار حالات مشابهی است: "زندگی من پر از رنج و مصیبت است؛ جانم به لبم رسیده است! رمقی در من نمانده است، مانند مرده شده‌ام و نیرو و توانی از خود ندارم" (مزمور ۸۸: ۳ و ۴). "از گرفتاری به خود می‌پیچم و بکلی خمیده شده‌ام. تمام روز می‌نالم و به اینسو و آنسو می‌روم ... از شدت تب می‌سوزم و جای سالمی در بدنم نمانده است. تاب تحمل خود را از دست داده و بکلی از پا افتاده‌ام؛ غم دلم را گرفته و از شدت درد می‌نالم" (مزمور ۳۸: ۸ و ۹).

مریلن دریافت که داود با همه دلتنگی‌اش، امید خود را به خدا از دست نداد: "خداوندا، تو روح مرا از هلاکت نجات دادی و مرا از لب گور برگرداندی و نگذاشتی بمیرم" (مزمور ۳۰: ۳). "به لطف و رحمت تو شادی می‌کنم زیرا به مصیبت من توجه نمودی و از مشکلات روحی من آگاه شدی" (مزمور ۷۳: ۱). "نزد من بیا و به قلب و روح من مسلط شو و مرا از دست دشمن رها کن" (مزمور ۱۸: ۶۹). او یقین داشت که خدا رحم و شفقت خود را از چَد دریغ نخواهد کرد و روزنه امید در دلش باز شد که دعا می‌تواند کلید آزادی شوهرش از چنگال افسردگی باشد.

او به چَد گفت که هر روز خود را ملزم به دعا برای او می‌کند و از شوهرش خواست تا او را در جریان احوالش قرار دهد. از همان روز اول هر دو متوجه شدند هر بار که مریلن دعا می‌کند، چَد احساس شادمانی می‌کند. طولی نکشید که چَد دیگر نمی‌توانست قدرت دعاها را انکار کند و شروع به دعا با همسرش

نمود و از آنموقع او بطور پیوسته و ثابتی در حال بهبودی بوده است. حالا دیگر او چندان دچار افسردگی نمی شود و قادر است خیلی زود خود را از افسردگی و بیماری بیرون کشد. و هر دوی آنها خود را متعهد و ملزم کردند که برای نجات کامل چد دعا کنند. عصبانیت و افسردگی از جمله احساسات منفی هستند که در طول زمان بوجود آمده اند و باعث آزار روح فرد می شوند. افراد افسرده و عصبانی اغلب فکر می کنند این احساسات جزء شخصیت آنها می باشد که قابل عوض شدن نیست، در حالیکه این رفتارها قابل تغییر هستند. در گوشه ای نایستید و نظاره گر شوهرتان باشید که تحت تاثیر احساسات خود درمانده شده است. آزادی فاصله ای از ما ندارد و تنها با یک دعا می توان آن را بدست آورد.

دعا

پروردگارا، در کلامت فرموده ای که کسانی را که به تو توکل کنند نجات می بخشی و رستگار می کنی (مزمور ۲۲: ۳۴). دعا می کنم که ایمان (اسم شوهر) او را از احساسات منفی نجات دهد. باشد که هرگز افسردگی، عصبانیت، اضطراب، حسادت، ناامیدی، ترس، یا فکر خودکشی به ذهن او راه نیابد و بر او مسلط نشود. بویژه برای (حوزه نگرانی) دعا می کنم. او را از این (حوزه مخصوص که دعا می کنید) و سایر احساسات تسخیر کننده ذهن و روان رها کنی (مزمور ۱۷: ۴۰). می دانم که تنها تو رها کننده و شفادهنده می باشی. مرا بعنوان وسیله ای برای احیاء و اصلاح به خدمت بگیر. مددکار من باش تا اندیشه ها، افکار و احساسات منفی او موجب افسردگی من نگردد و مرا با خود به نابودی نکشاند. بلکه به من بصیرتی ببخش تا کلماتی بر زبانم جاری کنم که هستی می بخشند.

باشد که شوهرم آزادانه عمیق‌ترین احساسات و عواطف خود را با من و افرادی که می‌توانند به او کمک کنند در میان گذارد. به او کمک کن به جای سرکوب احساساتش و پنهان نمودن آنها در اعماق درونش، آنها را بیرون بریزد. سنگینی این احساسات را از سینه او بردار تا آزادانه گریه کند. در عین حال به او موهبت خنده را عطا کن تا حتی در شرایط دشوار و جدی به اوضاع بخندد. به او بیاموز بدون توجه به احساساتش، چشم از شرایط فرو بسته و تنها به تو توکل کند. به او صبر و تحمل بده که تا به آخر ایستادگی کند و بدین ترتیب جان خود را نجات بخشیده و مسئولیت زندگی خود را با استقامت در راه خدا بدست گیرد (لوقا ۲۱: ۱۹) و غم و اندوه او را به "سرور و شادی تبدیل کن" (اشعیا ۶۱: ۳)، جان او را با روح خود تازه کن و همین امروز او را از تمامی احساسات منفی رها کن.



ابزار قدرت

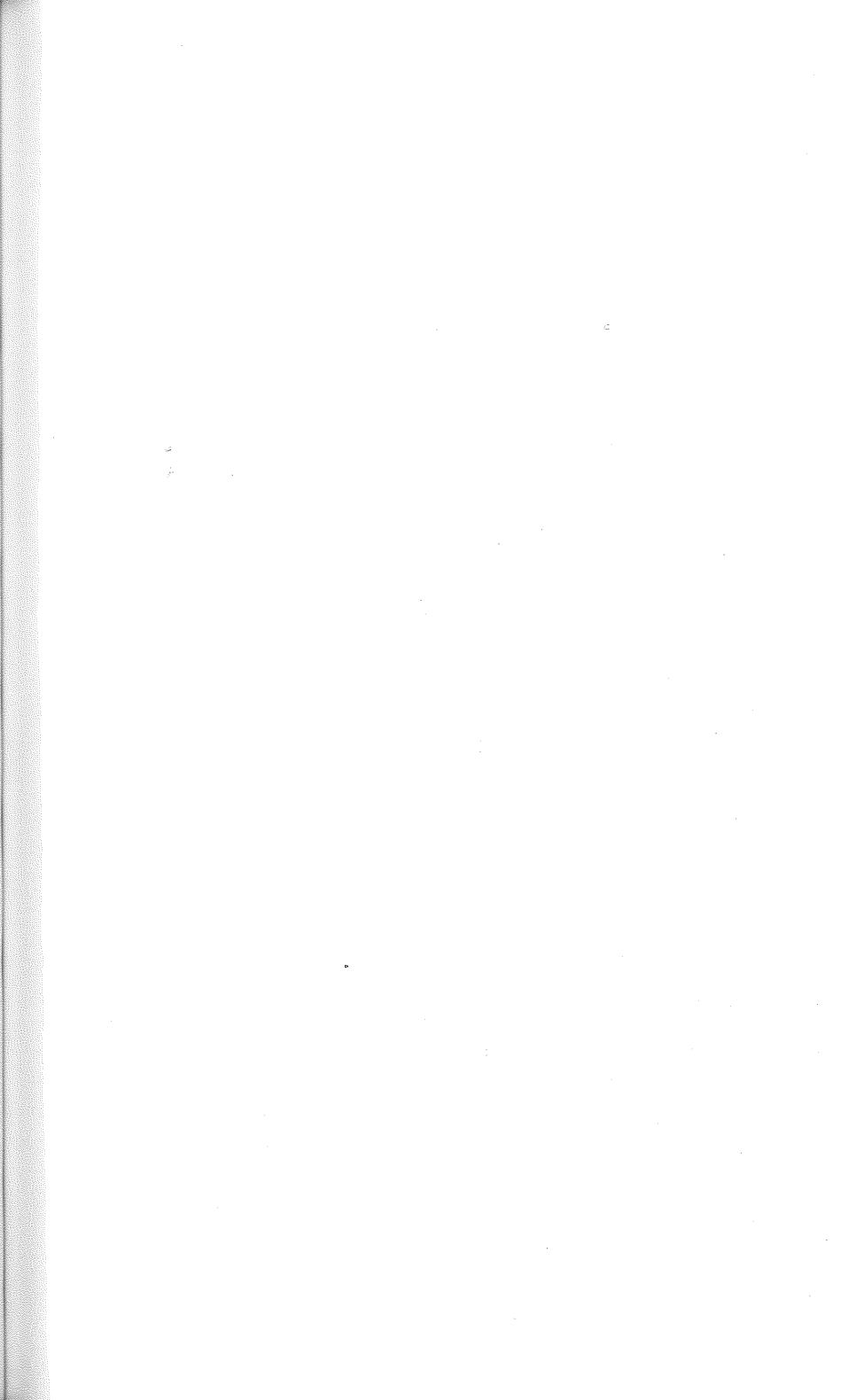
هر که بر نقشه‌های خود تکیه کند احمق است
ولی آنانکه از تعالیم خدا پیروی کنند، در امان خواهند بود.
امثال ۲۸: ۲۶

خداوند از کسانی که او را گرامی می‌دارند
و انتظار رحمتش را می‌کشند مراقبت می‌کند.
او ایشان را از مرگ می‌رهاند و روحشان را زنده می‌کند.
مزمور ۱۸: ۳۳ و ۱۹

با صبر و شکیبائی انتظار خداوند را کشیدم
و او به من توجه نمود و فریادم را شنید.
او مرا از چاه هلاکت بیرون کشید و در بالای صخره نهاد
و جای پایم را محکم ساخت.
او به من آموخت تا سرودی تازه بخوانم،
سرودی در ستایش پروردگار!
بسیاری چون این را ببینند خواهند ترسید
و بر خداوند توکل خواهند کرد.
مزمور ۴۰: ۱-۳

خداوند جان مرا تازه می سازد و بخاطر نام
پر جلال خود مرا به راه راست هدایت می کند.
مزمور ۲۳: ۳

خداوند جان خدمتگزاران خود را نجات می دهد،
کسانی که به او پناه می برند، محکوم و مجازات نخواهند شد.
مزمور ۳۴: ۲۲





فصل بیست و سوم

قدمهای او

راهی که فرد در عرصه حیات در آن گام بر می دارد به انتخاب او بستگی دارد. هر روز مسیری را انتخاب می کند. یک راه او را به جلو خواهد برد و بقیه راهها او را به عقب خواهد راند. راهی که او در آن گام برمی دارد هر جنبه از هستی اش یعنی رابطه اش با سایر مردم، رفتارش با خانواده اش، نگرش مردم نسبت به او و حتی شخصیت او را متأثر خواهد ساخت. افرادی را دیده ام که از هر لحاظ غیر جذاب بوده اند، اما وقتی یاد گرفتند با هدایت و شهود روح خدا گام بردارند، بطور اساسی تغییر کردند. وقتی روح خدا در تار و پود روح آنها تنیده شد، به غنای روح و خلوص باطن دست یافتند و به راهی که می پیمودند اطمینان قلبی پیدا کردند. چنین کمالاتی به آنها قدرت و هدفی در زندگی عطا نمود که نه تنها باعث جذابیت آنها بلکه کشش فوق العاده دیگران شد.

کتاب مقدس راهی را که باید در آن گام برداریم برای ما روشن می کند. ما بایستی در راه تزکیه اخلاق گام برداریم، زیرا "خداوند آنان را که در راه راست گام بر می دارند و به راستی عمل می کنند را از نیکوئی های خود دریغ نخواهد کرد" (مزمور ۸۴: ۱۱). ما بایستی بدون گناه و تقصیر و در راه راست ثابت قدم باشیم زیرا "هر که بدون گناه در راه درست حرکت کند،

در امان خواهد ماند" (امثال ۲۸: ۱۸). بایستی که با افراد خداشناس و درستکار مشورت کنیم، زیرا "خوشبخت کسی است که با بدکاران مشورت نکند و راه ایشان را در پیش نگیرد" (مزمور ۱: ۱). بایستی که در اطاعت کامل از خداوند بسر بریم زیرا "سعادت‌مند کسی است که خداوند را با ترس و احترام پرستش نموده و در راه او قدم بر می‌دارد و از او اطاعت می‌کند" (مزمور ۱۲۸: ۱). بایستی که همنشین مردم عاقل و خردمند باشیم زیرا "هر آنکه با دانایان معاشرت کند، دانا خواهد شد" (امثال ۱۳: ۲۰). بایستی با صداقت عمل کنیم زیرا "قدمهای آدم درستکار و امین استوار است" (امثال ۱۰: ۹). و مهمتر از همه اینها، بایستی در راه مقدس و بدون گناه گام برداریم. "در زمین ویران‌راهی باز خواهد شد و آن را "شاهراه مقدس" خواهند نامید و هیچ شخص بدکار از آن عبور نخواهد کرد. در آنجا خداوند همراه شما خواهد بود و کسانی که در آن گام بردارند اگر چه جاهل باشند گمراه نخواهند شد" (اشعیا ۳۵: ۸). حرکت در راه مقدس باعث می‌شود که حتی اگر کار اشتباهی از ما سر بزند، به راه خطا نرویم.

«بن»، شوهر «دیرا»، مرد خداشناسی است که مردم او را بعنوان آدم احمق نمی‌شناسند. با این حال، او شتابزده دست به سرمایه‌گذاری نسبتاً هنگفتی زد که بعداً معلوم شد اقدام بسیار نابخردانه‌ای بوده است. تمام پول سرمایه‌گذاری و حتی بیشتر از آن را بخاطر سایر هزینه‌ها از دست داد. این موضوع می‌توانست دارائی‌ها، و احتمالاً حتی سلامتی و ازدواج آنها را نیز به خطر بیندازد اما بخاطر اینکه بن در اطاعت مطلق و در تقدس کامل در برابر خداوند گام بر می‌داشت، در امان ماندند. شتابزده عمل نمودن و از روی نادانی منتظر هدایت خداوند نمادن باعث شد که بن گرفتار شود اما خوشبختانه به قیمت نابودی آنها تمام نشد.

مسیح گفت که تنها یک راه ما را در مسیر درست قرار می‌دهد و تنها یک در است که از آن می‌توان وارد شد. او می‌گوید

"من راه هستم" (یوحنا ۱۴:۶). راهی که به نابودی می انجامد عریض است و بسیاری آن راه را انتخاب می کنند اما "دري که به زندگي جاويدان باز می شود کوچک است و راهش نیز باریک و دشوار و تنها عده کمی می توانند به آن راه یابند" (متی ۷:۱۴). برای همسرتان دعا کنید تا این راه را بیابد. دعا کنید که روح القدس هادی او باشد. دعا کنید با ایمان به کلام خدا و با قلبی مطیع و توبه کننده در مسیر درست گام بردارد. ایمان و اطاعت، او را در شاهراه تقدس قرار خواهد داد، هدایت روح القدس و نه خواهشهای انسانی او را در شاهراه حفظ خواهد کرد.

خداوند می خواهد هر قدم شوهرتان با هدایت روح القدس باشد (غلاطیان ۵:۲۵) تا بدین طریق مطابق خواسته الهی عمل نموده و از نظر معنوی تکامل یابد. آنکه با هدایت روح القدس و با قدرت او در زندگی حرکت می کند حقیقتاً خواستنی است.

دعا

پروردگارا، می دانم که انسان حاکم بر سرنوشت خویش نیست و این توانائی را ندارد که مسیر زندگی خود را تعیین کند (ارمیا ۱۰:۲۳). پس ای خدا دعا می کنم که تو هدایتگر و راهنمای گامهای همسر من باشی، نور معرفت خود را در دل او بتابان. راه حقیقت را بر او روشن بنما تا در آن گام بردارد. باشد که سر تعظیم در برابر خواسته تو فرود آورد و با تمام وجود خواستار آن باشد. عطش او را برای شنیدن کلامت بیافزا تا هرگز سیری نپذیرد. باشد که همواره لطافت و گرمی حضور تو را بطلبد. او را به راه خودت رهنمون ساز و آنگاه که از مسیر تو گمراه می شود و رو به کجی و ناراستی می گذارد، بی درنگ او را متوجه اشتباهاتش کن تا توبه نموده و به راه حقیقی بازگردد. هر گناه پنهانی را که مانع از دریافت هدایت تو می شود بر او آشکار فرما. چنانچه از حکم تو

سرپچی می کند به او قلبی توبه کننده بده. دلی خالص در وجود او بیافرین و روح او را تازه کن تا همچنان با ثبات در راه تو گام بردارد. او را از حضورت مران و روح پاکت را از او مگیر (مزمور ۵۱: ۱۰ و ۱۱).

خداوندا، کلامت می گوید: آنان که عنان زندگی شان در دست طبیعت کهنه گناه آلودشان است و هنوز در پی خواهشهای ناپاک خود هستند، هرگز نمی توانند خدا را راضی کنند (رومیان ۸: ۸). پس دعا می کنم که به (اسم شوهر) توانائی بخشی که با هدایت روح پاکت و نه پیروی از هواهای نفسانی اش قدم برداشته و بدین ترتیب "خود را از گناهان دور نگهداشته و از راههای بدکاران که به ویرانی می انجامد پیروی نکند بلکه از کلام تو پیروی نموده و پاهایش هرگز از راه تو منحرف نشود" (مزمور ۱۷: ۴). باشد که در سایه پیروی از روح مقدس تو "عشق و محبت، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکوکاری، وفاداری، فروتنی و خوشتنداری و تسلط بر نفس" (غلاطیان ۵: ۲۲ و ۲۳) در او پدیدار شود. او را در شاهراه تقدس حفظ کن تا فراگیر هر جنبه از زندگی اش باشد و او را به کمال برساند.



ابزار قدرت

طوری رفتار و زندگی کنید که شایسته مقامتان باشد،
مقامی که خدا به شما عطا کرده است.
فروتن و مهربان باشید، نسبت به یکدیگر بردبار باشید
و بسبب محبتی که بهم دارید،
از خطاها و اشتباهات یکدیگر چشم پوشی نمایید.
افسیان ۴: ۲۱

کسی که درستکار باشد و به درستی و نیکویی سخن گوید،
 بخاطر منافع خود ظلم نکند،
 رشوه نگیرد، و با کسانی که شرارت و جنایت می‌کنند
 همدست نشود، و خود را از پلیدی و شرّ دور نگه دارد،
 چنین شخصی در امنیت به سر خواهد برد و مقام والائی خواهد
 داشت و صخره‌های مستحکم پناهگاهش خواهد بود،
 روزی او به وی داده خواهد شد و تشنگی او سیراب خواهد شد.
 اشعیا ۳۳: ۱۵ و ۱۶

دوستان محبوب من،
 حال که خدا چنین وعده‌هایی به ما ارزانی داشته‌است،
 بیایید ما نیز از تمام گناهانی که جسم و روحمان را آلوده می‌کند
 دست بکشیم و خود را پاک ساخته، با خدا ترسی زندگی کنیم
 و خود را تماماً به خدا تقدیم نماییم.
 دوم قرن‌تیاں ۱: ۷

خداوندا! چه کسی می‌تواند به خیمه تو وارد شود؟
 چه کسی می‌تواند در خانه مقدّس تو بماند؟
 کسی که بی‌ریا و درستکار باشد
 و هر کاری را با صداقت انجام داده
 و جز حقیقت سخنی نگوید.
 مزمور ۱۵: ۱ و ۲

من در پی اشخاص امین و خداشناس هستم
 تا آنها را به کاخ خود بیاورم.
 کسی که درستکار باشد، او را به کار خواهم گماشت.
 مزمور ۱۰۱: ۶



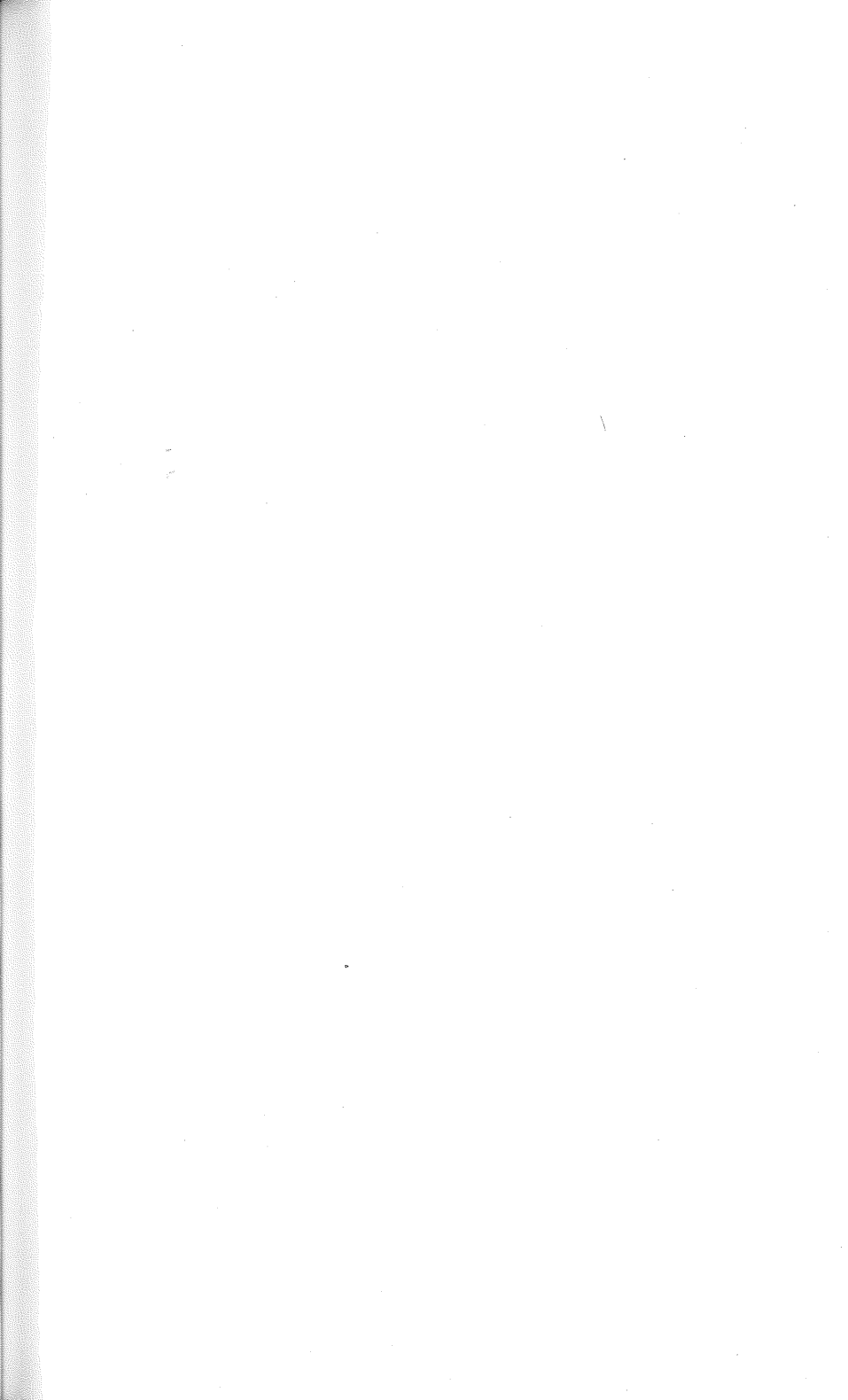
فصل بیست و چهارم

کلام او

آیا تاکنون به کسی برخورد کردید که فقط حرف می زند و آدم عمل نیست. بعضی مردم بیشتر وقت خود را بجای اینکه واقعاً به انجام کاری که قصد انجام آن را دارند، صرف کنند به صحبت کردن در مورد آن می پردازند و معمولاً هیچ سرانجامی نیز در انتظار ایشان نیست و بجائی نمی رسند. "همانطور که نگرانی زیاد باعث می شود خوابهای بد ببینید، حرف زدن زیاد نیز باعث می شود سخنان احمقانه بگویند" (جامعه ۵: ۳). صحبت در مورد آمال و آرزوهایمان باعث تحقق آنها نمی شود بلکه با دعا و تلاش است که می توان به آنها دست یافت.

آیا تاکنون به سخنان مرد عصبانی، خشن و خدانشناس گوش فرا داده اید؟ زبان زشت او طاقت از کف شنوندگان می رباید طوریکه همه می خواهند بلافاصله او را ترک کنند. "هر تلخی، خشم، غضب، درشت خوئی، ناسزاگوئی، نفرت و کینه توزی را از خود دور کنید" (افسسیان ۴: ۳۱). بنظر میرسد آنان که کلام خوب و شایسته از زبانشان جاری نمی شود، از دریافت موهبت ها و شگفتیهای شادی بخش زندگی بی بهره می مانند.

آیا تاکنون به فردی برخورده اید که فرقی نمی کند چه اتفاقی در زندگی اش رخ دهد همواره شکایت می کند و جملات منفی و





فصل بیست و چهارم

کلام او

آیا تاکنون به کسی برخورد کردید که فقط حرف می زند و آدم عمل نیست. بعضی مردم بیشتر وقت خود را بجای اینکه واقعاً به انجام کاری که قصد انجام آن را دارند، صرف کنند به صحبت کردن در مورد آن می پردازند و معمولاً هیچ سرانجامی نیز در انتظار ایشان نیست و بجائی نمی رسند. "همانطور که نگرانی زیاد باعث می شود خوابهای بد ببینید، حرف زدن زیاد نیز باعث می شود سخنان احمقانه بگویند" (جامعه ۵: ۳). صحبت در مورد آمال و آرزوهایمان باعث تحقق آنها نمی شود بلکه با دعا و تلاش است که می توان به آنها دست یافت.

آیا تاکنون به سخنان مرد عصبانی، خشن و خدانشناس گوش فرا داده اید؟ زبان زشت او طاقت از کف شنوندگان می رباید طوریکه همه می خواهند بلافاصله او را ترک کنند. "هر تلخی، خشم، غضب، درشت خوئی، ناسزاگوئی، نفرت و کینه توزی را از خود دور کنید" (افسسیان ۴: ۳۱). بنظر میرسد آنان که کلام خوب و شایسته از زبانشان جاری نمی شود، از دریافت موهبت ها و شگفتیهای شادی بخش زندگی بی بهره می مانند.

آیا تاکنون به فردی برخورده اید که فرقی نمی کند چه اتفاقی در زندگی اش رخ دهد همواره شکایت می کند و جملات منفی و

دلسرد کننده از زبان او نمی‌افتد. "کارهایتان را بدون غرغر و شکایت انجام دهید تا کسی نتواند از شما ایراد بگیرد. شما نیز به کسی با زبان خود صدمه نزنید. بایستی در این دنیای فاسد که پر از افراد نادرست و ناخلف است، همچون فرزندان خدا، پاک باشید و در میان ایشان مانند نور بدرخشید" (فیلیپیان ۲: ۱۴ و ۱۵). کیفیت کلمات و اندیشه‌های ما نتایج را عوض می‌کنند؛ کلمات منفی مانع از تحقق آرزو می‌شود و فردی که مدام کلام ناامید کننده از زبانش خارج می‌شود، حاصل آن را دیر یا زود خواهد دید.

آیا فردی را می‌شناسید که بدون تفکر و شتابان سخن می‌راند و توجهی به محتوای سخنش ندارد؟ انسان آگاه از نفوذ کلام در گفتار خود دقت بسیار به خرج می‌دهد اما "آنکه به سرعت و بی‌تأمل سخن می‌گوید، خطای بزرگی را مرتکب می‌شود چون کلامش عواقبی ناخوشایند در پی خواهند داشت" (امثال ۱۵: ۲۸). "آدم خوب و درستکار قبل از جواب دادن فکر می‌کند، اما آدم بد زود جواب می‌دهد و مشکل به بار می‌آورد" (امثال ۲۹: ۲۰). غم جانکاه نصیب آنانی می‌شود که از عواقب کلام خود بی‌خبرند و نمی‌دانند که تصویری از سخنان ایشان در دنیای واقعی جلوه گر می‌شود.

آیا تاکنون مردی را دیده‌اید که با سخنانش ناامیدی و درد بر دل همسر، فرزند، دوست یا همکارش می‌گذارد؟ "زبان انسان می‌تواند جان او را حفظ کند یا آن را بر باد دهد و بنابراین او عواقب حرفهایش را خواهد دید" (امثال ۱۸: ۲۱). چنین مردی هلاکت و نابودی را به زندگی خود فرا می‌خواند چون خود را از شر استبداد فکر و کلام منفی رها نساخته است.

بر اساس گفته‌های ما بر ما حکم خواهد شد و سرنوشت ما تعیین خواهد گردید. با سخنانمان یا تبرئه می‌شویم یا محکوم (متی ۱۲: ۳۷). سخنان ما یا به ما شادی، لذت و نشاط می‌بخشد (امثال ۱۵: ۲۳)، یا ما را فاسد، حقیر و خوار خواهند ساخت

(متی ۱۵: ۱۱)، سخنان آرام بخش حیات و هستی می دهند، اما حرفهای تند باعث دلشکستگی و نابودی می گردند (امثال ۱۵: ۴). هر که زبان خود را ننگه دارد جان خود را حفظ می کند، اما کسی که نسنجیده سخن بگوید خود را هلاک خواهد کرد (امثال ۱۳: ۳). هر کسی اختیار زبان خودش را دارد و جهان ما تبلور آرمانها و کلام ماست. پس هر کس که کلام درست را بر زبان جاری سازد پاداش آن را خواهد گرفت. "هر که مواظب سخنانش باشد، جانش را از مصیبت ها نجات خواهد داد" (امثال ۲۱: ۲۳). به حرفی که از دهان شوهرتان خارج می شود توجه کنید چون هر آنچه بر زبان می آید، از دل نشأت می گیرد. "زیرا سخنان انسان نشاندهنده باطن اوست" (متی ۱۲: ۳۴). اگر شوهرتان همواره در حال ناله و مویه است و سخنان منفی، سفیهانه و ویرانگر بر زبان می آورد، سخنانی که هستی و حیات را از زندگی شما می رباید، اندرون دل او بیمار و فاسد است. افکار و اندیشه های منفی، دل او را همچون حصاری احاطه کرده اند. برای مهار این اندیشه های درونی باید دعا کنید. از روح القدس بخواهید تا آلودگی دل او را به او نشان دهد و او را محکوم کند و باطن او را با محبت، آرامش و شادی لبریز سازد و به اوشیوه جدید سخن گفتن را بیاموزد.

دعا

پروردگارا، دعا می کنم که روح القدس از زبان شوهرم مراقبت نماید و بدین ترتیب آنگاه که سخن می گوید بارقه ای از بهبودی، تندرستی، نیکبختی و حیات در آن باشد. به یاری او بشتاب تا زبانش را در جهت ناله، شکایت، حماقت و هلاکت بکار نبندد و بر نفوذ کلامش آگاه باشد و سخنان خداگونه و خداپسندانه بر زبان جاری سازد. کلامت می گوید هر آنکه خواستار زندگی خوب و عمر طولانی است، باید که زبانش را از پلیدی و لبانش را از

فریب و نیرنگ و دروغ فرو بندد (مزمور ۳۴: ۱۲-۱۳). به او نشان بده که چگونه سخنان حکیمانه و به دور از شر بر زبان آورد. وجود او را از محبت خود چنان لبریز کن که کلماتی که فوران می‌کنند ثبات، سازندگی و خلاقیت به بار نشانده و در آن اثری از گسستگی و خرابی نباشد. قلب مرا نیز مملو از محبت بی دریغ خود نما تا کلماتی که از قلب من بیرون می‌آیند، دروازه‌های توفیق را به روی ما باز کنند.

باشد که روح مهر و عاطفه تو در کلام ما نشیند، پس آنگاه که با یکدیگر صحبت می‌کنیم به یکدیگر صدمه زبانی نزده و دچار سوء تفاهم نشویم. به ما کمک کن که به یکدیگر احترام گذاشته و سخنانمان گرمی و صفا را به ارمغان آورد. باشد که از طریق سخنانمان آشکارا احساسمان را بروز داده و به توافق متقابل بدون هیچ جر و بحثی دست یابیم. خدایا، تو در کلامت فرموده‌ای که هرگاه دو نفر در مورد چیزی توافق داشته باشند، من سومین آنها خواهم بود. دعا می‌کنم که عکس این قضیه نیز صادق باشد و تو واسطه میان ما باشی و در تو به هماهنگی و توافق برسیم. باشد که سخنان و افکار درونی ما مورد قبول ساحت مقدس تو باشد، تو خدائی هستی نجات دهنده و پناه دهنده (مزمور ۱۴۰: ۱۹).



ابزار قدرت

هیچگاه سخنان بد و زشت بر زبان میاورید،
بلکه گفتار تان نیکو و مفید باشد
تا به شنوندگان خیر و برکت برساند.

افسیان ۲۹: ۱۴

برای هر سخن بیهوده‌ای که از زبان شما خارج می‌شود،
در روز داوری باید به خدا جواب پس دهید.

متی ۱۲: ۳۶

آیا می‌خواهید زندگی خوب و عمر طولانی داشته باشید؟
زیانتان را از بدی و نیرنگ و دروغ حفظ کنید.

مزمور ۳۴: ۱۲ و ۱۳

سخنان شخص دانا دلنشین است،
ولی حرفهای آدم نادان باعث تباهی است.

جامعه ۱۰: ۱۲

سخنان بد از دل بد بیرون می‌آیند
و گوینده را آلوده و ناپاک می‌سازند.

متی ۱۵: ۱۸



فصل بیست و پنجم

توبه او

«سوزان» سالها بود که هر روز برای شوهرش «جری» دعا می کرد تا از مصرف مواد مخدر دست بکشد. بارها جری را می دید که مواد مخدر مصرف می کند. او هر بار از کرده خود اظهار پشیمانی می کرد و قسم می خورد که دیگر دنبال آن نخواهد رفت اما با شکست مواجه می شد. با اینهمه سوزن هرگز از دعا برای همسرش دست نکشید و از خدا خواست تا قلب او را عوض نموده و از ته دل توبه کند؛ توبه ای که مسیر زندگی اش را در جهتی متفاوت از آنچه اکنون در آن گام بر می دارد، قرار دهد. متأسفانه مجبور بود درسهای سخت و دردناکی را بیاموزد قبل از آنکه خداوند توجه او را به خود جلب کند. اما بالاخره تحولی اساسی در زندگی او روی داد. امروز او مرد جدیدی است و به اتفاق سوزن خدمت روحانی خود را به مردمی که به مشکلی مشابه گرفتار هستند، می رساند. سوزن زن دعاگویی بود که هرگز از ایمان خود دست برنداشت و سرو پا یقین داشت که خداوند جری را به حضور خود فرا خواهد خواند، قلب او را به لرزه در آورده و او را وادار به توبه خواهد نمود.

هر کسی اشتباه می کند مسئله این نیست، بلکه آنچه حائز اهمیت است این است که امروزه مردم اشتباهات خود را نمی پذیرند و فکر نمی کنند کاری که می کنند غلط است. خداوند می فرماید "اگر به گناهان خود اعتراف کنیم می توانیم اطمینان داشته باشیم که او ما را می بخشد و از هر ناراستی پاک می سازد" (اول یوحنا ۱: ۹). اما نخست باید از کرده خود پشیمان باشیم و اشتباه خود را بپذیریم.

مطابق روش خدا در انجام امور لازم است سه قدم برای تغییر رفتارمان برداریم: نخست /اعتراف می باشد که عبارت است از پذیرش کاری که مرتکب شده ایم. دوم توبه است که عبارت است از اظهار تأسف و پشیمانی در مورد کاری که انجام داده ایم و سپس طلب عفو و بخشش است که ما را پاک ساخته و از اعمال گذشته رها می سازد. عدم توانائی یا مقاومت در انجام هر یک از سه گام بالا نشاندهنده شخصیت ماست که ریشه در تکبر و غرور دارد. انسانی که خود را خاضع و فروتن نساخته و به اشتباهات خود در حضور خداوند و خلق او معترف نباشد، همواره در زندگی با مشکلات روبرو خواهد بود. "کسی که در نظر خود عاقل است، از یک احمق هم نادان تر است" (امثال ۲۶: ۱۲).

آیا همسرتان در اعتراف به تقصیرات و اشتباهات خود مشکل دارد؟ آیا او آدمی است که بیست بار در روز عذرخواهی کرده و اظهار ندامت و پشیمانی می کند اما هرگز در رفتارش تغییری دیده نمی شود؟ در هر یک از این حالات، وی نیازمند قلبی نادم و پشیمان می باشد. توبه حقیقی وقتی صورت می گیرد که فرد چنان از کرده خود پشیمان باشد که مجدد به انجام آن مبادرت نورزد و از اینکه دوباره بدان کار روی آورد شرمگین و خجل باشد. تنها خداست که گناهان ما را آنطور که هستند در برابر دیدگانمان قرار می دهد. "نیکوئی خداوند است که به ما فرصت می دهد دست از گناهانمان کشیده و توبه کنیم" (رومان ۲: ۴). جلال و عظمت

خداوند است که شامل حال ما شده و این امکان را میسر می نماید تا توبه کنیم و دعا کنیم تا شکوه و جلال خداوند و فیض و رحمت او شامل حال همسر ما شده و او را به سوی توبه هدایت نماید.

بسیاری از افراد به سبب تکبر و غرور و عدم توانائی در اعتراف به گناهانش و طلب بخشایش از خداوند خود را در چاه هلاکت افکنده اند. هر روز آدمهای بسیاری به همین علت خود را به ورطه نابودی و نیستی می کشانند. در مورد این افراد در روزنامه‌ها چیزهای زیادی را می خوانیم. گناه بدون اعتراف، به خودی خود از میان نمی رود بلکه همچون سرطان رشد کرده و گریبانگر خودتان می شود و حیات و نیستی را از شما سلب می کند. برای همسران دعا کنید تا خداوند گناهان او را در برابر دیدگانش قرار داده و او را محکوم کند و باعث شود که وی به گناهان خود اعتراف نموده و دست از انجام آنها بکشد. خداوند "نمی خواهد که کسی هلاک شود بلکه صبر می کند و به گناهکاران فرصت بیشتری می دهد تا توبه کنند" (دوم پطرس ۹:۳). این نوع دعا برای کسی که مورد دعا واقع می شود می تواند بسیار آزار دهنده باشد. اما بسیار آسانتر است چنانچه خداوند نور پر جلالش را بر گناهان ما بتاباند تا به روشنی متوجه تقصیر و گناه خود شویم تا اینکه توبه نکرده و عواقب گناه را تجربه کنیم. شوهرتان در آخر کار بسیار از شما برای دعائی که کرده اید سپاسگزار خواهد بود حتی اگر اکنون آن را نپذیرد.

دعا

پروردگارا، بر قلب شوهرم خطا و اشتباه زندگی اش را آشکار نما، و او را محکوم کن. "هر آنچه که در درون دل او نهفته است آشکار و هر حقیقتی که از او پنهان مانده است، عیان نما" (متی ۱۰:۲۶). او را از گناهان نهانی اش پاک ساز و آنگاه که

مرتکب گناه می شود نگذار گناه بر او مسلط شود، بلکه زشتی آن را بر او روشن نما و او را وادار به توبه کن (مزمور ۱۹: ۱۲). به او کمک کن تا اشتباهاتش را تشخیص دهد، به او چشم بصیرت عطا کن تا حقیقت تو را ببیند و گوش شنوا بده تا صدای تو را بشنود. او را چنان کن که با تمام وجود در درگاه تو نشسته و بوسه توبه بر خاک آستان تو بزند. چنانچه لازم است متحمل رنج و مشقتی شود، باشد که این رنج و عذاب حاصل دل نادم و پشیمان باشد و نه به سبب یورش بی امان دشمنی که سعی دارد از طریق گناهان توبه نشده اش او را به زیر بکشد و زیر پاهای خود لگدمال کند. خدایا، می دانم که فروتنی برای انسان عزت و احترام به بار می آورد (امثال ۳۳: ۱۵). غرور و تکبری را که مانع از قبول اشتباهاتش می شود، از او بزد و روح او را خاشع و فروتن کن تا در سایه پیروی از تو معزز و گرامی شمرده شود.



ابزار قدرت

اگر وجدان ما، راحت و آسوده باشد،
می توانیم با اطمینان خاطر و اعتماد کامل به حضور خداوند بیاییم؛
آنگاه هر چه از او درخواست کنیم دریافت خواهیم کرد
چراکه احکام او را اطاعت می کنیم
و کارهای پسندیده او را بجا می آوریم.
اول یوحنا ۳: ۲۱ و ۲۲

هر که گناه خود را ببوشاند، هرگز کامیاب نخواهد شد،
اما کسی که بدان اعتراف کند و از آن دست بکشد،
خدا بر او رحم خواهد کرد.

امثال ۱۳:۲۸

خدایا دل مرا تفتیش کن و افکارم را بیازما؛
ببین آیا فساد و نادرستی در من هست؟
تو مرا براه حیات جاوید هدایت فرما.

مزمور ۱۳۹: ۲۳ و ۲۴

وقتی به گناهم اعتراف نمی کنم، وجودم را مثل خوره می خورد
و تمام شب غصه و گریه امانم نمی دهد.

تو ای خداوند، شب و روز مرا تنبیه می کنی،
بطوری که شادابی و طراوت خود را از دست می دهم.
اما وقتی در حضور تو به گناه خود اعتراف می کنم
و از پوشاندن جرم خود خودداری نمی نمایم
و به خود می گویم "باید گناه خود را نزد خداوند اقرار کنم"،
تو نیز گناه مرا می آمرزی.

مزمور ۳۲: ۳-۵

مرد خدا نباید اهل مجادله و نزاع باشد بلکه باید با صبر و ملایمت
کسانی را که در اشتباهند، به راه راست هدایت کند
و با مخالفین و گمراهان با فروتنی و ادب گفتگو نماید؛
شاید به این ترتیب به یاری خداوند،

آنها از عقاید نادرست خود بازگردند و از شیطان که ایشان را
در اسارت نگاه داشته است، روی برتافته و به حقیقت ایمان آورند.

دوم تیموتائوس ۲: ۲۴-۲۶



فصل بیست و ششم

رستگاری او

«ملیسا» در مورد اعتیاد شوهرش «مارک» به الکل بسیار نگران بود. البته نمی شد به طور حتم گفت که او الکلی است، اما آثاری از علائم اعتیاد پدرش به الکل در او نیز مشاهده می شد. ملیسا سخت دعا کرد که هر گونه تمایل مشابهی که ممکن است از پدرش به او منتقل شده باشد از بین برود، همچنین برای فرزندانش دعا نمود که این ضعف را به ارث نبرند و از خدا خواست تا حتی ایشان را از نشانه های اعتیاد به الکل محفوظ و مصون دارد. تا بدین روز همسرش از اعتیاد به الکل در امان مانده است و بچه های نوجوانش نیز هیچ آثاری از گرایش به سوی الکل از خود نشان نداده اند. او یقین دارد در پرتو قدرت خدا دعاهایش برای حفظ خانواده اش از این میراث اجابت شده است.

زمان زیادی از ازدواج «استفنی» با «جیسن» نگذشته بود که استفنی فهمید شوهرش بخاطر داشتن روح شهوت در عذاب است. علتش بی علاقه گی جیسن به او نبود بلکه او در گذشته به گناه داشتن چندین شریک جنسی گرفتار بود و هرگز نتوانسته بود خود را از آن خلاص کند. وقتی استفنی متوجه شد که سبک زندگی گذشته شوهرش او را به بند و اسارت کشانده است، برای رهایی او دعا

کرد. از آنجائیکه جیسن نیز خواستار نجات خود بود طولی نکشید که این بند گسسته شد و او آزاد گشت.

هر کسی در زمانهای معینی به نجات و رهایی نیاز دارد، زیرا انواع چیزها می توانند ما را گرفتار و اسیر کنند. خداوند این را می داند. اگر ما نیازی به رهایی و نجات نداشتیم پس چرا مسیح به عنوان نجات دهنده و رهایی بخش به میان ما آمد؟ چرا به ما امر فرمود دعا کنیم "ما را از وسوسه ها دور نگه دار و از شیطان حفظ فرما" (متی ۱۳: ۶). اگر ما نیازی به غلبه بر شیطان نداشتیم، چرا مسیح وعده می دهد که ما را از وسوسه ها (دوم پطرس ۲: ۹)، از دست مردان شرور (مزمور ۱۴۰: ۱)، تمایلات نفسانی ویرانگر (امثال ۱۱: ۲۴)، از تمامی مشکلات (مزمور ۳۴: ۱۷)، و مرگ (دوم قرنتیان ۱۰: ۱) رهایی می بخشد. او آماده و مشتاق رهایی و نجات ماست. تنها لازم است از او بخواهیم. "هنگامی که در مشکلات هستید مرا بخوانید؛ من شما را نجات خواهم داد و شما مرا ستایش خواهید کرد" (مزمور ۵۰: ۱۵).

آیا مایه تسلی و آرامش ما نیست وقتی بدانیم بهنگام گرفتاری در چنگال مرگبار شرایط او فریادهای ما را می شنود و برای آزادی ما می شتابد. او نیاز ما را می بیند. "خداوند از مکان مقدس خود در آسمان به زمین نظر انداخت تا ناله اسیران را بشنود و آنها را که به مرگ محکوم شده بودند، آزاد سازد" (مزمور ۱۰۲: ۹ و ۲۰). چه با شکوه است که یقین داشته باشیم آنگاه که بنظر راه گریزی از مشکلات نیست، خداوند بطور معجزه آسائی ما را از خطر رهانده و از چنگال مرگ نجات می بخشد (مزمور ۲۵: ۱۵).

حتی اگر همسرتان از قبول کمک سر باز می زند - بعضی مردان فکر می کنند اگر از عهده همه کارها به تنهایی بر نیایند دلیلی بر ضعف و ناتوانی ایشان است - دعاهای شما می تواند ابزار رهایی او باشد. از خداوند نجات دهنده بخواهید زنجیرهای اسارت و بندگی را از پاهای او گسسته و او را نجات بخشد. از طریق دعا

می توانید در برابر دشمن ایستادگی نموده و به او اجازه ندهید که شما را برده و اسیر خود سازد: "اکنون که مسیح شما را آزاد کرده است، بکوشید آزاد بمانید و بار دیگر اسیر نشوید" (غلاطیان ۵: ۱). برای اینکه محکم بر پاهای خود بایستید و در برابر حملات دشمن از خود دفاع کنید، بهترین روش این است که خود را با تمام سلاحهای خدا مجهز کنید و کلاه خود نجات را که همان دعاست بر سر بگذارید. این روشی است که من برای خود و شوهرم بکار می گیرم و بسیار موثر بوده است. بجای شرح آن، اجازه دهید به شما نشان دهم چگونه از سلاح دعا استفاده نمایید.

دعا

پروردگارا، تو فرموده ای که در هنگام مشکلات نام تو را بخوانیم و تو ما را نجات خواهی داد (مزمور ۵۰: ۱۵)، هم اکنون تو را می خوانم و از تو می خواهم که گشایش و رهایی در زندگی شوهرم پتید آوری. او را از هر آنچه گرفتار و اسیرش کرده است، رهایی بخش. او را از (نام چیز بخصوص) آزاد گردان. پناهگاهی مطمئن و خانه ای حصار دار برای او باش و او را برهان (مزمور ۲: ۳۱). از چنگال دشمن او را در امان بدار (مزمور ۱۵: ۳۱).

به او بینشی عطا کن تا وسوسه ها و نیرنگهای شیطان را شناسائی نموده و برای کمک نزد تو بیاید. چنانچه دعائی که برای رهایی و آزادی اش می کند فی الفور اجابت نشود، او را از ناامیدی و دلسردی حفظ کن و مددکار او باش تا اطمینان حاصل کند کار نیکویی که تو در او آغاز نموده ای، در پرتو فیض تو عملی خواهد شد (فیلیپیان ۱: ۶). به او اطمینان بده که حتی در ناامیدترین وضعیت، وقتی که امکان دگرگونی غیر ممکن بنظر می آید، تو ای خدا همه چیز را متحول می سازی.

به یاری اش بیا و به او حکمتی ارزانی دار که دریابد "جنگ ما با انسانها نیست، انسانهایی که گوشت و خون دارند، بلکه ما با موجودات نامرئی می جنگیم که بر دنیای نامرئی حکومت می کنند، یعنی بر موجودات شیطانی و فرمانروایان شرور تاریکی. بله، جنگ ما با لشگرهایی از ارواح شرور است که در دنیای ارواح زندگی می کنند (افسیسیان ۶: ۱۲). دعا می کنم که او در مسیح قدرت یافته و تمام سلاحهای خداوند را بر تن نماید تا بتواند در برابر تزویر شیطان ایستادگی نموده و بر آنها غلبه نماید. به او کمک کن تا کمر بند محکم راستی را به کمر ببندد و زره عدالت خدا را در بر نماید. کفش آرامش بخش انجیل را به پا کند تا به همه جا رفته و پیغام انجیل را به همه اعلام نماید. به او قدرت عطا کن تا سپر ایمان را برداشته تا در برابر تیرهای آتشین شیطان در امان بماند. دعا می کنم که کلاه خود نجات را بر سر گذاشته و شمشیر روح را که همان کلام خداست در دست گیرد. و همیشه دعا کند و در دعا از خدا آن چیزهایی را بخواهد که مطابق خواست روح القدس است، مراقب بوده و تا به آخر مقاومت نماید (افسیسیان ۶: ۱۳-۱۸)



ابزار قدرت

خداوند، جان پناه من است،
 او صخره من است و مرا نجات می بخشد.
 خدایم مایه قوت من است،
 به او پناه می برم او همچون سپر از من محافظت می کند،
 به من پناه می دهد و با قدرتش مرا می رهاوند.

او را به کمک خواهم طلبید و از چنگ دشمنان
 رهایی خواهم یافت. ای خداوند تو شایسته پرستش هستی!
 مزمور ۱۸: ۲ و ۳

خداوند می فرماید: آنانی که مرا دوست می دارند،
 نجات خواهم داد و کسانی را که مرا می شناسند،
 محافظت نموده و سرافراز خواهم نمود.
 مزمور ۹۱: ۱۴

خداوند از آسمان دست خود را دراز کرد
 و مرا از اعماق آبهای متلاطم بیرون کشید،
 مرا از چنگ دشمنان نیرومندی که از من بسی توانا تر بودند
 رهانید. وقتی در سختی و پریشانی بودم، آنها بر من هجوم آوردند،
 اما خداوند مرا حفظ کرد.
 او مرا بجای امنی برد و نجاتم داد، زیرا مرا دوست می داشت.
 مزمور ۱۸: ۱۶-۱۹

تو مرا از پرتگاه مرگ رهانیدی و نگذاشتی پایم بلغزد و نابود شوم
 تا اکنون بتوانم در نور حیاتی که در حضور توست راه روم.
 مزمور ۵۶: ۱۳

روح خدا بر من است!
 خداوند مرا برگزیده تا مژده رحمت او را به بینوایان برسانم.
 او مرا فرستاده است تا رنجدیدگان و دلشکستگان را تسلی بخشم
 و رهایی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام نمایم
 و مظلومان را آزاد سازم.
 لوقا ۴: ۱۸



فصل بیست و هفتم

اطاعت او

«لیسا» نگران بود از اینکه شوهرش «جانانتن» از نظر روحانی آنطور که باید مثل او رشد نمی کرد. هر چه رابطه لیسبا با خدا عمیق تر می شد شوهرش بسرعت از خدا فاصله می گرفت. او مدتها انتظار کشیده بود تا هر دو با هم در این عرصه حیاتی یعنی تکامل معنوی در یک سو گام بردارند و در تجارب یکدیگر سهیم باشند ولی در نهایت اوضاع آنطور که او می خواست پیش نرفته بود. عدم تعهد روحانی شوهرش او را خسته و به ستوه آورده بود. لیسبا دلش نمی خواست که جنبه روحانی وجود او، به خانواده فشار آورد. هر موقع حرفی در مورد آن به میان می آمد با اعتراض شوهرش مواجه می شد که می گفت چنان گرفتار کارش است که وقت ندارد با خدا خلوت کند و به خواندن کلامش بپردازد. حتی سفرهای کاری او در آخر هفته باعث شده بود که او فرصت حضور در کلیسا را با لیسبا و بچه‌ها از دست بدهد.

بنظر می رسید آنچه باعث ناراحتی و دلخوری لیسبا می شد، هیچ اثری روی شوهرش نداشت و او بسیار بی تفاوت بود. اما ورق برگشت وقتی جانانتن با کارش دچار مشکل شد و دیگر مثل سابق نمی توانست از عهده آن برآید. لیسبا می دید که چگونه نگرانی شوهرش بیشتر و بیشتر می شد و او را از درون تهی



فصل بیست و هفتم

اطاعت او

«لیسا» نگران بود از اینکه شوهرش «جانان» از نظر روحانی آنطور که باید مثل او رشد نمی کرد. هر چه رابطه لیسبا با خدا عمیق تر می شد شوهرش بسرعت از خدا فاصله می گرفت. او مدتها انتظار کشیده بود تا هر دو با هم در این عرصه حیاتی یعنی تکامل معنوی در یک سو گام بردارند و در تجارب یکدیگر سهیم باشند ولی در نهایت اوضاع آنطور که او می خواست پیش نرفته بود. عدم تعهد روحانی شوهرش او را خسته و به ستوه آورده بود. لیسبا دلش نمی خواست که جنبه روحانی وجود او، به خانواده فشار آورد. هر موقع حرفی در مورد آن به میان می آمد با اعتراض شوهرش مواجه می شد که می گفت چنان گرفتار کارش است که وقت ندارد با خدا خلوت کند و به خواندن کلامش بپردازد. حتی سفرهای کاری او در آخر هفته باعث شده بود که او فرصت حضور در کلیسا را با لیسبا و بچه ها از دست بدهد.

بنظر می رسید آنچه باعث ناراحتی و دلخوری لیسبا می شد، هیچ اثری روی شوهرش نداشت و او بسیار بی تفاوت بود. اما ورق برگشت وقتی جانان با کارش دچار مشکل شد و دیگر مثل سابق نمی توانست از عهده آن برآید. لیسبا می دید که چگونه نگرانی شوهرش بیشتر و بیشتر می شد و او را از درون تهی

می کرد و تمام انرژی اش را از او می گرفت. او می دانست چنانچه شوهرش به اهمیت عبادت خدا و کسب نیروی الهی پی می برد، زندگی اش به مراتب بهتر می شود. اما همچنین مطمئن بود که شوهرش آمادگی شنیدن این حقیقت را ندارد.

با اینکه لیسا می دانست خداوند شوهرش را به اطاعت و فرمانبرداری از خود فرا می خواند، اما تصمیم گرفت چیزی نگوید و فقط هر روز برای او دعا کند تا اشتیاقش به خدا در زندگی بیشتر شود. یک روز صبح پس از ماهها انتظار جاناتن بطور غافلگیرانه ای گفت "می خواهم امروز زودتر به اداره روم و کمی با خدا خلوت کنم". لیسا نیز در سکوت خدا را شکر کرد.

از آن پس به جز چند مورد استثناء، جاناتن هر روز صبح زود به اداره می رود تا به عبادت و مطالعه کلام خدا بپردازد. این داستان مربوط به دو سال پیش است و اکنون دامنه این انضباط روحانی وسیعتر شده و انضباط جسمانی را نیز شامل شده است. او ورزش می کند، سالم و درست غذا می خورد، وزن مورد دلخواهش را بدست آورده و نیروی حیات در او جان تازه گرفته است. تنها خداست که می تواند چنین شگفتی بیافریند.

آیا لازم است وقتی بوضوح می بینید که همسرتان در مسیر اشتباهی گام برمی دارد، چیزی بگوئید؟ اگر پاسخ مثبت است تا چه حد باید پیش روید و چه موقع وقت مناسب است؟ بهترین راهی که من برای انجام این مسئله یافته ام، طرح آن با خدا و سنجیدن شرایط در کفه ترازوی اوست. ممکن است خدا به شما امر نماید سکوت اختیار کرده و فقط دعا کنید، این کاری بود که لیسا کرد. اما چنانچه دعا کنید و خدا به شما حکم کند تا سر صحبت را با شوهرتان باز کنید، شانس بسیار بهتری وجود دارد که در میان سخنان شما، شوهرتان صدای خداوند را شنیده و آن را دریافت کند. هر آنچه بصورت شکایت و غرغر صورت گیرد سازنده نبوده و بهتر آن است که هرگز گفته نشود. دعائی که برای گشوده شدن چشمان او

به حقیقت و محکوم شدن قلب او صورت گیرد بسیار مؤثرتر از سخن گفتن با اوست. او را تشویق به انجام آنچه درست است نمائید و برای او دعا کنید که کار درست را انجام دهد، اما نهایتاً این صدای خداوند است که بیشترین اثر را بر او خواهد داشت.

هیچ انسانی نمی تواند از همه آنچه خداوند در ذخائر غیبی خویش برای او دارد، بهره مند شود مگر آنکه او را اطاعت کند. مسیح صراحتاً فرمود "هر آنکه احکام خدا را نگاه دارد، زندگی جاوید خواهد داشت" (متی ۱۹: ۱۷). مسیح می دانست زندگی مطابق خواسته خداوند، مایه آرامش و یقین انسان خواهد شد. کلام خدا وعده می دهد کسانی که از اوامر خدا پیروی کنند، به عفو و رحمت خدا (مزمور ۲۵: ۱۰)، آرامش (مزمور ۳۷: ۳۷)، سعادت و نیکبختی (امثال ۲۹: ۱۸)، فراوانی و توانگری (امثال ۲۱: ۵)، برکت و رحمت (لوقا ۱۱: ۲۸) و حیات جاودانی (امثال ۲۱: ۲۱) دست می یابند. سرپیچی از فرمان خدا، مجازات سنگین (امثال ۱۵: ۱۰)، عدم اجابت دعا (امثال ۲۸: ۹) و بی بهرگی از برکات و موهبت های خدا را به همراه خواهد داشت (اول قرنیتان ۹: ۶).

اطاعت نه تنها رعایت دستورات و فرامین خداست، بلکه انجام دستورات خاص خدا می باشد. برای مثال، اگر خدا به شوهرتان امر فرموده استراحت کند و او از انجام آن اجتناب کند، این سرپیچی به شمار می آید. اگر به شوهرتان دستور داده که از انجام کار بخصوصی دست بکشد و او همچنان به انجام آن اصرار ورزد، از حکم خدا سرپیچی نموده است. اگر خداوند به شوهرتان فرموده که به مکان دیگری نقل مکان کند و او چنین نکند، این نیز سرپیچی از حکم خدا محسوب می شود.

آنکه مطابق خواسته خدا عمل می کند و احکام او را بجا می آورد، خانه اش را بر روی صخره ای محکم بنا می کند. هر چه باران و سیل ببارد و باد و طوفان بر خانه بوزد، خراب نمی شود چون روی صخره ساخته شده است. (متی ۷: ۲۴-۲۷) شما

نمی‌خواهید بسبب تمرد شوهرتان از فرمان خدا در هر زمینه‌ای شاهد سقوط خانمانتان باشید. با این حال قرار نیست مادر او یا گشتاپو باشید، وظیفه شما این است که دعا کرده و پس از دریافت اوامر خدا، با شوهرتان گفتگو کنید.

چنانچه نافرمانی شوهرتان از احکام خدا بطریقی بنای خانه شما را سست نموده و در معرض فروپاشی قرار داده است، به این حقیقت آگاه باشید که خداوند اطاعت و تبعیت شما را گرامی می‌دارد و نخواهد گذاشت هلاک شوید. خداوند رحمت و برکت خود را نصیب شما نموده و آنچه را که از دست رفته است، احیاء و زنده خواهد نمود. فقط به دعای خود ادامه دهید و از خداوند بخواهید تا به همسرتان گوشه شنوا دهد تا صدای او را تشخیص داده و بر اساس آنچه می‌شنود با قدرت، شهامت و انگیزه عمل نماید.

دعا

خدایا، در کلام مقدست فرموده‌ای که اگر گناه را در دل خود نگاه داریم، تو دعای ما را نخواهی شنید (مزمور ۱۸:۶۶) من می‌خواهم که تو دعاهای مرا بشنوی، پس از تو تمنا دارم هر جنبه از زندگی ام، بویژه در ارتباط با شوهرم را که مطابق فرمان تو نیست، نمایان سازی. چنانچه رفتارهای خودپسندانه، نامهربانانه، انتقادی، عصبانی، متنفر، بدون گذشت نسبت به شوهرم دارم، آنها را به من نشان بده. هر جا که اثری از نافرمانی وجود دارد بر من آشکار فرما. چنانچه مطابق خواسته تو عمل ننموده‌ام آن را بر من بنما. به گناه تمرد و سرکشی خود اعتراف می‌کنم و از تو طلب رحمت و بخشایش دارم.

دعا می‌کنم که به (اسم شوهر) اشتیاقی عطا کنی که مطابق قوانین و روش تو زیسته و بر اساس آنها قدم بردارد. هر آنچه را

که شوهرم با اراده و میل خود و نه بر اساس اراده تو انجام می دهد بر او آشکار فرما و آنها را از ریشه برکن. یاری اش کن تا هر اندیشه و کردارش تحت اختیار و کنترل تو باشد. به او یادآوری کن تا همواره کار نیک انجام دهد و از هیچکس بدگویی نکند، از نزاع و دشمنی بپرهیزد و نسبت به همه آرام، بی آزار، مودب و فروتن باشد (تیطوس ۳: ۲۱). به او بیاموز تا رنج و محنت شاگردی و انضباط را با آغوش باز بپذیرد. پاداش درستی و پاکي او را بده (مزمور ۱۸: ۲۰). ای خداوند، راه خود را به او نشان بده و احکام خود را به او بیاموز، راستی خود را به او تعلیم بده، زیرا تو نجات دهنده او هستی (مزمور ۲۵: ۴ و ۵).

او را به انسانی بدل کن که همواره نام تو را مقدس و گرامی دارد، زیرا می دانم با پرستش تو، چشمان ما به حقیقت باز شده و زندگی مان متحول می گردد و نیروی وجودی تو ما را فرا می گیرد که کمک می کند در راه تو قدم برداریم. به او گوش شنوا عطا فرما که با جان و دل سراپا آماده پذیرش دستورات خاص تو باشد و نیروی انجام آنها را نیز به او ارزانی دار. باشد که تمنای دل او انجام خواسته تو باشد. باشد که در سایه تسلیم محض، خاضعانه سر تعظیم در برابر دستورات تو فرود آورد و به صلح و آرامش دست یابد.



ابزار قدرت

پسر، حکم مرا فراموش مکن، اگر می خواهی زندگی خوب، طولانی و آرامی داشته باشی، بدقت از دستورات من پیروی کن. محبت و راستی را هرگز فراموش مکن، بلکه آنها را برگردنت بیاویز و بر صفحه دلت بنویس.

امثال ۳: ۱-۳

گمان مبرید آنکه خود را مومن نشان دهد، به بهشت خواهد رفت.
 ممکن است عده‌ای حتی مرا "خداوند" خطاب کنند،
 اما به حضور خدا راه نیابند،
 فقط آنانی می‌توانند به حضور خدا برسند
 که اراده پدر آسمانی را بجا آورند.
 متی ۲۱:۷

خدا از دعای کسانی که احکام او را اطاعت نمی‌کنند،
 کراهت دارد.
 امثال ۹:۲۸

از من پیروی کنید و به ندای من گوش فرا دهید
 تا من خدای شما باشم و شما قوم من.
 فقط به هر راهی که من می‌گویم،
 بروید تا همه چیز برایتان به خیر و خوبی باشد.
 ارمیا ۲۳:۷



فصل بیست و هشتم

خویشتن شناسی او

چرا برخی مردم بسیار لایق و مستعد همواره با درهای بسته مواجه می شوند، در حالیکه افراد دیگر با مهارتها و توانائیهای یکسان یا کمتر ظاهراً مجالها و موفقیت‌های نامحدودی را در هر حوزه از زندگی شان تجربه می کنند. این به نظر منصفانه نمی آید. البته زمان درست و مناسب با این قضیه ارتباط دارد. خداوند برای هر چیزی زمانی دارد و او آنچه را که لازم است در ما انجام شود محقق می بخشد تا ما را برای آنچه پیش روست مهیا سازد. درک زمان خدا به انسان آرامش می دهد تا با صبر و حوصله به انتظار حرکت خداوند نشیند.

با این حال می تواند دلیل مهم دیگری نیز برای این تقلا باشد و آن معرفت فرد از خویشتن است. چنانچه شناختی که فرد از خویش دارد محدود باشد، نسبت به ارزش وجودی خویش تردید داشته و این شک و بدگمانی در هر آنچه انجام می دهد - حتی در روابطش - رخنه خواهد کرد. ممکن است مردم از ناامنی و تزلزل شخصیت او احساس ناراحتی کرده و از او بپرهیزند و این امر در نحوه برخورد وی با خانواده، دوستان، همکاران و حتی غریبه‌ها اثر خواهد گذاشت و همواره احساس طرد شدن و خودداری از سوی مردم با او خواهد بود.

«دَن» در حالیکه سعی می کرد راهش را در زندگی بیابد، ناامیدی و عجز زیادی را تجربه می کرد. او هویت واقعی خود را نمی شناخت و نمی دانست به کجا تعلق دارد و در حقیقت آیا اصلاً به جایی تعلق دارد. مشغولیت ذهنی او در تلاش برای یافتن پاسخ همه این جستجوها باعث اختلاف زیادی بین او و همسرش «سیندی» شد. سیندی سعی می کرد به او کمک کند. اما او از نصیحت ها و پیشنهادات زنش بیزار بود و فکر می کرد همسرش توانائی او را به مسخره گرفته و سعی می کند مسائل و مشکلات را بجای وی حل و فصل کند. بی توجهی دَن به حرفهای سیندی باعث بگو مگو و دعوای بیشتر می شد. هر چه سیندی تلاش می کرد که شوهرش ارزش خود را کوچک نشمرد، نتایج بدتری می گرفت. دَن در اوج خستگی و درماندگی حاصل از احساس ناامنی خویش، تمام زحمت همسرش را هیچ انگاشته و همه چیز را رد می کرد.

این نوع بگو و مگو می توانست به طلاق بیانجامد، اما سیندی یاد گرفت به جای دعوا و اوقات تلخی دعا کند. او از خدا خواست تا به او حکمتی عنایت کند تا بفهمد مشکل دَن چیست. او می خواست بداند چرا با اینکه سعی می کرد به دَن کمک کند با امتناع و عدم پذیرش او روبرو می شد. خدا به او نشان داد که تزلزل و کاستی شخصیت درونی شوهرش از پدرش به ارث رسیده است. پدر دَن نیز احساس ناامنی و عدم قطعیت را در تمام طول حیاتش با خود به همراه داشت. سیندی می دانست هر آنچه که مسبب این رفتار دَن بود با قدرت خدا قابل تغییر است.

پس تصمیم گرفت هر چقدر هم که طول بکشد برای گسستن زنجیرهای بیزاری که دَن به دور خود کشیده بود دعا کند و از خدا خواست که به شوهرش کمک کند تا اصالت و هویت خویش را دریابد و کلامش را طوری اصلاح کند تا آنگاه که با دَن صحبت می کند مایه دلگرمی و تشویق روح او شده و بصورت ایراد تلقی نگردد.

اما بالاخره پس از چند ماهی، تغییرات اساسی به وقوع پیوست. نخست دن یقین پیدا کرد که همسرش با وی در یک تیم و موافق اوست. با هم توافق کردند که دیگر دعوا و مشاجره نکنند و متعهد شدند که با یکدیگر همکاری کنند. دن بیشتر به کلیسا می‌رفت و با ایمانی تازه دعا کرده و کتاب مقدس را می‌خواند. بتدریج به معرفت وجودی خویش به عنوان یکی از محبوب‌ترین و دوست داشتنی‌ترین فرزندان خدا و نه به صورت یک پتیده تصادفی پی برد. هر چه بیشتر ارزش وجودی خویش را درک می‌کرد و در پذیرش هویت خویش رشد می‌کرد، بیشتر مورد تقدیر دیگران واقع می‌شد. درهای فرصت و مجال به سوی او گشوده شد و خیلی زود به آن پذیرش و موفقیتی که همیشه خوابش را می‌دید دست یافت.

چنانچه شناختی که همسر شما از خودش دارد نیاز به تغییر دارد، لازم است که صبرداشته باشید. نمی‌توان انتظار داشت الگوی رفتاری که مدت مدیدی وجود فرد را تصرف کرده در عرض یک شب از بین برود. اما می‌توانید با قدرت خدا به جنگ دشمنی روید که دروغهای مشابهی را به خورد او می‌دهد و او را از قید و بند رها سازید تا حقیقت خدا را بشنود. متوجه خواهید شد در حالیکه شفاعت شوهرتان را نزد خدا می‌کنید، خداوند کلید رهایی شوهرتان را از زندانی که در آن حبس شده به شما خواهد داد. یعنی، همانطوری که دعا می‌کنید، خداوند به شما نشان خواهد داد در چه حوزه خاصی دعا کنید.

بر این باورم که دعا مانع از گرایش فرد به بحران دوره میانسالی می‌گردد. چنانچه هنوز مسمومیتی در روح فرد باقی مانده باشد با قدم گذاشتن به سن پنجاه سالگی، اثرات آن قابل مشاهده خواهد بود. درست مثل سدی که با گذشت زمان سست می‌شود و وقتی شکست، سیلاب می‌تواند چنان قوی باشد که همه چیز را بشوید و با خود ببرد. چنانچه فرد کمال وجودی خویش را بطور

صحيح در پروردگار يافته باشد، تفاوت قابل ملاحظه اى را خواهيد
ديد آنگاه كه قدم در دوره بحرانى ميانسالى مى گذارد.

خداوند مى گويد مرا جستجو كنيد، با من رابطه برقرار كنيد،
از من پيروي كنيد، و مرا در الويت قرار دهيد، و بدین ترتيب
گامهاى خود را بسوى من استوار سازيد. وقتى در راستاى خواسته
خدا حركت مى كنيم، راه بر ما روشن شده و تنها كارى كه بايد
بكنيم گام برداشتن در آن است. با اطاعت از خدا، جلال و عظمت
او ما را فرا مى گيرد و به شباهت او در مى آئيم. براى شناخت
اصل خویش به دريای شناخت عظمت خدا مى زنيم، آنگاه در
اقيانوس بيكران هستى او نيست و از خود بيخود مى شويم و ديگر
من از ميان برداشته مى شود و او مى شويم و آنگاه است كه
رهائيم. و ما اين رهائى را نه تنها براى خود بلكه براى شوهرمان
نيز طالبيم.

معرفت نفس در سايه معرفت خداست. معرفت نفس شوهرتان
نيز در گرو شناخت حقيقى خداست. پس دعا كنيد به چنين شناختى
دست يابد.

دعا

پروردگارا، دعا مى كنم (اسم شوهر) خود را در تو بيايد.
چشمان بصيرت او را بگشا تا ارزش خویش را از نگاه تو و
مطابق معيارهاى تو ببيند. باشد كه ويژگيهاى منحصر به فردى كه
در او نهاده اى، تشخيص داده و براى آنها سپاسگزار باشد. باشد كه
خود را آنطور كه تو او را مى بينى، ببيند و بفهمد كه " تو مقام او
را اندكى پائين تر از مقام فرشتگان قرار دادى و تاج عزت و
احترام بر سر او نهاده اى و او را بر تمام خلقت خود گماردى و همه
چيز را به فرمان او در آوردى" (مزمور ۸: ۴-۶). نداهاى غير
الهى را كه درگوش او خلاف اين حقيقت را زمزمه مى كنند خفه

کن و به او گوشهائی بده که ندای تو را دریافت کند و بدانند که کمال و بزرگی او از دولت خویش نیست، بلکه شکوه و عظمت توست که مایه سربلندی اوست.

بر او آشکار کن که "انسان جلال و شکوه خداست" (اول قرن‌تین ۱۱:۱) و "او در مسیح کامل است و مسیح حاکم بر تمامی ریاست‌ها و قدرتهاست" (کولسیان ۲:۱۰). به او آرامش و اطمینانی بده که بداند مورد تأیید و پذیرش توست و تو او را طرد نکردی. او را از قید و بند اتکاء به نفس و خودآگاهی رها کن. یاری‌اش کن تا به معرفت تو نائل شود و بدین طریق به معرفت واقعی خویش برسد. باشد که اصالت راستین وجود خویش را از شباهتی که در مسیح دارد، بیابد.



ابزار قدرت

خدا که می‌دانست از ابتدا چه کسانی به سوی او خواهند آمد،

چنین اراده فرمود

که اینان به شباهت فرزندش در آیند،

تا مسیح فرزند ارشد باشد و آنان، برادران او.

رومیان ۸:۲۹

اما ما نقابی بر صورت خود نداریم

و همچون آینه‌ای روشن و شفاف،

جلال خداوند را منعکس می‌کنیم؛

و در اثر کاری که خداوند یعنی روح القدس در وجودمان

انجام می‌دهد، با جلالی روز افزون، بتدریج شبیه او می‌شویم.

دوم قرن‌تین ۳:۱۸

کردار گذشته و طبیعت کهنه و فاسد شما دیگر مرده
و از بین رفته است؛
و اکنون زندگی کاملاً تازه‌ای را در پیش گرفته‌اید،
طی آن در کشف راستی ترقی می‌کنید و می‌کوشید
هر روز بیشتر شبیه مسیح، خالق این زندگی تازه شوید.
کولسیان ۳: ۹ و ۱۰

کسی که کلام را فقط می‌شنود و بدان عمل نمی‌کند
مانند شخصی است که صورت خود را در آینه نگاه می‌کند
اما بمحض اینکه از مقابل آینه دور می‌شود،
قیافه خود را فراموش می‌کند.
اما کسی که به کلام خدا که قانون کامل آزادی بشر است
توجه داشته باشد نه تنها آن را همیشه بخاطر خواهد داشت،
بلکه به دستور آتش نیز عمل خواهد کرد
و خدا عمل او را برکت خواهد داد.
یعقوب ۱: ۲۳-۲۵

برخیز، بگذار نور تو بدرخشد، زیرا جلال خداوند بر تو تابان است!
نور جلال خداوند بر تو تابیده است.
اشعیا ۶۰: ۱



فصل بیست و نهم

ایمان او

وقتی کسی به من می گوید شخصی ایمان ندارد، همیشه لبخند می زنم چون می دانم احتمالاً حقیقت ندارد. هر کسی تا حدی بر اساس ایمان زندگی می کند. وقتی شما به نزد دکتر می روید لازم است به تشخیص او ایمان و اطمینان داشته باشید. وقتی داروخانه نسخه شما را می پیچد، یقین دارید که داروی درست را دریافت خواهید کرد. وقتی در رستورانی غذا می خورید، اطمینان دارید افرادی که در آنجا کار می کنند غذای آلوده یا سمی روی میزتان نمی گذارند (لازم است در مورد بعضی رستورانها اطمینان بیشتری حاصل کنید). هر کاری که می کنیم تا حدی با یقین و اطمینان انجام می گیرد. هر کس به چیزی ایمان دارد. "خدا به هر کس درجاتی از ایمان عطا کرده است" (رومیان ۳: ۱۲).

این ما هستیم که انتخاب می کنیم به چه ایمان داشته باشیم. برخی مردم به خودشان، برخی به مقامات دولتی، برخی به شیطان، برخی به علم، برخی به روزنامه، برخی به کار سخت، برخی به سایر مردم و برخی به خدا ایمان دارند. تنها کسی که تاکنون شناخته‌ام به چیزی ایمان نداشت سر از بیمارستان روانی درآورد چون او را به مرز دیوانگی کشاند. ایمان چیزی است که نمی توان بدون آن زیست.

همچنین ایمان چیزی است که نمی توان بدون آن مرد. ایمان ما سرنوشت ما پس از ترک این دنیا را تعیین می کند. اگر به مسیح ایمان دارید، می دانید که آینده ابدی تان تضمین شده است. "اگر روح خدایی که عیسی مسیح پس از مرگ زنده کرد در وجود شما باشد، همان خدا بدنهای فانی شما را نیز پس از مرگ بوسیله همین روح که در وجود شماست، زنده خواهد کرد" (رومیان ۸: ۱۱). به عبارت دیگر، اگر همان روحی که باعث شد مسیح از مرگ قیام کند در وجود شما قرار گیرد، شما را نیز پس از مرگ خواهد رها کند. اطمینان از آنچه پس از مرگ روی خواهد داد، بر شیوه زندگی امروز ما تأثیر قابل ملاحظه‌ای خواهد گذاشت. اطمینان و قطعیت از آینده ابدی به ما بینش و بصیرت زندگی کردن در زمان حاضر را می دهد که با اطمینان نیز همراه است.

مسیح در حالیکه مرد نابینائی را شفا می داد گفت "ایمان توست که تو را شفا می دهد" (متی ۹: ۲۹). آیا این باعث نمی شود که بخواهید درجه ایمان خود را به خدا مورد ارزیابی مجدد قرار دهید؟ و این چه خبر مسرت بخشی است چون تا حدی می توانیم بر زندگی مان اختیار داشته و بدانیم چه چیزی در انتظارمان است. نبایستی زندگی مان را بر پایه شانس بگذاریم یا آن را به دست باد سپرده تا به این سو و آن سو رانده شود. عاقبت زندگی ما بر پایه ایمان ما استوار است.

ما همگی شک و تردید را تجربه کرده ایم. حتی مسیح نیز دچار تردید شد که چرا خدا او را ترک گفته است. اما او وجود خدا یا توانائی اش در نجات فرزندش را مورد شک و سؤال قرار نداد، بلکه انتظار تجربه چنین لحظاتی را نداشت. ما وجود خدا یا توانائی اش در یاری رساندن به ما را مورد شک و سؤال قرار نمی دهیم، بلکه آنچه برای ما جای سؤال است اشتیاق او در ایجاد تغییر آنی در زندگی ماست. ما فکر می کنیم او وقت رسیدگی به مشکلات ما را ندارد اما حقیقت این نیست.

آیا همسرتان گاهی دچار شک و تردید می‌شود؟ در اینصورت، چنانچه برای رشد ایمانش دعا کنید شاهد تحولی عظیم در زندگی او خواهید بود. حتی اگر مسیح را نمی‌شناسد، برای افزایش ایمان و تکامل معنوی او دعا کنید و ملاحظه خواهید نمود چقدر به سطح آرامش بالاتری می‌رسد. هیچ چیزی در زندگی همسر شما وجود ندارد که نتوان با سپر ایمان و توکل به خدا بر آن فائق آمد یا بطور مثبتی آنرا تحت تأثیر قرار داد. مسیح گفت آنکه به من ایمان آورد از وجود او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد (یوحنا ۳: ۷) ایمان به تنهایی می‌تواند کافی باشد تا یک عمر درد، زحمت، ترس، غم، بی‌علاقگی، ناامیدی، شکست و شک را زدوده و پاک سازد. آیا نباید دعا کنیم؟ پس بیایید دعا کنیم.

دعا

پروردگارا، دعا می‌کنم که امروز قدرت ایمان (اسم شوهر) را افزایش دهی. نیروی درونی او را زیاد کن تا بر تو، کلامت، وعده‌هایت، روش‌هایت و قدرتت ایمان بیاورد.

بدو اشتیاق و آرزوی قلبی عنایت کن تا با تو گفتگو کرده و صدای تو را بشنود. بدو فهم و بصیرتی عنایت کن تا گرمای حضورت را لمس کند و فقط برای عرضحال و خواهش نزد تو نیاید. باشد که تو را بطلبد و کاملاً بر تو تکیه کند؛ هدایت تو را بطلبد و تو را مقدم بر هر چیزی بداند. در انجام هر کاری خواسته تو را جامه عمل پوشاند.

خداوندا، تو فرموده‌ای که "ایمان از شنیدن مژده انجیل بوجود می‌آید" (رومیان ۱۰: ۱۷)، "روحش را با کلام آسمانی‌ات پر کن آنچنانکه در ایمان به کمالات و درجات عالی برسد و یقین داشته باشد نزد تو همه چیز ممکن است" (متی ۱۹: ۲۶). به او اطمینان بده که تو قادری به وعده‌هایت وفا کنی (رومیان ۴: ۲۱). باشد که

ایمانش سپر نجات او باشد و با قدرت ایمان آنچه که غیر ممکن می‌آید، ممکن سازد. کلامت می‌گوید "درستکاران با قدرت ایمان زندگی می‌کنند" (رومیان ۱: ۱۷). تو ما را دعوت نمودی تا زندگی پر از ایمانی را پیشه راه خود سازیم، باشد که همسر مطیع این دعوت تو باشد و بداند "نیکوئی تو در حق بندگان و در حق آنان که به تو توکل و اعتماد دارند، عظیم است" (مزمور ۱۹: ۳۱).



ابزار قدرت

وقتی از خدا درخواست می‌کنید، شک به خود راه ندهید، بلکه یقین داشته باشید که خدا جواب دعايتان را خواهد داد؛ زیرا کسی که شک می‌کند، مانند موجی است در دریا که در اثر وزش باد به این سو و آن سو رانده می‌شود. چنین شخصی هرگز نمی‌تواند تصمیم قاطعی بگیرد. پس اگر با ایمان دعا نکنید، انتظار پاسخ نیز از خدا نداشته باشید. یعقوب ۱: ۶-۸

کاری که با وجدان ناراحت انجام شود گناه است.

رومیان ۱۴: ۲۳

اگر شما حتی به اندازه دانه خردل نیز ایمان می‌داشتید، می‌توانستید به این کوه بگوئید حرکت کند و از شما اطاعت می‌کرد. برای کسی که ایمان داشته باشد، هیچ کاری غیر ممکن نیست.

متی ۱۷: ۲۰

وقتی مسیح بر روی صلیب مصلوب شد،
 در حقیقت من نیز با او مصلوب شدم.
 پس دیگر من نیستم که زندگی می کنم،
 بلکه مسیح است که در من زندگی می کند!
 و این زندگی واقعی که اینک در این بدن دارم نتیجه ایمان من به
 فرزند خداست که مرا محبت نمود و خود را برای من فدا ساخت.
 غلاطیان ۲:۲۰

پس چون بوسیله ایمان به عیسی مسیح
 در نظر خدا پاک و بی گناه محسوب شده ایم،
 از رابطه نزدیکی با خدا بهره مند هستیم.
 این رابطه زمانی ایجاد شد که مسیح جانش را روی صلیب
 در راه ما فدا کرد.
 رومیان ۵:۱



فصل سیام

آینده او

هیچیک از ما نمی‌توانیم بدون تصویری از آینده زندگی کنیم. چنانچه تصویری از آینده نداشته باشیم، بی‌هدف و سرگردان می‌شویم. زندگی بدون غایت و مقصد معنی ندارد و عصاره روح و جان ما را می‌کشد. "آنکس که آینده‌ای ندارد، هلاک می‌شود" (امثال ۱۸:۲۹).

داشتن تصویری از آینده لزوماً به معنی آگاهی از جزئیاتی که در آینده پیش می‌آید نیست، بلکه بینشی است از مقصدی که به سوی آن در حرکتیم به این امید که آینده خوبی در انتظارمان است. تمام افراد چنین اطمینانی را ندارند. انرژی درونی فردی که به آینده‌اش اطمینان ندارد، تخلیه شده و روح حیات در او زایل می‌گردد. حتی آن عده هم که به آینده یقین دارند، همیشه این برتری را درک نمی‌کنند. حتی مؤمن‌ترین افراد نیز می‌توانند خسته و فرسوده شده و از خدا فاصله بگیرند و در مورد هویت واقعی‌شان و اینکه چرا اینجا هستند دچار شک شوند و تصویری را که از آینده دارند از دست دهند. گم کردن معنی زندگی و جایگزین نمودن آن با چیز دیگر باعث عجز و ناامیدی فرد می‌گردد. چنانچه فرد دورنمای تحقق آرزوهایش را از دست دهد و حقیقت وجودی خویش و موقعیتش را فراموش کند، نهایتاً دروغهای مخربی را که

در مورد آینده‌اش می‌شنود باور می‌کند. "قوم من نابود شده‌اند، چون مرا نمی‌شناسند" (هوشع ۶:۴).

خداوند می‌فرماید به سخنان مدعیان پیامبری که به شما امیدهای بیهوده و واهی می‌دهند، گوش فراندهید، "زیرا ایشان از طرف من سخن نمی‌گویند، بلکه سخنانشان ساخته و پرداخته خودشان است" (ارمیا ۲۳:۱۶). هر تصویری از آینده که آمیخته با شکست و ناامیدی است به خدا تعلق ندارد، او می‌خواهد به ما امید و آینده خوبی بخشد (ارمیا ۱۱:۲۹). خداوند می‌تواند بینش از دست رفته ما را احیاء کند. او می‌تواند به ما امید بخشد تا دوباره برای آینده‌ای خوب و دلپذیر رویاها ببینیم. او می‌تواند با حقیقت وجود خویش دروغهائی که ظلمت مرگ، دلشکستگی و ناامیدی را بر زندگی ما گسترانده به روشنائی بدل کند. او آینده نوید بخشی را تضمین می‌کند. و از طریق دعاست که خدا وعده‌های خود را محقق می‌سازد.

شوهرم گفت یکی از دفعاتی که دعا‌های من واقعاً ارزش زیادی برای او داشته است وقتی بود که از «لوس آنجلس» به «نشویل» نقل مکان می‌کردیم. برای همگی ما بسیار سخت بود افرادی را که بسیار دوست داشتیم ترک کنیم و دوباره از نو شروع کنیم. خیلی چیزها در معرض خطر بود و انتقال، دشوار بود. لازم به ذکر نیست که از لحاظ ایمان نیز قدم بزرگی را بر می‌داشتیم. نمی‌دانستیم که عاقبت چه خواهد شد، اما با یقین نقل مکان کردیم چون می‌دانستیم مطابق هدایت خداوند عمل می‌کنیم. زندگی مان را به دست آن حکمت لایتنهای سپرده و به او توکل کردیم. در آن زمان من برای مایکل دعا کردم که تصویری را که خدا از آینده به او داده از دست ندهد. آنگاه که شرایط باعث می‌شد بطور موقت بینش و درک معنوی‌اش را از دست دهد، دعا‌های من وسیله‌ای بود که چشمان او را می‌گشود.

لازم است بخاطر داشته باشیم که پدر آسمانی خواسته‌اش را برای ما ترسیم نموده است. فرزندانش بطور مساوی از دارائی و میراثش سهم می‌برند. همه آنچه به او تعلق دارد، از آن ما نیز خواهد بود. "ما وارثین خدا هستیم و تمام شکوه و جلال مسیح از آن ما نیز هست" (رومان ۸: ۱۷). بیشتر از آنچه ما تصور کنیم او در ذخائر الهی‌اش برای ما دارد. خدا برای دوستداران خود چیزهایی تدارک دیده است که هیچ انسانی هرگز ندیده، نشنیده و به فکرش خطور نیز نکرده است (اول قرننتیان ۹: ۲). خداوند وعده می‌دهد که به "اشخاص نیکوکار، پاداش خوبی خواهد داد" (امثال ۱۰: ۲۸). یعنی نه تنها همه آنچه را که در این دنیا نیاز داریم دریافت خواهیم کرد، بلکه مهمترین قسمت میراثمان پس از مرگ نصیب ما خواهد شد. و آنگاه که به او بپیوندیم، او ما را بس است و به هیچ چیز محتاج نخواهیم بود.

چنانچه شوهرتان آنقدر سرگرم جزئیات زندگی روزمره‌اش است که از تصویر آینده خود غافل شده است، دعای شما می‌تواند دید او را وسیع نماید و به او کمک کند خدا را بعنوان غایت آمال و آینده خویش ببیند و در یابد که لازم است بگونه‌ای زندگی کند که همسو با اراده و هدف الهی باشد. "آیا می‌دانید که در یک مسابقه دو همه می‌دوند، اما فقط یک نفر جایزه را می‌برد؟ پس شما طوری بدوید که مسابقه را ببرید" (اول قرننتیان ۹: ۲۴). شما نمی‌خواهید که شوهرتان تسلیم خواسته انسانی خویش شده و جایزه را از دست دهد، بلکه می‌خواهید او از دیدگاه خدا شرایط را بسنجد و در آن تعمق نماید.

خداوند نمی‌خواهد که ما از آینده خبر داشته باشیم بلکه می‌خواهد که به شناخت او همت گماریم. او می‌خواهد که به او اعتماد کنیم تا ما را هر بار یک قدم بسوی آینده هدایت کند. به منظور درک هدایت خداوند، بایستی برای هر قدم هدایت او را بطلبیم. "آنانکه خدا را می‌طلبند، به خرد و دانش آراسته شده،

فهمشان کامل می‌گردد" (امثال ۵:۲۸). همچنین شایسته است رابطه خود را با او حفظ کنید تا قادر به شنیدن جواب دعاهایتان باشید. پروردگار، تصویری از آینده در جان ما حک می‌کند و بذر امید و آرزو را در دل ما می‌کارد. دعا کنید که همسران تصویر الهی را دریافت کنند. با خداوند آینده شوهرتان امن و مطمئن است.

دعا

پروردگارا، دعا می‌کنم که به (اسم شوهر) تصویری از غایت و هدف زندگی‌اش عطا کنی. به او قدرت درکی عنایت کن تا دریابد برنامه و نقشه‌های تو به خیر و صلاح اوست و تو مشتاق سعادت او هستی نه بدبختی‌اش و به او آینده و امیدی نو و عده می‌دهی (ارمیا ۱۱:۲۹). او را به کمال حکمت مزین کن تا اراده تو را دریابد و آنگونه که سزاوار توست در راه زندگی گام برداشته و رضایت و خشنودی کامل تو را خواستار باشد. او را در انجام اعمال نیک و پسندیده برکت بده. بر ایمان او بیفز تا معرفت تو را جستجو کند (کولسیان ۱: ۹ و ۱۰) باشد که در شک و ترس از آینده گام برندارد بلکه هدایت روح القدس را بطلبد. به یاری‌اش بشتاب تا به بلوغ معنوی رسیده و هر روز بیشتر به معرفت تو نائل شود و تمام آمالها و آرزوهایش را به تو سپارد چون می‌داند " آنچه برای انسان غیر ممکن است، نزد خدا ممکن است" (لوقا ۱۸: ۲۷) باشد که تو مقصود و معبود او باشی و همواره اهداف تو را در زندگی پیاده کند و با عزمی جزم خواستار پیروی از تو باشد.

دعا می‌کنم که تمام روزهای زندگی‌اش فعالانه در خدمت تو باشد. او را از گمراهی نجات بده و از امید به آینده لبریز کن "امیدی که همچون لنگری نیرومند او را به هنگام طوفانها و شرایط صعب ثابت و استوار نگاه می‌دارد" (عبرانیان ۶: ۱۹). "آرزوی دل" او را برآور (مزمور ۲: ۲۱) و "به او برکت بده،

همچون به آنانکه نام تو را با احترام گرامی می‌دارند" (مزمور ۵:۶۱). او را همچون درختی در خانه مقدست بنشان و از نهرهای آستانه او را سیراب کن تا تازه و شاداب مانده و حتی در ایام پیری نیز ثمر دهد (مزمور ۹۲:۱۳ و ۱۴). و آنگاه که او را فرا می‌خوانی تا این دنیای خاکی را ترک گفته و به تو ملحق شود، باشد که تصویری مطمئن از آینده ابدی‌اش داشته و فراغ بال، بدون تکلف و با شادی رحل عزیمت گیرند و تا فرا رسیدن آن زمان، دعا می‌کنم که غایت آمال و آرزوها و آینده‌اش را در تو یابد.



ابزار قدرت

خواست من سعادت شماست و نه بدبختی‌تان
و کسی بجز من از آن آگاه نیست.
من می‌خواهم به شما امید و آینده خوبی ببخشم.
ارمیا ۲۹:۱۱

شخص پاک و درستکار را ملاحظه کن!
او عاقبت به خیر خواهد شد.
اما عاقبت بدی در انتظار بدکاران است،
همه آنها هلاک خواهند شد.
مزمور ۳۷:۳۷ و ۳۸

آنان همچون درختانی هستند که در خانه خداوند نشانده شده
و شکوفه می دهند.

حتی در ایام پیری نیز قوی و پر نشاط خواهند بود
و ثمر خواهند داد و اعلام خواهند کرد:
" خدا عادل است، او تکیه گاه من است
و در او هیچ بدی وجود ندارد.

مزمور ۹۲: ۱۳-۱۵

تنها خواهش من از خداوند این است که اجازه دهد
تمام روزهای عمرم در حضور او زیست کنم
و در خانه او به تفکر بنشینم و جمال او را مشاهده نمایم.

مزمور ۴: ۲۷

آینده تان آکنده از نور امید است.

ارمیا ۱۷: ۳۱

نگرانی در مورد ازدواجتان چیزی را تغییر نمی دهد... دعا درباره آن می تواند همه چیز را متحول کند.

چالشها و فشارهای دنیای امروز می تواند ازدواج دست یافتنی شما را به یک رؤیای نشدنی بدل کند. با این حال چنانچه از خداوند بخواهیم، شوق او بر این است تا ناممکن را ممکن سازد. در این کتاب استورمی امارتن از قدرت خداوند در تعیین سرنوشت ازدواج او، از وقتی که شروع به دعا در مورد جنبه های اساسی زندگی شوهرش نمود، سخن می گوید. این حوزه ها عبارتند از:

- ❖ گامهای معنوی شوهرش
- ❖ احساسات او
- ❖ نقش او بعنوان پدر، پیشرو و تصمیم گیرنده
- ❖ امنیت او در کار و امور مالی
- ❖ سلامت فیزیکی او
- ❖ ایمان، و آینده او

چنانچه علاقمند برقراری رابطه نزدیکتری با شوهرتان هستید، از این دیدگاه نشاط انگیز نویسنده در مورد قدرت دعا در ازدواج تقدیر خواهید نمود.

«استورمی امارشن» و همسرش مایکل، بیش از بیست و هفت سال است که ازدواج کرده اند و سه فرزند به نامهای کریستوفر، آماندا، و جان دیوید دارند.

